

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



منبر مکتوب فاطمی

# فاطمیه فصل دشمن شناسی



قرارگاه جهاد تبیین حضرت زینب سلام الله علیها

پاییز ۱۴۰۱







## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
<b>جلسه اول: فاطمیه؛ فصل دیدن دشمن .....</b>	<b>۱۵</b>
ضرورت حیات‌شناسی قبل از دین‌شناسی.....	۱۵
قرآن کتابی برای دریافت زاویه دید درست از زندگی دنیا.....	۱۵
آسیب‌های عدم شناخت واقعی از زندگی دنیا.....	۱۶
پذیرش محدودیت در زندگی دنیا، اولین نگاه واقعی به دنیا.....	۱۶
راستش را بگو!.....	۱۷
آموزش محدودیت دنیا در خانه.....	۱۷
طبیعی بودن ناسپاس شدن متقابل زن و مرد.....	۱۹
وجود مانع در زندگی دنیا، دومین نگاه واقعی به دنیا.....	۱۹
هدف از وجود مانع، در زندگی دنیا پیشرفت و قوی شدن است.....	۲۰
بعضی‌ها روحیه فرار از مانع دارند.....	۲۰
چگونه مانع درونی انسان، مانع موفقیت است؟.....	۲۱
دشمن یعنی هر نوع مانع پیشرفت.....	۲۲
این حرف شیک از دشمن را به جهان عرضه کنید.....	۲۲
ما هم دشمنی نکنیم با ما دشمنی خواهند کرد.....	۲۲
دیدن نفرت دشمن، راه دیدن دشمن.....	۲۳
جهاد فاطمی علیه چهار جبهه دشمنی.....	۲۴
مشکل اصلی حضرت، عدم قیام مردم علیه دشمنان بود.....	۲۵
نفرین بر بی‌تفاوت‌ها!.....	۲۶
فریادهای فاطمه بر سر بی‌تفاوت‌ها.....	۲۷
همه آن بی‌تفاوت‌ها، در قتل حضرت زهرا (س) شریک هستند.....	۲۸
بی‌تفاوت‌ها، بی‌تفاوت نمی‌مانند.....	۲۸
<b>جلسه دوم: راز تکرار یک داستان در قرآن .....</b>	<b>۳۱</b>
حکمت تکرار برخی از داستان‌های قرآنی.....	۳۱
حیات بشر با نزاع و درگیری شروع شده است.....	۳۲
اولین آگاهی خدا به آدم و حوا بعد از هیبوط به زمین.....	۳۴
دشمنی حتی با نزدیک‌ترین افراد.....	۳۵
سه دلیل عمده بر حضور دشمن در حیات بشر.....	۳۶
۱- رشد خوبان.....	۳۶
۲- دیده شدن زیبایی خوبان.....	۳۶

- ۳- فراهم شدن بستر امتحانات الهی..... ۳۶
- در مقابل دشمنی دشمن چه کنیم؟..... ۳۷
۱. قوی شدن..... ۳۷
- امام سیاست‌مداری که هرگز نترسید..... ۴۰
- اگر من بودم ناو آمریکایی را هدف قرار می‌دادم..... ۴۰
- دلیل عدم ترس امام چیست؟..... ۴۱
- جنگ روانی خدا با القاء ترس به دشمن..... ۴۱
۲. قطع دست نفوذی‌ها و نفوذپذیرها..... ۴۳
۲. فریاد زدن بر سر دشمن..... ۴۳
- جلسه سوم: هیجان و سرگرمی به نام دشمن .....** ۴۷
- دنیای محلی برای سرگرم شدن..... ۴۷
- چرا در زندگی افسرده هستی؟..... ۴۸
- وجود دشمن، جذاب‌ترین بخش حیات بشر..... ۴۸
- چرا شرط‌بندی برای تیراندازی حلال است؟..... ۴۹
- تفریح آیت الله..... ۴۹
- با حذف دشمن، جامعه به اوج نشاط و سرگرمی نمی‌رسد..... ۵۰
- وجود دشمن، عامل سرگرمی و نشاط جامعه..... ۵۱
- انواع سرگرمی با دشمن..... ۵۳
۱. سرگرمی با دشمنی به نام علاقه‌های سطحی..... ۵۳
- هوایپرستی مدلی برای زندگی..... ۵۴
- چرا انبیا را تکذیب کردند یا کشتند؟..... ۵۵
- فتنه همیشه با محوریت هوای نفس شکل می‌گیرد..... ۵۵
- چه کسی طرفدار شعار آزادی است؟..... ۵۶
- لذت ترک لذت..... ۵۷
- رابطه قدرت و مدیریت خواستی‌ها..... ۵۷
- سقوط مردم در فاطمیه در فتنه..... ۵۹
۲. دشمنی شیطان..... ۵۹
۳. دشمنی نفاق..... ۶۱
۴. یهود، دشمن اصلی..... ۶۱
- نقش یهود در ماجراهای صدر اسلام..... ۶۲
- جلسه چهارم: نقاط ضعف دشمن .....** ۶۵
- علامت تعادل روحی جامعه..... ۶۵
- مثل آئینه مسطح صاف بین!..... ۶۶
- چرا بعضی‌ها روی نقاط قوت دشمن تمرکز می‌کنند؟..... ۶۶
- آیا دشمن اساساً ضعیف است یا قوی؟..... ۶۶
- مسلمانان کافر به یک آیه قرآن..... ۶۷



## فهرست مطالب □ ۹

- قرآن برخورد روان کاوانه می کند..... ۶۷
- با بحث کردن مسئله حل نمی شود..... ۶۸
- مدل برخورد خدا با دشمنی به نام یهود..... ۶۹
- نقاط ضعف دشمن:..... ۶۹
۱. ترس..... ۶۹
۲. اختلاف شدید و نفرت از هم در جبهه دشمن..... ۷۱
۳. دشمن شما محکوم به ذلت و خواری است..... ۷۳
- فتنه زیر سر اسرائیل است..... ۷۴
- ما حاضریم چه کنیم؟..... ۷۶
- قوی شدن تنها راه پیش روی ما است..... ۷۶
- جلسه پنجم: رسانه مهم ترین ابزار دشمنی یهود در آخرالزمان ..... ۷۹**
- غول رسانه در دست یهود..... ۷۹
- آزادی شرط واقع بینی..... ۸۰
- اسارت در ذهنیت های غلط بدترین نوع اسارت..... ۸۰
- نقش رسانه در اسارت ذهنیت های غلط..... ۸۱
- گاهی شعار آزادی رسانه ها، شعار به نفع اسارت جامعه است..... ۸۲
- چگونه رسانه، جوامع را اسیر ذهنیت های غلط می کند؟..... ۸۲
- شما ببینید رسانه در ماجرای خانم مهسا امینی چه کرد؟..... ۸۳
- یک بام و دوهوای رسانه ها در بازتاب جرم و جنایت علیه زنان..... ۸۴
- دلیل این همه هیاهو چیست؟..... ۸۴
- رسانه دست چه کسی است؟..... ۸۵
- تأثیرات ناخودآگاه رسانه عجیب و غریب است..... ۸۶
- مادرها و اسیر کردن بچه ها به یک علاقه خاص..... ۸۷
- جامعه آزاد از اسارت های ذهنی، جامعه اسیر ذهنیت ها..... ۸۷
- ما در چه شرایطی هستیم؟..... ۸۸
- صدای شکستن استخوان های تمدن غرب به گوش می رسد..... ۸۸
- غرب به رهبری آمریکا، آخرین نفس های خودش را می کشد..... ۸۹
- اگر ما کوتاه بیاییم، نابود می شویم..... ۸۹
- ما در مسیر ابرقدرت شدن هستیم..... ۹۰
- قانون جذب کمک خدا..... ۹۰
- کمک خدا هم بی حساب و کتاب نیست..... ۹۰
- ویژگی مردم مدینه در بیان فاطمی، عامل شکست در جنگ رسانه ای..... ۹۲
- جلسه ششم: نصرت خدا؛ مهم ترین نقطه قوت ما ..... ۹۵**
- اهمیت دیدن نقاط قوت در میدان مبارزه با دشمن..... ۹۵
- چرا نصرت خدا، مهم ترین نقطه قوت ما در مقابل دشمن است..... ۹۶

- ۹۷..... دشمنی مردنی است و با صورت به زمین افتاده است.....
- ۹۹..... نصرت خدا، در عرصه علمی.....
- ۱۰۱..... نصرت خدا در عرصه دفاعی و موشکی.....
- ۱۰۵..... حضرت زهرا (س) با قرآن به تنهایی جهاد کبیر انجام دادند.....
- ۱۰۶..... در جهاد کبیر برخلاف جهاد اصغر می‌توانی به تنهایی به خط بزنی.....
- ۱۰۷..... حضرت زهرا س شهیده جهاد تبیین.....
- ۱۰۸..... امیرالمؤمنین دست از جهاد تبیین برداشتند.....
- ۱۰۸..... اهمیت و ضرورت جهاد تبیین.....
- ۱۰۸..... صدیقه کبری(س)، شهیده جهاد تبیین.....
- ۱۰۹..... تارکین جهاد تبیین، قاتلین فاطمه اطهر(س).....

**جلسه هفتم: اقدام جهادی همراه با صبر ..... ۱۱۱**

- ۱۱۱..... شرط اول نصرت خدا، اقدام و عمل است.....
- ۱۱۲..... جهاد هر تلاش کردنی نیست.....
- ۱۱۳..... میل انسان به پرکاری و تلاش.....
- ۱۱۳..... ما در اسلام بازنشستگی نداریم، از کارافتادگی داریم.....
- ۱۱۴..... مذهب‌ها را باید به پرکاری و پرتلاشی بشناسند.....
- ۱۱۵..... معنای دقیق جهاد یعنی پرکاری و پرتلاشی.....
- ۱۱۵..... کارکردهای دشمن در شکوفایی استعداد پرکاری.....
- ۱۱۸..... استقامت و صبر، شرط دوم برای دریافت نصرت خدا.....
- ۱۱۹..... مقاومت و صبر در اقتصاد.....
- ۱۲۰..... اقتصاد ژاپن چگونه شکوفا شد؟.....
- ۱۲۰..... سه خصلت در اقتصاد مردم ژاپن.....
- ۱۲۱..... دو اقدام اساسی برای اقتصاد مقاومتی:.....

۱. مدیریت خرج کردن.....
- ۱۲۳..... تأثیر به‌اندازه خرج کردن در ثروتمند شدن.....
- ۱۲۳..... اهل تدبیر در معیشت نباشی، اشکالی در دین‌داری تو است.....
- ۱۲۴..... شاه داماد بلد هست درست خرج کند؟!.....
- ۱۲۵..... منظور کم خرج کردن نیست!.....
- ۱۲۵..... به نفع مسلمین کالای کمیاب را بفروش!.....
۲. مدیریت تمایلات.....
- ۱۲۷..... ثروتمند فقیر.....
- ۱۲۷..... حال بد جامعه حریص.....
- ۱۲۸..... نقش زندگی غربی در حال بد.....
- ۱۲۸..... روحیه شاکرانه فاطمی.....

**جلسه هشتم: راز موفقیت و قدرت جامعه در مقابل دشمن ..... ۱۳۱**

۱۳۱.....	اختلاف نقطه ضعف ما.....
۱۳۲.....	فلسفه بعثت انبیا، مدیریت اختلافات.....
۱۳۴.....	اوج قدرت‌نمایی پیامبر در مدیریت اختلافات.....
۱۳۶.....	امامت نوح تسبیح جامعه.....
۱۳۶.....	یک یهودی اولین تفرقه افکن در تاریخ اسلام.....
۱۳۷.....	هنر رهبر جامعه.....
۱۳۸.....	موج سواری روی اختلافات در مدینه.....
۱۴۰.....	حفظ وحدت، راز سکوت امیرالمؤمنین(ع).....
۱۴۳.....	نقش سخنان یا سکوت «سیاست‌مداران»، در ثبات اجتماعی.....
۱۴۴.....	وحدت راز موفقیت و قدرت جامعه.....
۱۴۵.....	لازمه «حفظ ثبات اجتماعی»، «تحمل مظلومیت» است.....
<b>۱۴۹.....</b>	<b>جلسه نهم: نقش مردم در مصاف با دشمن.....</b>
۱۴۹.....	حذف کردن دشمن، مشکلی را حل نمی‌کند.....
۱۴۹.....	شیوه صحیح مواجهه با دشمن.....
۱۵۰.....	راه دریافت نصرت الهی در مقابل دشمن.....
۱۵۱.....	قیام فاطمی برای به صحنه آوردن مردم در مقابل دشمن.....
۱۵۴.....	مردم بازوان ولایت در مقابل هستند.....
۱۵۵.....	حکومت مهدوی حکومت مردمی.....
۱۵۶.....	مردم قیام به قسط می‌کنند نه انبیا.....
۱۵۷.....	دشمن و پروژه مردم‌سازی اغتشاشات.....
۱۵۷.....	انقلاب مردمی، مردم انقلابی.....
۱۵۸.....	بحران جنگ، با قدرت مردم حل شد.....
۱۵۸.....	نقش مردم در برابر فتنه‌های اقتصادی و فرهنگی دشمن.....
۱۵۸.....	مردم پای هر کارخانه تعطیل شده بیایند و آن را سرپا می‌کنند.....
۱۶۰.....	فعال کردن بخش تعاونی، یک گام اساسی برای نقش آفرینی مردم.....
<b>۱۶۳.....</b>	<b>جلسه دهم: عاقبت دشمن.....</b>
۱۶۳.....	فضیلتی به نام دشمن‌شناسی.....
۱۶۴.....	رذیلتی به نام عدم حساسیت نسبت به دشمن.....
۱۶۵.....	نفرین بر جامعه‌ای که این‌طوری زندگی می‌کند.....
۱۶۵.....	احساس خطر دشمن از شما علامت درستی مسیر شما است.....
۱۶۶.....	چرا فاطمه (س) را زدند؟.....
۱۶۶.....	شبیه فاطمه (س) شدن یعنی دشمن از ما احساس خطر کند.....
۱۶۷.....	چرا مردم مدینه با قیام فاطمی همراهی نکردند؟.....
۱۶۷.....	عدم احساس خطر از دشمن.....
۱۶۸.....	هوشمندی فاطمه (س) در مقابل کدام دشمن؟.....

- تفاوت وضعیت امروز با وضعیت دیروز دشمن..... ۱۶۹
- نقش ایرانی‌ها در نابودی دشمن..... ۱۶۹
- الآن جهان حیاط‌خلوت ماست..... ۱۷۱
- میزان فقر در اروپا را بررسی کنیم..... ۱۷۱
- کتابی خواندنی از بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی..... ۱۷۳
- جهاد تبیین یعنی تبیین آثار جهانی انقلاب اسلامی..... ۱۷۳
- ظرفیت‌های جهانی دین ما..... ۱۷۳
- در مدارس ما، جهانی‌شدن آموزش داده می‌شود؟..... ۱۷۴
- توبیخ امام صادق (ع)، صحابی را که به فکر جهانی‌شدن نیست..... ۱۷۴
- چرا در قرآن داستان تمام اقوام مطرح جهان آمده است؟..... ۱۷۷
- اعتراف هنری کسینجر به قدرت انقلاب اسلامی..... ۱۷۷
- حل تعارض آثار جهانی انقلاب اسلامی با عدم توان حل مشکلات اقتصادی داخلی..... ۱۷۸
- اقتصاد، معادلهٔ چند مجهوله..... ۱۷۹
- جهانی‌شدن اسلام، آرزوی بزرگ سیاسی حضرت زهرا (س)..... ۱۷۹

## مقدمه

منبر به عنوان یکی از اصیل ترین رسانه های دینی و اسلامی همواره تأثیر ویژه خود را بر جامعه داشته است. تاریخ انقلاب اسلامی گواهی می دهد که منبر همپای انقلاب از نخستین روزهای مبارزه تا پیروزی و پس از آن، گام برداشته و همیشه حضور جدی این رسانه در عرصه روشنگری و بسیج عمومی ملت نقش پررنگ داشته است.

امروز نیز که صحنه جهاد و مبارزه با استکبار در عرصه تبیین صورت بندی شده، سنگر منبر که ذاتا محل بیدارگری و تبیین است، باید بیش از پیش رونق بگیرد و در این جهاد مقدس مشارکت کند. ایام و مناسبت های مذهبی، همواره موسم اوج گیری فعالیت های منبر و پیرامون آن است. در میان مناسبت های دینی، بی شک یکی از بهترین زمان ها برای تبیین و جهاد در این زمینه، ایام فاطمیه است. دختر گرامی پیامبر اکرم (ص)، نماد تشخیص وظیفه و قیام در راه انجام دادن آن است. ایشان شهیده راه نصرت امام جامعه و یاری او است. مبلغ فاطمی نیز با تأسی به این سیره، می تواند یاریگر ولی امر زمانه خویش باشد. روشن کردن اذهان و ایجاد آمادگی در قلوب برای پذیرش حق و حقیقت، همان مبارزه واقعی در این زمان است.

دشمن ملت مسلمان ایران، با همه توان تبلیغی خود در تلاش برای اغوای جامعه است. امپراطوری های عظیم خبری و هنری، در کنار سلطه ای که بر فضای مجازی و شبکه های اجتماعی دارند، پدیده ای به نام حصر تبلیغاتی ایجاد کرده است که به واسطه آن روایت یک طرفه و تحریف شده از واقعیت به جامعه محصور ارائه می دهند. دروغ پردازی، تحلیل های جهت دار و مغرضانه، وارونه نمایی از حقایق، جنجال آفرینی و بزرگ نمایی از عیوب و کوچک جلوه دادن محسنات، از جمله

خیانت‌هایی است که به واسطهٔ انبوهی از رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی در حق جامعه ما صورت می‌گیرد.

حال در این زمانه باید از فرصت‌های به دست آمده و بسترهای تبلیغی فراهم شده، مانند ایام فاطمیه، در جهت روشنگری بهترین بهره را ببریم. رسانهٔ تأثیرگذار منبر در این ایام، نمونه‌ای از فرصت‌های ما است. مجالس اهل بیت (ع) در این زمانه را محل افشای نقشهٔ دشمن و سنگری برای مبارزه با او قرار بدهیم و با الگوپذیری از حضرت فاطمهٔ زهرا (س)، آن حامی جان بر کف ولایت، باطل را به جامعه معرفی کنیم و مکر و نقشه‌های شوم او را برای مردم باز بگوییم. کتاب پیش رو گامی برای غنی‌سازی محتوای مجالس فاطمی است. در این کتاب سعی شده با دو رویکرد «شناخت دشمن و نقشه او» و «تشریح تکلیف عملی برای رویارویی آحاد جامعه با دشمن»، منبرهایی درخور ایام فاطمیه تهیه شود تا با آگاهی بخشی، زمینه لازم برای تاسی به سیرهٔ بانوی نامدار تاریخ اسلام حضرت فاطمهٔ زهرا (س) فراهم شود که همان وظیفه‌شناسی به موقع و عمل به‌هنگام به آن است.

قراگاه جهاد تبیین حضرت زینب (سلام الله علیها)

## جلسه اول:

### فاطمیه؛ فصل دیدن دشمن

#### ضرورت حیات‌شناسی قبل از دین‌شناسی

دین‌شناسی و حیات‌شناسی که اهمیت زیادی در زندگی ما دارد، ولی متأسفانه جای آن‌ها در آموزش‌های دینی و در مدارس ما، بسیار خالی است. آموزش دین‌داری بدون دین‌شناسی، بسیار آسیب می‌زند و چقدر کم‌اثر و بی‌ثمر است! اگر ما دنیا را به بچه‌های مان معرفی نکنیم، دائم باید از دین دفاع کنیم! بچه‌ها دائم دین را در مقابل خودشان و دنیای خودشان می‌بینند. بعد علیه این دین شورش می‌کنند؛ چون فکر می‌کنند دین مانع رسیدن به لذت‌ها و آرزوهای دنیایی‌شان است.

بخشی از نفرت فزاینده‌ای که در بخشی از نسل موجود نسبت به دین پدید می‌آید، این دوگانه کاذب تقابل دین با دنیا است که به شورش و اغتشاش تبدیل می‌شود. ما نوجوانانمان را مستقیم سر اصل مطلب بردیم و گفتیم این دین است، اگر عمل کردی مؤمنی، اگر عمل نکردی کافر و فاسقی. ذهنیت نوجوانان این نوع دین‌شناسی و دین‌داری را بر نمی‌تابد.

#### قرآن کتابی برای دریافت زاویه دید درست از زندگی دنیا

برو برای این قشر از دنیا بگو و دنیا را برایشان معرفی کن، کاری که قرآن انجام داده است. آیات فراوانی است که ما را با محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، آشنا می‌کند. نه تنها آشنا می‌کند، بلکه یک دیدگاه و زاویه نگاه عمیق به ما نسبت به دنیا می‌دهد. فقط آگاهی نمی‌دهد و بگذرد، آگاهی‌های هدفمند می‌دهد تا یک نگاه در

ذهن ما ایجاد کند. اصلاً کاری اصلی قرآن، دادن زاویه نگاه به مخاطبانش است. فرمود: «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ؛<sup>۱</sup> این قرآن کارش بینش دادن برای مردم است».

### آسیب‌های عدم شناخت واقعی از زندگی دنیا

کسی که حیاتش را نشناسد، اول با خودش دعوا می‌افتد بعد با اطرافیانش. این طوری نه لذت دنیا را درک می‌کند نه لذت زندگی دنیا را. فقط دارد عذاب روحی می‌کشد. مثل کسی که رانندگی کردن را بلد نیست، ولی در مسابقه اتومبیل‌رانی شرکت کرده است، دائم به در و دیوار می‌خورد. بعد می‌گوید این پیچ و آن مانع در مقابل من چیست؟! درحالی که این پیچ و خم‌ها لازمه مسیر مسابقه است. راننده باید به میزان لازم مهارت داشته باشد تا به هدفش برسد. زندگی دنیا هم آمیخته‌ای از پیچ و خم و تلخی و شوری و شیرینی است، ما باید مدیریت زندگی را بلد باشیم تا از مسیر هدف اصلی کج نشویم.

### پذیرش محدودیت در زندگی دنیا، اولین نگاه واقعی به دنیا

مثلاً یکی از نگاه‌های اولیه که باید در ذهنیت و نگاه بچه‌های ما از دنیا قرار بگیرد، این است که عزیزم! محیطی که در آن زندگی می‌کنی پر است از محدودیت برای همه انسان‌ها؛ چه دین‌دار باشی، چه دین‌دار نباشی، به قول ترک زبان‌ها، بوجور که واردی یعنی اینی که هست. دنیا این طوری هست. این محدودیت دنیا را ببین، ربطی به دین ندارد، بلکه خاصیت دنیا بودن دنیا است.

ما یک تصور فضایی و غیر واقعی از محیط زندگی خودمان به ذهن بچه‌ها منتقل می‌کنیم، بعد توقع داریم بچه‌ها آن را بپذیرند و طغیان نکنند؟ فرمود: «يُرِيدُ الْإِنْسَانُ



## جلسه اول: فاطمیه؛ فصل دیدن دشمن □ ۱۷

لَيْفُجَرَ أَمَامَهُ».<sup>۱</sup> این انسان می‌خواهد تمام محدودیت‌های خودش را کنار بزند. این انسانی که محدود گریز است، نه در درون خودش، نه در زندگی بیرونی خودش، محدودیت پذیر نیست. تو چطور می‌خواهی او خودش را مهار کند؟

### راستش را بگو!

کدام فیلم سینمایی دیدید که به درستی واقعیت و راستش را بگوید؟ خیلی از فیلم‌ها راستش را نمی‌گویند که دنیا پر از محدودیت است. دروغ بزرگی که می‌گویند همین است که تو می‌توانی تمام محدودیت‌ها را کنار بزنی و به موفقیت برسی و... نه تنها فیلم‌ها که خیلی از کتاب‌ها و دوره‌های آموزشی و... هم است که رسیدن به موفقیت را یاد مردم می‌دهند؛ اما راست نمی‌گویند؛ چون دنیا و زندگی را درست معرفی نمی‌کنند.

راستش چیست؟ راستش این است که شما در این دنیا در لذت بردن از دنیا محدودیت داری، پرخوری کنی، شکم بارگی کنی، دیگر از خوردن لذت نمی‌بری. دیر یا زود مریض می‌شوی، درد بی‌درمان می‌گیری. اگر پر خوابی کنی، دیگر از خوابیدن لذت نمی‌بری. شهوت‌رانی کنی، دیگر نمی‌توانی از آن لذت بهره برداری کنی. اگر در لذت بردن از دنیا حد ننگه داشتی، خودت را محدود کردی بعدش می‌توانی همیشه تا هستی همان لذت محدود از دنیا را ببری. آدم سیر از غذا بیشتر لذت می‌برد یا آدم گرسنه؟

### آموزش محدودیت دنیا در خانه

چطور می‌توانیم در محیط خانه این محدودیت‌های دنیا را به بچه‌ها منتقل کنیم. نه اینکه فقط آموزش بدهیم رد شویم، نه طوری منتقل کنیم که بچه تا آخر عمرش

یادش باشد که در تعامل با زندگی در دنیا، این محدودیت‌ها هست. اگر می‌خواهی از زندگی دنیا لذت ببری، این محدودیت‌ها را بپذیر. مثلاً پدر و مادر در محیط خانه، میزان امکاناتی که پدر و مادرها برای بچه‌های خودشان قرار می‌دهند، خصوصاً در هفت سال دوم، طراحی دنیا را نشان دهد. مادر یک جاهایی باید از خواستنی‌های خودش بگذرد و بگوید خیلی دلم می‌خواست، ولی این جا نمی‌شود تا این درس مهم را عملاً به بچه‌اش یاد بدهد که دنیا جای رسیدن به همه خواستنی‌ها و دوست داشتنی‌های ما نیست. با میزان تأثیرگذاری که مادر روی بچه دارد، این نوع رفتار ثمربخش‌تر است.

چقدر این مسئله پا گذاشتن روی دل مادر، مهم و تأثیرگذار است. خدا از این پا روی دل گذاشتن یک مادر، در قرآن حرف می‌زند. سه روز، مادر روزه گرفته است. هر روز دم افطار، بیچاره و یتیم و اسیری می‌آید. بعد مادر از خواسته دلش می‌گذرد، پا روی خواسته دلش می‌گذارد. فرمود: «و يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»<sup>۱</sup> و طعام را با وجود دوست داشتنش به مسکین و یتیم و اسیر اطعام می‌کنند».

جالب‌تر این است که آیه بعدی از انگیزه‌های درونی این مادر حرف می‌زند، می‌فرماید: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»<sup>۲</sup> ما این کار را فقط برای خدا انجام دادیم، نه از شما مزد می‌خواهیم، نه تشکر. تشکر نخواستن هم خیلی عالی است. اگر مادری به این نقطه برسد که من از شما تشکر نمی‌خواهم، چقدر این مادر به قله کمال نزدیک می‌شود، خدا می‌داند. بالاخره آدمی زاد دلش تشکر می‌خواهد، حالا غذا که نخوردیم، بابت این غذا دادن و پذیرایی هم که مزدی دریافت نکردیم، حداقل خدایا! تشکر که دیگر جا دارد؛ اما حضرت زهرا (س)

---

۱. انسان: ۸

۲. انسان: ۹

می‌فرماید: «نه! من تشکر هم نمی‌خواهم، ما اهل بیت تشکر نمی‌خواهیم.»

### طبیعی بودن ناسپاس شدن متقابل زن و مرد

یکی از محدودیت‌های دنیا این است که خانم و آقا در زندگی مشترک از طرف همدیگر ناسپاس می‌شوند. کلاً شما بدانید که دنیا محل ناسپاسی و قدر نشناسی است. علت بسیاری از نارضایتی‌ها در محیط خانواده، این است که خانم حس می‌کند قدر او شناخته نمی‌شود، در حالی که پیغمبر اکرم (ص) با آن همه عظمت و خدماتی که به نزدیکان و بشریت کرد، فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ مُكْفَرًا لَا يَشْكُرُ مَعْرُوفُهُ وَ لَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ عَلَي الْقُرَشِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْعَجَمِيِّ». بعد فرمود به ما اهل بیت هم ناسپاسی شد، قدر ما را نشناختند. بعد فرمود: «وَ خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكْفَرُونَ لَا يَشْكُرُ مَعْرُوفُهُمْ؛ از آدم‌های خیلی خوب هم قدرشناسی نمی‌شوند، از خوبی‌هایشان تشکر نمی‌شود».<sup>۱</sup>

آقا باید در محیط خانه با هر زبانی شده، از خانمش تشکر کند. بگویند که من قدردان زحمات شما هستم؛ اما خانم هم بداند ممکن است شما از طرف آقای خانه، بچه‌ها، مورد قدرنشاسی واقع شوید. این دنیا این طوری است که ممکن است از زحمات شما قدرنشاسی نشود. این یکی از مصادیق محدودیت دنیا است.

### وجود مانع در زندگی دنیا، دومین نگاه واقعی به دنیا

بعد از محدودیت، یکی دیگر از واقعیت‌های حیات دنیا، وجود موانع زیاد در سر راه است. پس نگاه دومی که لازم است به دنیا داشته باشیم، این است که موانع را درست بنگریم تا بعد از شناخت محدودیت دنیا، به شناخت موانع در زندگی دنیا برسیم. پس از شناخت موانع باید متوجه شویم که با همه این موانع نمی‌توان جنگید

و از سر راه برداشت. پس دو راه می ماند؛ یکی تلاش برای رفع موانعی که در توان ما است و دوم کنار آمدن با موانعی که اقتضای حیات دنیایی است. البته کنار آمدن و پذیرش موانع، به معنای توقف زندگی نیست. بسیاری از موانعی را که قابل برداشتن نیست، می شود دور زد یا از رویش رد شد. بالاخره وقتی انسان شناخت کافی از موانع پیدا کند، می تواند راه کنار آمدن و دور زدن را هم تشخیص بدهد.

### هدف از وجود مانع، در زندگی دنیا پیشرفت و قوی شدن است

اول باید بدانیم هدف از این مانع تراشی ها چیست؟ بسیاری از ما، با موانعی که به صورت طبیعی در زندگی ما وجود دارد، غیر طبیعی برخورد می کنیم، در حالی که اگر کسی مثلاً در دو میدانی با مانع شرکت می کند، سعی نمی کند موانع را بردارد، سعی می کند برای قهرمان شدن، خودش را آن قدر قوی کند که از روی موانع بپرد، نه اینکه نق بزند چرا این موانع در مسیر من است؟ اساساً مسیر پیشرفت و قوی شدن، بدون مانع طراحی نشده است.

شما باورتان می شود اکثر ما، فکر می کنیم آدم های که پیشرفت کردند بدون مانع پریدند، اکثر جوامعی که پیشرفت کردند، بدون مانع پریدند. نه این طوری نیست. ما پیشرفت را می خواهیم، بدون مانع، پیشرفت را می خواهیم بدون پریدن از مانع، پیشرفت را می خواهیم بدون توانمند شدن برای عبور از مانع. خب این طوری طبیعی است که سرمان به سنگ می خورد.

### بعضی ها روحیه فرار از مانع دارند

بعضی ها روحیه فرار از مانع دارند، روحیه مسابقه دادن ندارند. بدون مسابقه می خواهند قهرمان شوند. این ها القبای زندگی ما است، چرا این القبا را با فرزندان خودمان در میان نمی گذاریم؟ بعد می رود در زندگی خودش، چهار محدودیت و

مانع می‌بیند، برگشت می‌خورد.

جامعه ما و خود ما الان در یک هوای مسموم تنفس می‌کنیم. در دم و بازدمش به ما می‌گوید بدون مانع می‌شود به هدف رسید، تا دلتان بخواهد کارگاه و کتاب آموزش موفقیت است؛ اما بدانید همه این‌ها واقعی نیست. بخشی از ریشه نارضایتی‌های عمومی در جامعه ما برمی‌گردد به این سبک زندگی غلط، به این فرهنگ غلط که در فیلم و سریال به خورد ما و فرزندان ما می‌دهند که می‌توان بدون مانع، پیشرفت کرد و موفق شد. کدام جامعه بدون مانع پیشرفت کرده که ما دوشم باشیم؟

### چگونه مانع درونی انسان، مانع موفقیت است؟

ما دو نوع یا دو دسته مانع در زندگی خود داریم؛ موانع درونی و موانع بیرونی. راحت‌طلبی یکی از موانع درونی است. کسی که راحت طلب باشد و برای رسیدن به هدف تلاش نکند و زحمت نکشد، به نظر شما موفق می‌شود؟ کتابی نوشته شده تحت عنوان «باشگاه ۵ صبحی‌ها». در این کتاب می‌گوید شما هیچ آدم موفق را نمی‌بینید که ۵ صبح بیدار نباشد. راحت‌طلبی از درون خود انسان، مانع پیشرفت او می‌شود. لذا باید از آن گذشت. قاعده عجیبی است برای موفقیت که می‌گوید برای رسیدن به راحتی، باید از راحتی بگذریم. قرآن فرمود: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۱</sup>. بالاخره راحتی یکی از اهداف طبیعی همه انسان‌ها است؛ اما راه رسیدن به آن آسان و هموار نیست. این قاعده می‌گوید برای رسیدن به آن باید تلاش کنی، از موانع بگذری، از راحت‌طلبی بگذری.

## دشمن یعنی هر نوع مانع پیشرفت

در دین ما، این قدر روی دشمن تکیه شده است؛ حالا دشمن یعنی چه؟ دشمن به معنای عام آن یعنی هر چیزی که مانع منافع بلند مدت ما، مانع لذت پایدار و همه جانبه ما باشد، مانع قدرت پایدار و همه جانبه ما باشد، این مانع چه درونی باشد و چه بیرونی، اسمش دشمن است. مثلاً اینکه می‌گوییم جهاد با نفس؛ یعنی چی؟ یعنی نهایت تلاش خودت را بکنی تا مانعی که جلو لذت عمیق، یا رسیدن به منافع بلندمدت و قدرت پایدار و همه جانبه شما را می‌گیرد، نابود کنی. آن مانع اسمش علاقه‌های سطحی یا همان هوای نفس است. در بیرون هم نظام سلطه مانع قدرت گرفتن جوامع، مانع رسیدن مردم به منافع بلندمدت و پایدارشان است، حتی مانع رسیدن به لذت‌های پایدار و همه جانبه و عمیق است، اسم این نوع مانع می‌شود دشمن، یعنی دشمن منافع، دشمن لذت‌ها، دشمن رسیدن به هدف.

## این حرف شیک از دشمن را به جهان عرضه کنید

تو رو خدا همین حرف شیک از دشمن را به هر جامعه‌ای عرضه کنی، روی هوا می‌زند. هیچ عقل سالمی که پاره سنگ بر نمی‌دارد، موافق شما خواهد بود بعد بعضی از احمق‌های سیاسی، در جامعه ما می‌خواهند غلظت دشمن را یعنی مانع پیشرفت را مانع منافع را کم کنند. هم مانع درونی هم مانع بیرونی، این‌ها دشمنان پیشرفت جامعه و موفقیت افراد هستند. می‌گویند چرا نمی‌گذارید مردم هرزگی کنند، اسم هرزگی را می‌گذارد آزادی. تو خودت دشمن آزادی هستی. آزادی با هرزگی به دست نمی‌آید. تو خودت مانع آزادی و آبادی جامعه هستی.

## ما هم دشمنی نکنیم با ما دشمنی خواهند کرد

با این مقدمه کوتاه می‌خواهیم در این سلسله مباحث به مدد نگاه عمیق حضرت

## جلسه اول: فاطمیه؛ فصل دیدن دشمن □ ۲۳

فاطمه اطهر (س) و مجاهده عظیم این بانو، به یک موضوع بسیار مهم پردازیم؛ واقعیتی به نام دشمن. حیات ما، به گونه‌ای طراحی شده است که اساساً بدون دشمن، حیات دنیا بی معنا است. دنیا به گونه‌ای طراحی شده است که بدون دشمن، نمی‌توانی در این دنیا نفس بکشی. گاهی ما در دنیا می‌خواهیم به گونه‌ای زندگی کنیم که در معرض دشمنی قرار نگیریم. خیلی خوب است. فرمود یک دشمن برای شما زیاد است؛ اما عزیزم! بدان و آگاه باش که امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ وَلِيَّهُ فِي الدُّنْيَا غَرَضًا لِعَدُوِّهِ؛ خداوند متعال دوستانش را دنیا در تیر رأس دشمن قرار داده است.»<sup>۱</sup> غرض<sup>۲</sup> یعنی سیبل و نشانه که به سمت آن تیر پرتاب می‌کنند.

اگر تو هم دشمنی نکنی، با تو دشمنی‌ها خواهند کرد. با این چه کنیم؟ یعنی در مسیر پیشرفت و موفقیت ما، مانع‌تراشی خواهند کرد. شما با آن‌ها کار نداری؛ اما آن‌ها با شما کار دارند. شما از آن‌ها نفرت نداری، آن‌ها از تو نفرت دارند. تو اگر از آن‌ها نفرت نداشته باشی، نفرت دشمن نسبت به تو تبدیل به محبت نمی‌شود، این را باید باور کرد. دیدی داعشی‌های وطنی، با چه حقد و کینه‌ای در این فتنه اخیر آدم می‌کشتند؟

### دیدن نفرت دشمن، راه دیدن دشمن

شدت نفرت از خوبان در دل دشمنان چقدر است؟ فرمود: «قَدْ بَدَتِ الْبُغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ؛<sup>۳</sup> کینه توزی از گفتارشان آشکار است و آن

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۵۰

۲ «الغرض بالتحريك: هدف یرمی فيه، اى جعل محبه فى الدنيا هدفا لسهم عداوة عدوه و حيله و شروره» (کافی،

ج ۲، ص ۲۵۰)

۳. آل عمران، ۱۱۸

کینه که در دل دارند بیشتر است از آنچه به زبان می‌آورند.» این یک واقعیت است که برخی می‌خواهند ندید بگیرند، یا شدت آن را کم کنند. می‌گویند: «اگر ما با دشمن کنار بیاییم، آن‌ها دشمنی را کنار می‌گذارند و با ما دوست می‌شوند.» این یک دروغ بزرگ و فریب آشکار است. فرمود: «روحیه این‌ها این است که اگر شما پیشرفت کنید، ناراحت می‌شوند، اگر ضربه‌ای بخورید خوشحال می‌شوند؛ إِنَّ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَ إِنَّ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا».<sup>۱</sup> شما در مواجهه با چنین دشمنانی هستید که تا شما را نابود نکنند، آرام نمی‌نشینند. آن‌ها نمی‌گذارند توبه سلامت رد شوی، آن‌ها نمی‌گذارند توبه به قله پیشرفت برسی. با این وضعیت طبیعی چه باید کرد؟

فاطمیه فصل دیدن دشمن است، راه دیدن دشمن، دیدن نفرت دشمن از تو و جامعه تو است. حضرت زهرا (س)، میزان نفرت دشمن را از جبهه حق و حقیقت نشان داد. ببینید بچه‌ها، فاطمه (س)، دختر پیغمبرشان، تنها یادگار پیغمبرشان، دست این‌ها بیفتد رحم نمی‌کنند در حد کشتن او پیش می‌روند. حالا باورتان شد دشمن دارید؟ حالا باورتان شد دشمن در این حد از پستی است؟

### جهاد فاطمی علیه چهار جبهه دشمنی

همین یک درس را از فاطمیه بگیریم ما را بس است. فاطمه اطهر (س) وقتی پا به میدان مبارزه گذاشتند، در چهار جبهه جهاد کردند. یک جبهه، جبهه هواپرستانی بود که تصمیم گرفته بودند مدیریت جامعه را از مدارش خارج کنند. حالا در جلسات بعد درباره این مسئله بیشتر حرف خواهیم زد. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

يَا بْنَ عَبَّاسٍ أَرَادَ كُلُّ امْرِئٍ أَنْ يَكُونَ رَأْسًا مُطَاعًا تَمِيلُ إِلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِلَى أَقَارِبِهِ فَحَمَلَهُ



هَوَاهُ وَلَذَّةُ دُنْيَاهُ وَ اتِّبَاعُ النَّاسِ إِلَيْهِ أَنْ يُغْصَبَ مَا جُعِلَ لِي؛<sup>۱</sup> ابن عباس! هرکسی می‌خواهد رئیسی باشد که همه به او بله قربان بگویند و دنیا به او و نزدیکانش رو کند، هواپرستی و لذت دنیا و فرمان‌بری مردم از او موجب شد که حق مرا غصب کند.

پس یک جبهه مقابل حضرت زهرا (س) همین هواپرستان بودند. آن‌هایی که به خاطر منافع خودشان، با منافع جامعه دشمنی می‌کنند. حضرت با هواپرستی در جامعه جنگیدند. البته ابزار حضرت زهرا (س)، تبیین بود. جنس جهاد او، جهاد تبیین بود. روشنگری می‌کرد. گاهی بیدار می‌کرد. می‌فرمود: «مشکل شما این است که تمایل به راحتی و رفاه دارید».

### مشکل اصلی حضرت، عدم قیام مردم علیه دشمنان بود

جبهه دیگر جبهه نفاق و نفوذی‌هایی است که نمی‌خواهد جامعه به پیشرفت برسد. پیشرفت را نه در برداشتن مانع و پریدن از روی مانع، بلکه در کنار آمدن با دشمن نشان می‌داد. فرمود: «ظَهَرَتْ حَسِيكَةُ النَّفَاقِ».<sup>۲</sup> از طرف دیگر دشمنان دیگری هم نقش‌آفرینی می‌کردند؛ اما پنهان. مثل شیطان و یهود که باید در این باره حرف بزنیم؛ اما مشکل اصلی حضرت زهرا (س)، این دشمنان نبودند، بلکه مشکل اصلی، عدم قیام مردم علیه این دشمنان بود. فرمود: «شما برای دفع دشمن امکانات دارید، پس چرا قیام نمی‌کنید؟ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجُنَّةُ تَوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ».<sup>۳</sup>

انگار مردم حس نمی‌کردند، دشمنی دارند که با آن‌ها دشمنی می‌کند. نه از درون

۱. الیقین، ص ۳۲۵

۲. دلائل الامامه، ص ۱۱۵

۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۳

خودشان نه از بیرون.

## نفرین بر بی تفاوت‌ها!

ما وقتی می‌خواهیم قاتلین حضرت زهرا (س) را لعن و نفرین کنیم، نفرین هم برای نفرت جامعه از میدان‌داری کردن، مثل این گونه افراد است، نه اینکه نفرت پراکنی صرف باشد. بنابراین وقتی قاتلین فاطمه اطهر (س) را لعن می‌کنیم، نباید به یکی دو نفر از مردم مدینه اکتفا کنیم. قاتلین حضرت زهرا (س)، فقط یکی دونفری نبودند که برای قتل آن حضرت اقدام عملی کردند، بلکه قاتلین اصلی حضرت، بی‌تفاوت‌های جامعه بودند.<sup>۱</sup>

آن‌هایی که فاطمه زهرا (س) بر سرشان فریاد می‌زد که چرا تماشا می‌کنید؟ چرا اقدامی نمی‌کنید؟ چرا با اینکه امکانات لازم را دارید، برای تغییر اوضاع حرکتی نمی‌کنید؟<sup>۲</sup>

این‌ها هستند که به آن عده کم، جرئت و جسارت هتاک و حرمت‌شکنی می‌دهند و گرنه آن‌ها عددی نبودند، مقابل جریان حق قد علم کنند؛ اما همیشه بی‌تفاوت‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در درگیری‌های جبهه حق و باطل دارند. چون آن‌ها

۱. در روایات گاهی اوقات به این بی‌تفاوت‌ها غوغا گفته می‌شود که به آنها قتالین انبیاء هم می‌گویند. *الْغَوْغَاءُ قَتَلَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الْعَاثَةُ اسْمٌ مُشْتَقٌّ مِنَ الْعَمَى، مَا رَضِيَ اللَّهُ لَهُمْ أَنْ سَيَّبَهُمْ بِالْأَنْعَامِ حَتَّى قَالَ: «بَلْ هُمْ أَصْلٌ».* (امالی طوسی، ص ۶۱۳). از امیرالمؤمنین پرسیدند آقا غوغا چه کسانی هستند حضرت فرمود کسانی که اگر اجتماع کنند ضرر می‌زنند اما اگر برون سرکار خودشان به جامعه در خیاطی و بغالی و ... خدمت می‌رسانند. «وَقَالَ ع فِي صِفَةِ الْغَوْغَاءِ هُمْ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا غَلَبُوا وَإِذَا تَفَرَّقُوا لَمْ يَعْرِفُوا وَقِيلَ بَلْ قَالَ ع هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا ضَرُّوا وَإِذَا تَفَرَّقُوا نَفَعُوا فَيَقِيلُ قَدْ عَرَفْنَا [عَلِمْنَا] مَضْرَبَةَ اجْتِمَاعِهِمْ فَمَا مَنَّفَعُهُ أَفْتِرَاقِهِمْ فَقَالَ [ع] يَرْجِعُ أَصْحَابُ [أَهْلِ] الْمِهْنِ إِلَى مِهْنَتِهِمْ [مِهْنَتِهِمْ] فَيَنْتَفِعُ النَّاسُ بِهِمْ كَرْجُوعِ الْبَنَاءِ إِلَى بِنَائِهِ وَ النَّسَاجِ إِلَى مُسَسِّجِهِ وَ الْحَبَّازِ إِلَى مُحَبِّزِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۹)

هستند که سرانجام به یک طرف ترازوی حق و باطل وزن و سنگینی می دهند. همیشه کفه باطل، سبک است و همیشه کفه حق سنگین است؛<sup>۱</sup> به شرط اینکه بی تفاوتها، کفه باطل را سنگین نکند.

### فریادهای فاطمه بر سر بی تفاوتها

فریادهای فاطمه زهرا، بر سر مردمی بود که در قبال آنچه رخ داده بود، بی تفاوت بودند. نسبت به این دشمنیها بی تفاوت بودند. این بی تفاوتی، گاهی از خودکم بینی و گاهی هم از سر عافیت طلبی جامعه است. جامعه ای که خودکم بین باشد، می گوید: «مگر چه کاری از دست من برمی آید؟» این جامعه بی تفاوت خواهد شد. جامعه ای که عافیت طلب باشد، عاقبت عزتش را فدای عافیت طلبی اش می کند، آخر هم به عافیتش نمی رسد. خدا هم عقوبت سختی برای عافیت طلبانی که برای عافیت تلاش نمی کنند، قرار داده است.

عافیت طلبی چیز بدی نیست، منتها وقتی می خواهی برای به دست آوردن عافیت، هیچ تلاشی نکنی، اینجا آغاز بدبختی فرد و جامعه است. اگر عافیت می خواهی، راست می گویی؟ بسم الله برای رسیدن به عافیت بجنگ! برای عافیت طلبی، باید با تمام موانع رسیدن به عافیت، بجنگی وگرنه بدبخت می شوی. نه تنها به عافیت نمی رسی، همان مقدار عافیتی را هم که داری، از دست خواهی داد. بی تفاوتی جامعه، فاطمه (س) را کشت. بی تفاوتها فاطمه (س) را کشتند؛ هرچه فاطمه (س)، سعی کرد بی تفاوتها را بیدار کند، نتوانست. جامعه بی تفاوت، قاتل فاطمه (س) می شود با سکوتش، با تماشایش، با دست رو دست گذاشتنش. لذا ایام فاطمیه، وقت محاکمه بی تفاوتها است.

۱ «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، ۸)

### همه آن بی تفاوت‌ها، در قتل حضرت زهرا (س) شریک هستند

همه آن بی تفاوت‌ها، در قتل حضرت زهرا (س) شریک هستند، فرمود: «وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْمَعَةٌ عَلَى قَطِيعَةٍ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وُلْدِهِ»<sup>۱</sup>. یک امتی دست به دست هم دادند تا نسل رسول الله (س) را از بین ببرند، آیا این امت، همان بی تفاوت‌ها نیستند؟ اگر این‌ها نیستند پس چه کسانی هستند؟ فرمود: «السَّاكْتُ أَخُو الرَّاضِي»<sup>۲</sup>. ای جامعه که فاطمه را با سکوت خودتان کشتید! دست همه شما به ریختن خون فاطمه (س) آغشته است. این دست را نمی‌توانید پنهان کنید. ما می‌خواهیم دست شما را رو کنیم.

### بی تفاوت‌ها، بی تفاوت نمی‌مانند

بدتر اینجا است که بی تفاوت‌ها، تا آخر بی تفاوت نمی‌مانند، می‌دانید؟ بی تفاوت‌ها آخر سر بدجوری به درد ظالمین و طواغیت می‌خورند. طواغیت بیشترین بهره‌برداری را از بی تفاوت‌ها می‌کنند. طواغیت، ظالمین، بی تفاوت‌ها را سر سفره خودشان جمع می‌کنند. نان بخور و نمیری به آن‌ها می‌دهند تا دهانشان بسته شود و صدایشان درنیاید؛ اما آن‌ها کار خودشان را بکنند. اتفاقاً این بی تفاوتی تا وقتی است که کسی سراغ آن بی تفاوت‌ها نرود. اگر کسی بیدارشان کند، می‌توانند یک گوشه کار را بگیرند. حالا یا با نان و تهدید و وعده و وعید پوشالی یا با تبیین واقعیت، با روشن کردن حقیقت، با بیدار کردن رگ غیرت یا... طواغیت دقیقاً از همین شگرد، برای به حرکت درآوردن بی تفاوت‌ها، استفاده می‌کنند.

ای جامعه بی تفاوت! خواهش می‌کنم بی تفاوت نمانید! خدا نمی‌گذارد این بی تفاوت‌ها، بی تفاوت بمانند. لذا حضرت بعد از اینکه فرمودند ساکتین برادران

۱ المزار الکبیر، ص ۵۷۸.

۲ الارشاد، ج ۱، ص ۳۰۳.

## جلسه اول: فاطمیه؛ فصل دیدن دشمن □ ۲۹

ظالمین هستند و این‌ها شریک با ظالم هستند، فرمودند: «و هرکس با ما نباشد، بر ماست؛ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا كَانَ عَلَيْنَا.»<sup>۱</sup> یعنی همان‌هایی که بی تفاوت باشند، می‌روند در جبهه مقابل اهل بیت نقش ایفا می‌کنند، چه نقش آفرینی! می‌شوند آلت دست ظالمین و طواغیت عالم.

رفقا! درد اینجاست که خیلی راحت می‌شد کار به در و دیوار کشیده نشود، مادر شما، پشت در نرود، مسئله به راحتی حل شود، اگر مردم می‌خواستند مسئله را حل کنند. بزرگ‌ترین درد بی‌درمان مردم مدینه، بی تفاوتی بود. این درد به سرعت واگیردار بود به همه مردم شهر سرایت کرد.

خیلی باید مراقب جامعه خودمان باشیم، جامعه که اهل تزکیه و مراقبه است. خیلی مراقبت می‌کند تا رذل نشود، جامعه رذل و پست چه جامعه است؟ همان جامعه بی تفاوت.

پسر آیت الله بهجت (ره)، می‌فرمودند: «اگر انفجاری در بغداد اتفاق می‌افتاد، انگار در میان اقوامشان بوده، در درس و مطالعاتش اثر می‌گذاشت و آن روز در استفتائاتشان توان کمتری داشتند. برای همه مشهود بود.»<sup>۲</sup> بعد می‌فرمودند: «اگر بی تفاوت باشیم و برای رفع گرفتاری‌ها و بلاهایی که اهل ایمان بدان مبتلا هستند دعا نکنیم، آن بلاها به ما هم نزدیک خواهد بود؛ چنان‌که الآن بر سر ما آمده است، نظیر ریختن مواد شیمیایی و بمباران شهرها (در جنگ عراق علیه ایران). در مقابل خطرهای دینی چه باید کرد؟ آیا نباید فکری و چاره‌ای بکنیم، یا بگذاریم هر چه شد، شدا! و هر چه بر سر زنان و مردان و پیر و جوان ما آمد، آمد؟!»<sup>۳</sup>

۱ همان.

۲ سایت آیت الله بهجت (ره)، خبر شماره ۱۷۳۶.

۳ در محضر بهجت، ج ۱، ص ۹۷، نکته ۱۳۹.

نه تنها نیامدند، بلکه گفتند یا علی به فاطمه بگو یا شب گریه کند یا روز؟ حتی نتوانستند گریه‌های فاطمه (س) را تحمل کنند. بی تفاوت‌ها از گریه‌های فاطمه (س) اذیت می‌شدند، وقتی صدای ناله فاطمه می‌آمد، مجبور بودند کاری بکنند. عوض اینکه برای کمک به فاطمه (س) کاری بکنند، رفتند همان درختی که فاطمه (س) در سایه‌اش گریه می‌کرد، همان سایبان او را هم از بین بردند.

لذا فرمود علی جان! نیمه شب مرا غسل بده، نیمه شب کفنم کن! نیمه شب به خاکم بسپار! نمی‌خواهم این امت بی تفاوت نسبت به ولی جامعه و امت بی تفاوت به قرارش با رسول الله (ص)، بر جنازه من نماز بخواند.

## جلسه دوم:

### راز تکرار یک داستان در قرآن

#### حکمت تکرار برخی از داستان‌های قرآنی

داستان‌های قرآنی هیچ‌کدام بی حکمت نیست و خدا بی دلیل داستانی را ذکر نمی‌کند، حتماً این داستان‌ها که در واقع بیان واقعیت‌های زندگی بشر است، با حساب و کتاب در قرآن بیان شده است. از آنجا که قرآن کتاب همیشگی بشر است، این داستان‌ها در گره‌گشایی مسائل روز جامعه ایمانی فوق‌العاده اثرگذار است.

خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «داستان‌ها را برای مردم بازگو کن شاید تفکر کنند؛ فَأَقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱</sup>. یعنی داستان‌های قرآن تفکر برانگیز است و اگر داستان انبیا بی حکمت و بی ربط به زندگی ما در قرآن آمده بود، معنا نداشت که خدا ما را به تفکر دعوت کند. لذا ما باید با تفکر راز تکرار داستان انبیا و امت‌های گذشته را متوجه شویم و ربط آن‌ها را با زندگی و سرنوشت خود کشف کنیم.

خدا به دنبال سرگرم کردن ما بوده یا به دنبال سرخط دادن به ما که راه را گم نکنیم؟ این طوری نبوده که خدا به صورت اتفاقی داستان‌های بعضی از انبیا را که خوشش می‌آمده، انتخاب کرده باشد و در قرآن بیاورد. بدون اینکه این داستان‌ها عبرتی برای زندگی امروز ما داشته باشد.

حساسیت آنجا بیشتر می‌شود که بعضی از داستان‌های قرآنی تکرار شده است. خدا داستان کم داشت یا پیغمبر کم داشت که مجبور شود بعضی از داستان‌ها را

تکرار کند؟ از سوی دیگر قرآن اساساً کتابی است که بیشتر به کلیات می‌پردازد و بسیاری از اوقات به جزئیات و مسائل ریز نمی‌پردازد، مگر در مواردی که بسیاری ضروری و اساسی و حیاتی باشد. همین قاعده در بیان داستان‌های قرآنی جاری است؛ یعنی بعضی از داستان‌های قرآنی خداوند به کلیات آن‌ها پرداخته، ولی بعضی از داستان‌ها را با جزئیات بیان می‌کند؛ همه این‌ها معنادار است و خدا می‌خواسته ما به جزئیات دقت کنیم.

پس تکرار و بیان جزئیات داستان به حساسیت آن داستان می‌افزاید. بنابراین آدم‌های خردمند و هوشیار، با داستان‌های قرآن سطحی و ساده برخورد نمی‌کنند. خصوصاً اگر داستانی تکراری و با جزئیات بیان شده باشد. می‌فرماید: «من آیاتم را مفصل بیان می‌کنم برای قومی که اهل فهم عمیق باشند؛ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ»<sup>۱</sup>.

### حیات بشر با نزاع و درگیری شروع شده است

یکی از داستان‌های که از حیث تکرار و بیان جزئیات در قرآن کم‌نظیر است، داستان خلقت آدم و آغاز حیات بشر است. پس حساسیت ما در قبال این داستان، باید چند برابر باشد؛ خداوند می‌فرماید: «و ما به ملائکه گفتیم سجده کنید بر آدم همه سجده کردند الا ابلیس که سرباز زد و استکبار کرد؛ وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ»<sup>۲</sup>.

دقت کنید آغاز خلقت انسان با چه چیزی شروع می‌شود؟ با نزاع و درگیری و دشمنی شیطان. خدا نمی‌توانست آغاز حیات بشر را به گونه‌ای دیگر رقم بزند؟ خیلی

۱ انعام، ۹۸.

۲ بقره، ۳۴.



آرام‌تر و با صلح و دوستی شروع کند؟ ولی این کار را نکرد؛ چرا با یک درگیری و دشمنی شروع کرد؟ در واقع خدا با امتحان سجده ملائکه، دشمنی شیطان را به حضرت آدم نشان داد. بلافاصله بعد از اینکه شیطان دشمنی خود را نشان داد، خداوند به حضرت آدم فرمود: «مراقب باش! این، دشمن تو است؛ فُقَلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِزْوَجِكَ»<sup>۱</sup>

برای شما جالب نیست که خدا اولین آگاهی که به حضرت آدم داد، درباره دشمن شناسی بود. دشمن را گذاشت مقابل چشم حضرت آدم و همسرش و آن دو را بر حذر داشت که چشم از دشمنی به نام شیطان برندارید. تو رو خدا غرق در این داستان‌های خدا شوید. کلمه به کلمه آن‌ها را رصد و تحلیل کنید؛ رد نشوید. این غرق شدن در جزئیات داستان‌های قرآن، موجب فهم مسائل و نجات من و شما است.

بعد طرح دشمن را برملا کرد و فرمود او می‌خواهد شما را از بهشتی که دارید بیرون کند. اگر کارش بگیرد بدبخت خواهید شد. بعد از این هشدارها، غفلتی پیش آمد. شیطان هم از اصل غافلگیری استفاده کرد و با زبان خیرخواهانه با حضرت آدم حرف زد و گفت من می‌خواهم تو را راهنمایی کنم. گفت «هَلْ أَدُلُّكَ»،<sup>۲</sup> شمشیر را از رو نیست.

جا داشت حضرت آدم، چهارتا بد و بیراه حواله شیطان می‌کرد و می‌گفت: «ای پدرنامرد! تو می‌خواهی ما را راهنمایی کنی؟ راهزن! جیب ما رو زن. شر نرسان. حالا تو شدی دلسوز ما؟ سنگ روی یخس می‌کرد» و اگر می‌خواست انقلابی هم عمل کند جا داشت می‌گفت: «ای مستکبر تو فکر کردی من با لبخندت گول

۱ طه، ۱۱۷

۲ طه، ۱۲۰.

می خورم؟ و دست چدنی زیر پارچه مخلمی ات را نمی بینم؟ ما سر آستی با استکبار نداریم»، ولی متأسفانه هیچ کدام از این حرف ها را نزد و به دشمن اعتماد کرد. این اولین جایی بود که بشر از اعتماد به دشمن ضربه خورد.

### اولین آگاهی خدا به آدم و حوا بعد از هبوط به زمین

بعد از هبوط آدم و حوا به زمین، اولین خبری که خدا به آن ها داد، این بود که بین شما درگیری و دشمنی پیش خواهد آمد؛ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا<sup>۱</sup>، نه بین حوا و آدم بلکه بین ذریه ایشان؛ این یک خبر اصلی است نه فرعی. شما می بینید بلافاصله دومین نزاع هم در زمین بین هابیل و قابیل شکل گرفت.

معلوم می شود نظام عالم به گونه ای طراحی شده که نزاع و درگیری و دشمنی، در آن اجتناب ناپذیر است. واقعاً این قاعده زندگی ما در دنیا است. پاشنه زندگی دنیا، روی نزاع و درگیری می چرخد. ای کاش می شد دشمن را حذف کرد. البته این درخواستی احمقانه و محال است. به ای دلیل احمقانه است که دشمن را مربی شما مقابل شما گذاشته تا با مبارزه با او شما قوی شوی. پس حتماً دشمن برای شما مفید بوده که بر سر راه شما قرار داده شده است. احمقانه تر از این درخواست، این است که انسان دشمنی دشمن را نبیند. در این صورت است که انسان قطعاً ضربه های کاری تری خواهد خورد.

این نزاع و درگیری امروز هم ادامه دارد و تا ظهور حضرت حجت (عج) تمام شدنی نیست. آدم عاقل و آگاه به قواعد و سنن جاری در هستی به دنبال دشمن می گردد. امروز نزاع ما با چه کسی است؟ اگر نزاع نبود شما تعجب کنید. مگر زندگی خالی از نزاع می شود؟ شما حتماً حواست نیست وگرنه زندگی بدون نزاع،

نمی‌شود! دشمن‌شناسی خصوصاً شناخت دشمن علنی اصلاً کار سختی نیست؛ فقط کمی دغدغه می‌خواهد و کمی زرنگی.

### دشمنی حتی با نزدیک‌ترین افراد

برخی می‌خواهند این حقیقت روشن را انکار کنند. دشمنی‌ها و دشمن را نادیده بگیرند. حال اگر این‌ها در زمره سیاست‌گذاران کشور باشند، چقدر خطرناک می‌شوند. عوض اینکه از دشمن حذر کنند، روی دشمن حساب باز می‌کنند و به دشمن اعتماد می‌کنند.

اگر کسی اهل انس با قرآن باشد به موضوعی به نام «دشمن» حساس می‌شود. تازه آدم متوجه می‌شود که چرا ترجیح‌بند کلمات حضرت آقا؛ مقام معظم رهبری دشمن است؟ این ادبیات منطبق با قرآن است. چرا که فرمود یک‌سوم آیات قرآن درباره دشمنان اهل‌بیت است. حتماً خیلی مهم بوده که یک‌سوم حرف‌های خدا درباره دشمنان اختصاص داده شده. آیا به این معنا نیست که خدا خواسته ما را نسبت به دشمن حساس کند؟

خداوند متعال می‌فرماید: «جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ»<sup>۱</sup> جالب است بدانید خداوند در این آیه، قرار دادن دشمن برای انبیا را به خودش نسبت می‌دهد. می‌فرماید ما برای انبیا دشمن قرار دادیم. چقدر این حرف آدم را آرام می‌کند! دشمن مدیریت شده دشمنی می‌کند. اگر دشمن قرار دادن کار خدا است، حتماً حکمتی در آن است چون خداوند حکیم کار بدون حکمت و بیهوده انجام نمی‌دهد.

دشمن دست خودش نیست که هر غلطی بتواند بکند. امام صادق (ع) در پاسخ به شخصی که پرسیده بود چرا خدا برای خودش دشمن قرار داده، فرمود: «این

دشمنی که گفتمی، دشمنی‌اش به خدا زیان نمی‌رساند و دوستی‌اش او را بهره‌ای نمی‌دهد. دشمنی‌اش از مُلک او چیزی نمی‌کاهد و دوستی‌اش در آن چیزی نمی‌افزاید. تنها از دشمنی پرهیز می‌شود که قدرت زیان و سود رساندن دارد که چون قصد گرفتن سرزمینی یا مقهور کردن پادشاهی کند، بتواند.»<sup>۱</sup>

### سه دلیل عمده بر حضور دشمن در حیات بشر

چرا در حیات بشر دشمن طراحی شده است؟ حداقل سه دلیل عمده دارد:

#### ۱- رشد خوبان

دشمنان سرسخت سبب می‌شود که مؤمنان در کار خود ورزیده‌تر و ثابت‌قدم‌تر شوند. در یک باشگاه ورزشی اگر حریفی برای مبارزه فرضی نباشد، هیچ‌گاه ورزشکاران قوی پرورش نمی‌یابند. دشمن شبیه کیسه بوکس در ورزشگاه است که دائماً باید با او دست و پنجه نرم کنی تا ورزیده و قوی‌تر شوی.

#### ۲- دیده شدن زیبایی خوبان

از سوی دیگر تازشتی نباشد، زیبایی درک نمی‌شود. هرچقدر دشمن خباثت به خرج دهد، تازه زیبایی‌های اولیای خدا بیشتر به چشم می‌آید و این‌ها در کنار هم بهتر دیده می‌شوند. تا شبی نباشد کسی قدر و ارزش روز را نمی‌داند.

#### ۳- فراهم شدن بستر امتحانات الهی

اگر هدف از خلقت امتحان بندگان است، یکی از بهترین ابزارهای امتحان، عکس‌العمل افراد نسبت به دشمنان است. چه کسانی مقابل دشمن منفعل هستند؟ و چه کسانی با قدرت مقابل دشمن می‌ایستند و به قدرت خدا تکیه می‌کنند؟

۱ «قَالَ إِنَّ هَذَا الْعَدُوَّ الَّذِي ذَكَرْتَ لَا تَصُرُّهُ عَدَاؤُهُ وَلَا تَنْفَعُهُ وَلَا يَنْتَفِعُ وَلَا يَنْتَفَعُ مِنْ مُلْكِهِ شَيْئاً وَلَا يَنْتَفِعُ مِنْ قُوَّتِهِ شَيْئاً وَلَا يَنْتَفِعُ مِنْ قُوَّتِهِ شَيْئاً إِذَا كَانَ فِي قُوَّةٍ بَصُرَ وَبِنُفْعِ إِنْ هُمْ بِمُلْكٍ أَخَذَهُ أَوْ بِسُلْطَانٍ فَهَرَهُ» (الاحتجاج، ج ۲، ص

## در مقابل دشمنی دشمن چه کنیم؟

### ۱. قوی شدن

مقام معظم رهبری بارها بر موضوع قوی شدن تأکید می‌کنند. از جمله می‌فرمایند:

من در صحبت‌های اخیر چند بار تکرار کرده‌ام که کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»<sup>۱</sup>؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی. با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید.<sup>۲</sup>

یعنی این موضوع اولویت فردی و اجتماعی و دینی ما است. ما تا قوی نشویم امام زمان (عج) نمی‌آید. این ما، منظور اجتماع ما هم است.

اگر قوی شویم بی‌شک پیروزی از آن ما خواهد بود. دیگر ترس معنا ندارد. سردار سلیمانی شخصیت مقاوم و قوی بود مثل پاره‌های آهن که بادهای تند او را از جا نمی‌کند. نمی‌لغزید. نمی‌لرزید. هیچ‌گاه در مشکلات خم به ابرو نیاورد. وزیر سابق خارجه آمریکا در کتاب خودش با عنوان «گزینه‌های دشوار» گفت من در میان ۱۱۲ کشور جهان گشتم و هماهنگی‌ها را انجام دادم تا داعش تولید شد. واقعاً چطور

۱ انفال، ۶۰.

۲ ۳ فروردین، ۱۳۹۹.

این داعش نابود شد؟ فرماندهان میدانی مقاومت تخمین زده بودند که سال‌های طولانی این جنگ ادامه خواهد داشت. آنگاه شما شنیدید که کمتر از سه ماه دیگر داعشی در عالم وجود ندارد؟ این کار شبیه معجزه بود. بادهای تند نتوانست سردار سلیمانی را تکان دهد. حقیقا با تکیه بر خدا قوی شده بود.

هم‌رزم شهید سردار سلیمانی نقل می‌کند که «در عملیات‌هایی که ما با ایشان همراه بودیم، هیچ چیز نمی‌توانست موجب هراس سردار سلیمانی شود. ایشان نه از مرگ می‌ترسید نه از گلوله.»<sup>۱</sup> برخی مسئولین ترس خودشان را تئوریزه می‌کنند و یک روکشی به نام عقلانیت یا گاهی مصلحت، روی ترس خود می‌کشند.

القای ترس در جامعه همیشه توسط سیاسیونی بوده که به بهانه تأمین منافع و رفاه، بزرگ‌ترین جنایت‌ها و خسارت‌ها را به جامعه روا داشته و تحمیل کرده‌اند. قرآن به زیبایی از پدیده ترس و ترساندن در یک آیه رونمایی می‌کند. می‌فرماید:

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ؛ کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است می‌بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند و می‌گویند: «می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آن‌ها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد؛ و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند!<sup>۲</sup>

مهم‌تر از ترسیدن خود سیاسیون، این است که مردم را می‌ترسانند. جامعه را ترسو می‌کنند. مردم را از جنگ می‌ترسانند. رسول‌الله (ص) بعد از جنگ احد که

۱ روایت فرمانده سابق گردان زرهی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان از روابط سردار سلیمانی و هم‌زمانش: جان حاج قاسم

و جان سربازانش

مشرکان به طرف مکه روانه شدند، دستور داد، عده‌ای مجهز شوند و به‌سوی مشرکان بروند. شصت مرد جنگی آماده حرکت شدند و به جستجوی مشرکان راه افتادند. ابوسفیان قافله‌ای از خزاعه را دید، به آنان گفت: اگر محمد (ص) را ملاقات کردید که در جستجوی من است، به او خبر دهید که من لشکری عظیم فراهم آورده‌ام و قصد دارم که به طرف آنان بیایم. هنگامی که پیامبر خدا قافله را دید، از ابوسفیان جویا شد. آنان گفتند: ما ابوسفیان را دیدیم که با لشکری زیاد به‌سوی شما می‌آید، ولی لشکر تو اندک است و ما صلاح نمی‌بینیم که با او مقابله نماییم. پیغمبر (ص) از گفته آنان بیمی به خود راه نداد و از طلب ابوسفیان باز نایستاد؛ اما ابوسفیان به مکه بازگشت. جامعه را می‌خواهند از جنگ و جمعیت دشمن بترسانند.<sup>۱</sup> فرمود:

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند از آن‌ها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.»<sup>۲</sup>

یک معادله عجیب در عالم است که باید آن را فهمید؛ برای نترسیدن باید ترسید؛ ترس از خدا موجب شجاعت در برابر غیر خدا می‌شود و نترسیدن از خدا موجب ترسو شدن در برابر غیر خدا می‌گردد. البته ممکن است بعضی‌ها هم در مقابل خدا نترس باشند و نافرمانی کنند و هم در برابر مردم شجاع باشند، ولی این شجاعت موقتی و موردی است. «مَنْ خَافَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخَافَ اللَّهَ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>۳</sup> می‌خواهی از هیچ‌کسی نترسی؟ فقط

۱. شأن نزول آیات، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲. آل عمران: ۱۷۳.

۳. الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۰.

از یکی بترس وگرنه از همه کس می ترسی، ترس فقط از خداوند زیننده بندگان خدا است.

اگر ترسیدی، بعدش سلطه است. رسول اکرم (ص) فرمود:

ما سَلَطَ اللَّهُ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا مَنْ خَافَهُ ابْنَ آدَمَ وَ لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ لَمْ يَخَفْ إِلَّا اللَّهَ مَا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَيْرَهُ وَلَا وُكِّلَ ابْنُ آدَمَ إِلَّا إِلَى مَنْ رَجَاءُ وَ لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ لَمْ يَرْجُ إِلَّا اللَّهَ مَا وُكِّلَ إِلَى غَيْرِهِ.<sup>۱</sup> خداوند بر آدمی مسلط نکرد مگر کسی را که آدمی از او می ترسد. اگر آدمی از کسی جز خدا نمی ترسید، خداوند جز خود کسی را بر او مسلط نمی کرد؛ و آدمی واگذار نشد مگر به کسی که به او امید بست. اگر آدمی جز به خدا امید نمی بست، به غیر خدا واگذار نمی شد.

### امام سیاستمداری که هرگز نترسید

امام (ره) سیاستمداری بود که از غیر خدا نمی ترسید. می فرمود: «و الله تا حالا نترسیده‌ام. آن روز هم که [تبعید امام از قم به تهران] می بردند، آن‌ها می ترسیدند؛ من آن‌ها را تسلیت می دادم که نترسید». <sup>۲</sup>

### اگر من بودم ناو آمریکایی را هدف قرار می دادم

وقتی آمریکایی‌ها آمدند پشت تنگه هرمز در اواخر جنگ، مقام‌های لشکری و کشوری رفتند خدمت امام که با آمریکایی‌ها چه باید کرد؟

امام فرمود: «اولین ناو آمریکایی که آمد در خلیج فارس بزنید». گفتند آقا این خطرناک است، امریکا موشک‌های کروزر دارد، بمباران می کند و... امام فرمودند: «آخرین کاری که امریکا می کند می آید جماران را می زند و مرا از بین می برد، بگذار

<sup>۱</sup>. میزان الحکمه، حدیث ۵۴۸۶

<sup>۲</sup>. ۸ صبح ۲۶ فروردین ۱۳۴۳ / ۲ ذی الحجه ۱۳۸۳



ببرد. اولین ناو را بزیند، بگذارید ما در دنیا سربلند باشیم».

گفتند آقا از محالات است، اگر مرکز از بین برود، شما از بین بروید، دیگر چیزی نمی ماند به عنوان انقلاب و نظام... امام فرمودند «نظر من این است. شما خودتان بروید با مقامات نظامی و... مشورت کنید، به هر نتیجه ای که رسیدید، من قبول دارم»؛ که آقایان آمدند مشورت کردند، بدین نتیجه رسیدند که نزنند. امام هم تابع جمع شدند.<sup>۱</sup> البته سپاه زودتر عملیات خودش را انجام داده بود و منتظر سیاستمداران مس مس کن نبود و به دل دشمن زد و دل او را خالی کرد و آن‌ها را ترساند.

### دلیل عدم ترس امام چیست؟

چرا امام این طوری شده است؟ چون از خدا خیلی ترسیده است. حضرت امام در اواخر عمر شریفشان این قدر در نماز شب گریه می کردند که حوله برایشان می آوردند، دیگر دستمال کفایت نمی کرد!<sup>۲</sup> تو وقتی به یک منبع قدرتی که همه قدرت‌ها از آنجا هست، وصل هستی، از چه چیزی باید بترسی جز از همان منبع قدرت؟

### جنگ روانی خدا با القاء ترس به دشمن

الآن هم آمریکا، همان آمریکا هست هیچ فرقی با گذشته نکرده است. بلکه

---

۱ پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۶

۲ مقام معظم رهبری، به نقل از مرحوم حاج احمد خمینی، فاطمه طباطبایی [عروس امام]: «رمضان سال قبل از رحلت امام را خوب به یاد دارم. بعضی وقت‌ها هر بار که به دلیلی نزد ایشان می رفتم و سعادت پیدا می کردم با ایشان نماز بیخونم، وارد اتاقشان که می شدم می دیدم قیافه ایشان کاملاً برافروخته است و چنان اشک می ریختند که دیگر دستمال کفاف اشکشان را نمی داد و کنار دستشان حوله می گذاشتند. امام شب‌ها چنین حالتی داشتند و این واقعاً معاشقه ایشان با خدا بود.» (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی رحمه الله علیه ج ۳ صفحه ۱۳۳)

ترسو تر شده است و ما هم قوی تر شده ایم. رئیس سازمان پدافند غیرعامل می گوید:

آمریکا پس از سرنگونی پهباد، پهباد متجاوزش از طریق واسطه های دیپلماتیک اعلام می کند که ما برای حفظ آبروی خود می خواهیم عملیاتی محدود و در منطقه ای کم ارزش انجام دهیم و شما پاسخ به آن ندهید.» ایشان می گوید: «پاسخ نظام جمهوری اسلامی این است که ما هر عملیاتی را شروع جنگ تلقی می کنیم و به آن پاسخ خواهیم داد و زمین جنگ را ما طراحی می کنیم و اگر شما آن را شروع کردید، پایانش را ما اعلام می کنیم.<sup>۱</sup>

کمی اقتدار باشد دشمن خودش را جمع می کند. نباید ترسید. این جنگِ روانی خدا هست. این ترس طبیعی نیست. این ترس را خدا در دل کفار انداخته است. فرمود: «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ؛ به زودی در دل های کافران، رعب و ترس می افکنیم».<sup>۲</sup>

اگر سیاسیون ما در عرصه مواجهه با دشمن ترسیدند، غائله را باخته اند و به دشمن جرئت داده اند. هرگاه از داخل چراغ سبزی به دشمن نشان داده شد، نشان دادیم که ترسیدیم، دشمن حرکت کرد. تهدید کرد تحریم کرد جنگ راه انداخت. به قول امام آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. پس چه کسی غلط می کند؟ هر غلطی اتفاق افتاده است به خاطر سیاسیون بزدل و ترسو بوده است.

### ترس انصار؛ مانع استقلال روحی جامعه مدینه

زهرای مرضیه (س) در تحلیل جامعه شناسانه در خطبه فدکیه خطاب به مردم

مدینه چه فرمود:

۱. خبرگزاری فارس، خبر شماره ۱۴۶۰۰۴۱۶۰۰۱۳۹۸۰، [fna.ir/darxxu](http://fna.ir/darxxu)

۲. آل عمران: ۱۵۱.

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَوُكُمْ أَوْلَ مَرَّةٍ أَلَا تَحْسَبُونَهُمْ قَالَهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْسَبُوهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ آیا با گروهی که سوگندهای خود را نادیده گرفتند و قصد بیرون نمودن رسول الهی را دارند، مبارزه نمی‌کنید و حال آنکه آنان ابتدا شروع به جنگ نمودند؟ آیا از آنان هراس دارید؟ خداوند سزاوارتر است که از او بترسید اگر مؤمن هستید.<sup>۱</sup>

## ۲. قطع دست نفوذی‌ها و نفوذپذیرها

همیشه دشمن، از طریق نفوذی‌ها و نفوذپذیرها توانسته ضربه بزند. اگر این راه سدّ شود، نقشه دشمن شکست خواهد خورد. بنابراین هم نفوذی‌ها را باید شناخت و مهم‌تر از آن، نفوذپذیران را باید شناخت. اشعث شخصیت تاریخی زمان امیرالمؤمنین (ع) است که اگر در لشکر امام علی (ع) نفوذی نباشد، قطعاً نفوذپذیر است و دشمن روی او حساب باز کرده است. در نبرد صفین در شبی که سپاه امام علی (ع) به صبح پیروزی نزدیک شده بود، اشعث در میان قبیله خودش خطبه‌ای می‌خواند مبنی بر اینکه مردم از جنگ خسته شده‌اند و جنگ فرسایشی شده است. وقتی این سخن به گوش معاویه رسید، گفت اگر فردا قرآن را به نیزه کنیم، این نقشه می‌گیرد.<sup>۲</sup>

## ۲. فریاد زدن بر سر دشمن

اما کمترین کاری که می‌شود علیه دشمن کرد چیست؟ فریاد زدن بر سر دشمن! اگر آن کمترین را دریغ کنیم معلوم نیست خدا چگونه با ما برخورد خواهد کرد. «پیرمرد عابدی داشت عبادت می‌کرد و نماز می‌خواند. درحالی‌که مقابلش چند کودک به ظلم داشتند پر خروسی را زنده‌زنده می‌کندند. او اعتنایی نکرد و به عبادتش

۱. خطبه فدکیه

ادامه داد. امام صادق ع می فرماید:

خداوند به زمین وحی کرد که بنده مرا در خود فروبیر و او تا ابد در قعر زمین در حال عذاب است؛ كَانَ رَجُلٌ شَيْخٌ نَاسِكٌ يَعْبُدُ اللَّهَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَبَيْنَا هُوَ يَصَلِّي وَ هُوَ فِي عِبَادَتِهِ، إِذْ بَصُرَ بِغُلَامَيْنِ صَبِيَّيْنِ، قَدْ أَخَذَا دِيكًا وَ هُمَا يَنْتَفَانِ رِيشَهُ فَأَقْبَلَ عَلَى مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَ لَمْ يَنْهَهُمَا عَنْ ذَلِكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ: أَنْ سِيخِي بِعَبْدِي، فَسَاحَتْ بِهِ الْأَرْضُ، فَهُوَ يَهْوِي فِي الدُّرْدُورِ أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

این خدایی که به بی تفاوتی در قبال ظلم به یک خروس این قدر حساس است، حالا این همه ظلم به مسلمانان می شود، چقدر حساس است و آیا از تقصیر بی تفاوتی ها خواهد گذشت؟

شما فکر نکنید این مرگ گفتن ها اثر ندارد؛ امام خمینی (ره) بنیان گذار روز بزرگ

قدس فرمود:

اگر همه مسلمینی که در دنیا الآن هستند که قریب یک میلیارد هستند، اگر در روز قدس، همه بیرون بیایند از خانه، فریاد بکنند «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» همین قول برای آن ها مرگ می آورد.<sup>۲</sup>

نفرت از آمریکا اختصاص به ایران ندارد. الآن همه جهان به خباثت و شیطنت آمریکا پی برده است. یکی از پر فروش ترین کتاب ها در سطح بین المللی، کتاب «چرا مردم از آمریکا متنفرند؛ ضیاء الدین سردار» است که با همکاری مریل دیویس در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسید. این کتاب مشتمل بر ۷ فصل و دربرگیرنده برخی از علل فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی نفرت مردم جهان از دولت ایالات متحده آمریکا است که توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. مطالعه این کتاب

۱. امالی طوسی، ص ۶۶۹

۲. ۱۵ مرداد ۱۳۵۹، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۸۰

جلسه دوم: راز تکرار یک داستان قرآن □ ۴۵

چشم جهانیان را به پستی و رذالت نظام سلطه به رهبری آمریکا بیشتر از پیش باز می‌کند.



## جلسه سوم:

### هیجان و سرگرمی به نام دشمن

#### دنیا محلی برای سرگرم شدن

قرار شد ما قبل از دین‌شناسی، سراغ دنیا برویم و زندگی در دنیا را بشناسیم. اگر دنیا را شناختیم، می‌توانیم با دین به عنوان عاملی برای برطرف کردن محدودیت‌ها و راه و برنامه‌ای برای پریدن از موانع ارتباط عمیق برقرار کنیم. آن وقت دین را روی هوا می‌زنیم، یکی دیگر از ویژگی‌های دنیای که در آن زندگی می‌کنیم این است که زندگی ما به گونه‌ای طراحی شده که بدون سرگرمی، زندگی بی‌مزه است. دنیا چگونه جایی است؟ جایی است پر از محدودیت، پر از مانع؛ اما جای هم هست که شما می‌توانید، سرگرم باشید. فرمود: «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ؛ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است.»<sup>۱</sup> بدون سرگرمی، زندگی بی‌معناست، هیجان ندارد.

آغاز زندگی بشر هم با بازی و سرگرمی است، حضرت هم فرمود: «بچه‌ها را ۷ سال رها کنید بازی کنند؛ دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَنَةَ سِنِينَ».<sup>۲</sup> چقدر می‌شود اهداف تربیتی را در متن بازی محقق کرد. حالا اگر ما به بازی و سرگرمی علاقه داریم و دنیا هم محیط بازی ما هست، چگونه دنیا به عنوان محیط بازی و سرگرمی ما، می‌تواند ما را به مقصد برساند؟ کی هیجان بازی و سرگرمی بالا می‌رود؟ اوج هیجان یک بازی و سرگرمی چیست؟

۱ حدید، ۲۰.

۲ کافی، ج ۶، ص ۴۶.

## چرا در زندگی افسرده هستی؟

چرا الآن این قدر بازی های آنلاین و غیر آنلاین مشتری دارد؟ چون محور این بازی ها، سرگرمی است؛ اما هر سرگرمی نیست، سرگرمی در متن مبارزه با دشمن رقم می خورد و این زندگی را جذاب می کند وگرنه بدون مبارزه با دشمن، تو افسرده می شدی. حالت گرفته می شد.

## وجود دشمن، جذاب ترین بخش حیات بشر

می دانی چرا در زندگی افسرده هستی؟ سرگرمی به نام مبارزه با دشمن را در زندگی نداری. جذاب ترین بخش حیات بشر، وجود دشمن است. وجود دشمن، زندگی را جذاب کرده است. الآن می گویند آقا از بچه ها درباره دشمن حرف نزنید. عزیزم! این دشمن لعنتی جذاب است. این بچه شما، این نوجوان شما، نیاز به هیجان و سرگرمی دارد. حضرت هم برخی از چیزها را در لیست سرگرمی های مؤمن قرار داده است. حالا شما ببینید این ها چقدر سرگرم کننده است. پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

اٰذْكِبُوا وَاٰزُمُوا وَاِنْ تَرُمُوا اَحَبُّ اِلَى مَنْ اَنْ تَرْكِبُوا ثُمَّ قَالَ كُلُّ لَهْوِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ اِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَاْدِيَةِ الْفَرَسِ وَرَمِيهِ عَنْ قَوْسِهِ وَ مَلَاعَبَةِ امْرَاَتِهِ فَاِنَّهِنَّ حَقٌّ اِلَّا اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَدْخِلُ فِي السَّهْمِ الْوَاحِدِ الثَّلَاثَةَ الْجَنَّةَ عَامِلِ الْخَشْبَةِ وَ الْمُقْوَى بِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ الرَّامِي بِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ.<sup>۱</sup>

تو رو خدا به سادگی از کنار این روایت رد نشوید. چه نسبتی بین سرگرمی مبارزه با دشمن است؟ اصل سرگرمی اینجا نیست. پس کجاست؟ ما چرا بچه ها را سر اصل سرگرمی نمی بریم، سر اصلی ترین سرگرمی؟ خوب بچه های ما برای سرگرم



شدن دنبال چیزهای دیگر می‌روند.

### چرا شرط‌بندی برای تیراندازی حلال است؟

احکام این سرگرمی، یعنی سرگرمی به نام مبارزه با دشمن، این سرگرمی احکامش را بین چقدر با بقیه سرگرمی‌ها فرق می‌کند. شما می‌دانید شرط‌بندی در دین ما حرام است؛ اما یک جایی حلال شده است؛ فرمود: «جایزه، شرط‌بندی حلال نیست، مگر در مسابقه شترسواری یا اسب‌سواری یا تیراندازی؛ لَا سَبَقَ إِلَّا فِي حُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصَلٍ يَعْنِي النَّصَالَ»؛<sup>۱</sup> یعنی هر چیزی که شما را در مقابل دشمن قوی می‌کند. شرط‌بندی سر این سرگرمی‌ها، حلال است. دین رسماً سرگرمی در متن درگیری را به رسمیت می‌شناسد. اصل سرگرمی اینجاست. اصل جذابیت اینجاست. حلال هم است. الآن چند تا بچه حزب‌اللهی، می‌روند تیراندازی، شرط‌بندی می‌کنند؟ می‌دانی تو نیاز به سرگرمی داری.

### تفریح آیت الله

آیت الله حائری شیرازی می‌فرمودند: «همه باید آمادگی و توانایی تیراندازی را داشته باشند و اگر دیگران بگویند که ایرانی‌ها تیراندازیشان خوب است، به نفع اسلام است. از بیرون همه باید بگویند که صغیر و کبیر، پیر و جوان در جمهوری اسلامی تک تیرانداز هستند.»

خود من، تفریح تیراندازی است و هر جا که بروم جزء پذیرایی‌ای که از من می‌شود، میدان تیری ترتیب داده می‌شود و من هم می‌روم. مثلاً با آقای هاشمی (رییس فدراسیون) ۵۰ هزار تومان وسط گذاشتیم، یکبار او برد و یکبار هم من بردم! من با فرماندهان [نظامی] زیاد مسابقه می‌دهم و اگر عینکم همراهم باشد از

عهده آن‌ها برمی‌آیم. خیلی اوقات هم اول شده‌ام.

حتی یکبار در اتریش با رییس جنگلبانی آن‌ها مسابقه تیراندازی دادیم. قبل از مسابقه به زبان آلمانی گفت که می‌ترسد مغلوب بشود!

ما باید مسئله برد و باخت در تیراندازی را عمومیت دهیم تا مردم را از قمار [در سایر بازی‌ها] به [شرطبندی در] تیراندازی بکشانیم. این برد و باخت، حلال است و اگر کسی یک میلیون تومان هم بگذارد و ببرد، حلال است.»<sup>۱</sup>

### با حذف دشمن، جامعه به اوج نشاط و سرگرمی نمی‌رسد

فرمود: اهالی ایمان، دائماً نشاط دارند؛ دَائِمًا نَشَاطُهُ». <sup>۲</sup> این نشاط را از کجا می‌گیرند؟ این نشاط را در متن مبارزه با دشمن می‌گیرند. حالا اگر در جامعه‌ای دشمن را حذف کردی، این جامعه نشاطش را از کجا دریافت کند؟ الآن چرا انگیزه درس خواندن در بین بچه‌های ما ضعیف شده است؟ چون ما مهم‌ترین عامل انگیزه‌بخش، نشاط‌بخش برای درس خواندن یعنی مبارزه و مجاهده با دشمن را برداشتیم.

چطور وقتی شهید چمران درس می‌خواند، از استادی که به شاگردانش بالاترین نمره که داده بود، ۱۸ بود ولی ایشان از این استاد، ۲۲ می‌گیرد؟ با چه انگیزه درس می‌خواند در دست‌نوشته‌هایش آمده که این طوری نوشته:

ای خدا، من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا مبادا که دشمنان مرا از این راه طعنه زنند. باید به آن سنگدلانی که علم را بهانه کرده و به دیگران فخر می‌فروشند ثابت

---

<sup>۱</sup> کانال نکات ناب و حکمت‌های آیه الله حائری شیرازی، دسترسی در: <https://t.me/haerishirazi/۱۷۷۱>

<sup>۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۲۳۰.

کنم که خاک پای من هم نخواهند شد. باید همه آن تیره‌دلان مغرور و متکبر را به زانو درآورم، آن گاه خود خاضع‌ترین و افتاده‌ترین فرد روی زمین باشم.<sup>۱</sup>

### وجود دشمن، عامل سرگرمی و نشاط جامعه

وجود دشمن، عامل سرگرمی و نشاط جامعه است. بعد نمی‌دانم چرا در جامعه ما بعضی‌ها می‌خواهند منکر دشمن شوند. اگر به جامعه بگویی تو دشمن نداری، گرد مرگ بر سر آن ریختی. نشاط و سرگرمی را از مردم گرفتی. شما می‌بینید اوج این نشاط و شادی و سرگرمی را در بین بچه‌های رزمنده، چرا این قدر شاد بودند؟ مگر جنگ نبود؟ شوخی و شادی برای چه بود؟ هیجان مبارزه با دشمن را از جامعه بگیر، بین چه چیزی از این جامعه می‌ماند؟

شاید بعضی‌ها بگویند حاج آقا! جهاد بازی نیست. بله درسته بازی نیست؛ اما هیجان نداره؟ مبارزه با دشمن هیجانش بیشتر از مبارزه در بازی‌ها نیست؟ شما ببینید شب عاشورا اصحاب با هم شوخی می‌کردند. چرا؟ بین هیجان جهاد چه کرد بود با آن‌ها؟

امام سجاد (ع) می‌فرماید: «كَانَ الْحُسَيْنُ (ع) وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانَهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحَهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسَهُمْ؛ امام حسین (ع) و یاران خاص او، رنگ چهره‌شان برافروخته‌تر و اندامشان آرام‌تر و جان‌هایشان آسوده‌تر می‌گشت.»<sup>۲</sup> آقا امام حسین (ع)، هرچقدر به شهادت نزدیک‌تر می‌شود گل از گلش شکفته‌تر می‌شود. دیدی می‌گویند شاه‌داماد، شب عروسی صورتش گل انداخته؟ امام حسین (ع)، این طوری شده بود. چرا؟ به خاطر هیجان جهاد و شهادت.

۱. ۱ سپتامبر ۱۹۶۱؛ خدایا به سوی تو می‌آیم (نگاهی به یادداشت‌های شهید پیمان در آمریکا).

۲ معانی الاخبار، ص ۲۸۸.

شما بروید کتاب خاطرات شهید چمران را مطالعه کنید: اسم کتاب را ببینید چیست؟ «رقصی چنین میانه میدانم آروزست» این در ادبیات عرفانی ماست. مولوی این مصرع را به کار گرفته است. شاید کسی بگوید: «آقا رقص وسط میدان جنگ چه معنایی دارد؟!» منظور که این نیست.

در ادبیات فارسی که آقای حافظ وقتی می خواهد عالی ترین مفاهیم عرفانی را توضیح دهد، از شراب و می و مستی حرف می زند، شما منظور را بگیر. اگر ما می گوئیم سرگرمی جهاد، منظورم این نیست که جهاد بازی است. آن اوج حال خوش را می خواهیم برسانیم. دیگر شما عارف تر از امام در این عالم سراغ دارید؟ حضرت فرمود: «شهدا در قهقهه مستانه شان و در شادی وصلشان عند ربهم یرزقوند»<sup>۱</sup> چرا امام از این ادبیات استفاده می کند؟ آدم مست را دیدی چطور قهقهه می زند؟ از مستی و قهقهه مستانه حرف می زند تا اوج نشاط شهدا را برساند. ما هم همین حرف را می خواهیم بزنیم. خدا یک سرگرمی و هیجانی برای ما گذاشته و آن جهاد با دشمن است که می توانی به اوج مستی به قول امام برسی و قهقهه بزنی. یعنی کاری که شهدا کردند.

قرآن هم از فرح شهدا بعد از شهادت می گوید. اینجا حرف از تیغ و تیر است؛ اما در نهایت می رسد به شادی و نشاط معنوی. فرمود: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آن ها به خاطر نعمت های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند و به خاطر کسانی که هنوز به آن ها ملحق نشده اند [مجاهدان و شهیدان آینده]، خوش وقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آن ها را در آن جهان

۱. صحیفه امام جلد ۲۱ ص ۱۴۷.

می‌بینند و می‌دانند) که نه ترسی بر آن‌ها است و نه غمی خواهند داشت.»<sup>۱</sup>

## انواع سرگرمی با دشمن

با این مقدمه برویم سراغ انواع دشمن؛ یعنی انواع سرگرمی‌های که در مبارزه با انواع دشمنی‌ها به دست می‌آوریم. قدری با نشاط بیشتر در مواجهه با دشمن قرار بگیریم. هر وقت دشمن شنیدید، یاد سرگرمی بیفتید. پس اول نگاهمان را به دشمن اصلاح کنیم. در ساختار حیات بشر، چهار نوع دشمن طراحی شده است. دو دشمن که از درون ما دشمنی می‌کنند و دو دشمن که از بیرون ما دشمنی می‌کنند:

### ۱. سرگرمی با دشمنی به نام علاقه‌های سطحی

اولین دشمنی که به‌عنوان سرگرمی باید ما با آن مبارزه کنیم، علاقه‌های سطحی و اتفاقاً فعال در وجود ما است. از جنس خواستنی‌های سطحی و فعال ما است؛ این علاقه‌های سطحی دشمن علاقه‌های عمیق‌تر وجود ما هستند که مثل آتش‌فشان غیرفعال در وجود ما هستند. کافی است آن‌ها را فعال کنیم. پیغمبر فرمودند: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ؛ دشمن‌ترین دشمنان، نفس تو است که در بین پهلوی تو است.»<sup>۲</sup>

در مدارس ما، الآن چقدر دشمنی کردن با علاقه‌های سطحی، آموزش داده می‌شود؟ ببین پسر! دخترم! تو باید با بعضی از خواستنی‌های خودت مبارزه کنی برای رسیدن به خواستنی‌های عمیق‌تر، تو برای رسیدن به لذت‌های عمیق و پایدار، باید با بعضی از لذت‌های سطحی و زودگذر دشمنی کنی.

چرا آقا پسرها حدود سن ۱۵ سالگی کم یا بیشتر، به سنی می‌رسند که یک علاقه

<sup>۱</sup> آل عمران، ۱۷۰.

<sup>۲</sup> عدة الداعی، ص ۳۱۴.

در آن‌ها فعال می‌شود که الآن نمی‌توانند در این سن معمولاً به آن پاسخ دهند؟ خدا می‌خواسته یک کیسه‌بوکس سرگرم کننده در وجودشان بگذارد، سرگرم شوند! مشت بزنند و باز سرگرم شوند.

### هواپرستی مدلی برای زندگی

امروز مسئله بشریت این است که هوای نفس یا همان علاقه‌ها و لذت‌های سطحی خود را که عامل سقوط و شکست او است، نه تنها دشمن نگرفته، بلکه به تعبیر قرآن آن را پرستش هم می‌کند. فرمود: «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ آیا ندیدی کسی که خواستنی‌های سطحی خودش را، معبود خود قرار داده است؟»<sup>۱</sup> این یعنی هرچه خودم بخوام. البته ما هم می‌گوییم هر چه تو بخوای؛ اما دایره خواستنی‌های تو محدود به این چند خواستنی نیست. الآن نظام سلطه مردم جهان را و با ابزار رسانه و تبلیغات مردم جامعه ما را به علاقه‌های سطحی سرگرم کرده‌اند. این سرگرمی موقت است، این سرگرمی زیاد حال تو را خوب نمی‌کند. خیلی اوقات حال تو را هم بد می‌کند. بیا یک سرگرمی با حال‌تر، سرگرم کننده‌تر به تو نشان بدهم. سرگرمی به نام مبارزه برای رسیدن به علاقه‌های عمیق‌تر، لذت بیشتر و منافع بیشتر. اینجا قسمت سخت ماجرا است. این انسانی که برای رسیدن به منافع و لذت و علاقه‌هایش در زندگی حاضر است سختی‌ها و رنج‌های زیادی را تحمل کند، حاضر نیست با برنامه‌ای که او را برای رسیدن به لذت بیشتر و علاقه‌های عمیق‌تر است همراهی کند، اینجا دین می‌شود برنامه‌ای برای رسیدن به لذت بیشتر، حاضر نیست تحت برنامه بیاید.

### چرا انبیا را تکذیب کردند یا کشتند؟

چرا انبیا را تکذیب کردند یا کشتند؟ فرمود:

أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَتَقْتُلُونَ؛  
آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی برخلاف هوای نفس شما آورد، در برابر  
او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده‌ای را تکذیب  
کرده و جمعی را به قتل رساندید؟<sup>۱</sup>

چون انبیا دین را به‌عنوان برنامه برای رسیدن به لذت عمیق‌تر می‌آورند، راه  
رسیدن به لذت‌های عمیق‌تر، گذشتن از علاقه‌های سطحی است. اینجا هواپرستان  
حاضر نیستند، با هوای نفس خود دشمنی کنند. می‌آیند با انبیا دشمنی می‌کنند.

### فتنه همیشه با محوریت هوای نفس شکل می‌گیرد

محور فتنه اخیر که در جامعه ما شکل گرفته، چی بود؟ اصلاً فتنه چگونه شکل  
می‌گیرد؟ امیرالمؤمنین فرمودند: «إِنَّمَا بَدْءُ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ؛ فقط و فقط آغاز  
شکل‌گیری فتنه هوا و خواستی‌های است که تبعیت می‌شود یعنی هواپرستی»؛<sup>۲</sup> شما  
چرا می‌خواهید جلوی هواپرستی ما را بگیرید. ما آزادی می‌خواهیم. یک اسم  
خوشگلی هم برایش پیدا می‌کنند تا زشتی هواپرستی را بپوشانند. به قول قرآن کریم  
«زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ؛ اعمال زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده».<sup>۳</sup> اتفاقاً ما  
هم می‌گوییم آزادی؛ اما آزادی از چه چیزی؟ بدترین نوع اسارت، اسارت هوای  
نفس است. برای اینکه زن را اسیر هوای نفس کند شعار می‌دهد: «زن زندگی آزادی»  
چقدر خوشگل؛ اما به نفع چه کسی این شعار داده می‌شود؟ آیا به نفع زنان است؟

۱ بقره، ۸۷.

۲ نهج البلاغه، ص ۸۸.

۳ توبه، ۳۷.

آزادی که برای زنان می‌خواهند، این آزادی است یا اسارت زن؟

### چه کسی طرفدار شعار آزادی است؟

نتیجه این شعار در اروپا چه شد؟ زنان در اروپا در بدترین شرایط به اسارت می‌روند، اسیر خشونت، اسیر جنسی، اسیر تحقیر... کافی است سری بزنیم به خشونت جنسی علیه زن در غرب. طبق آمار ۷۰ درصد زنان در شرق یا جنوب شرق اروپا از ۱۵ سالگی به نوعی خشونت را تجربه کرده‌اند. در آلمان بنا به آمار ارائه شده از سوی پلیس جنایی آلمان، خشونت‌های خانگی به طور متوسط، موجب می‌شود در هر سه روز یک زن جان خود را از دست بدهد. تنها در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۱۲۲ زن در این کشور بر اثر خشونت خانگی جان باخته‌اند.

ما مدافع آزادی زن هستیم، اما آزادی از بردگی جنسی که در غرب اتفاق می‌افتد. «بر اساس گزارش برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) سالانه بیش از ۲ میلیون زن در سرتاسر جهان مجبور به تن‌فروشی می‌شوند یا به سمت فحشا سوق داده می‌شوند که بیشترین متقاضی اصلی این برده‌داری نوین و اشکال نوین استثمار را اتباع کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکا تشکیل می‌دهند.

طبق آمار اتحادیه اروپا، تعداد زنان قربانی بردگی جنسی در این قاره به سالانه ۵۰۰/۰۰۰ نفر افزایش یافته و تجارت غیرقانونی انسان، رقمی بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار را به جیب تاجران سرازیر می‌کند.<sup>۱</sup> چرا هیچ کس برای قربانیان این بردگی جنسی، شعار آزادی زن را نمی‌دهد؟

کدام آزادی زن، وقتی هیچ سازمان و نهادی برای این میلیون‌ها نفر برده جنسی شعار آزادی زن را نمی‌دهد. شما طرفدار آزادی زنان هستید؟! ما روزی زنان

۱ باشگاه خبرنگاران جوان.



مغربز مین را از تمام بردگی‌های نظام سلطه از انواع بردگی‌ها نجات خواهیم داد.

### لذت ترک لذت

پس اولین دشمنی که باید بچه‌ها سرگرم مبارزه با آن باشند، واقعاً هم به‌عنوان سرگرمی به آن نگاه کنند و این سرگرمی از سن ۷ الی ۱۴ سالگی شروع می‌شود که دوران ادب در تربیت دینی قرار داده شده است. بچه‌ها باید سرگرم دشمنی با خواستنی‌های سطحی خودشان باشند. یا سرگرم مبارزه با دشمنی به نام علاقه‌های سطحی خودشان باشند. هیجان مبارزه با دشمنی از جنس خودشان را تجربه کنند. به قول جناب سعدی: «اگر لذت ترک لذت بدانی / دگر شهوت نفس، لذت نخوانی».<sup>۱</sup> ما در مدارس خودمان باید به گونه‌ای برنامه طراحی کنیم که بچه‌ها لذت ترک لذت را درک کنند. مادران محترم! فقط لذت غذای لذیذ را به کام بچه‌ها نچشانند. این لذت را هم باید بچه‌ها ببینند. ببینند که مادرشان از ترک لذت، لذت برد.

### رابطه قدرت و مدیریت خواستنی‌ها

بچه‌ها عاشق قدرت هستند، بگو کسی که به خودش نه بگوید، قوی است. فرمود: «أَقْوَى النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ؛ قوی‌ترین آدم‌ها کسی است که بر خواستنی‌هایش پیروز شود.»<sup>۲</sup> چرا کتاب شهید ابراهیم هادی این قدر خاطرخواه دارد؟ چون جنس ابراهیم هادی، جنس آدم قدرتمند و قوی است.

رفیق شهید ابراهیم هادی نقل می‌کند: «باشگاه کشتی بودیم که یکی از بچه‌ها به ابراهیم گفت: ابرام جون! تیپ و هیکلت خیلی جالب شده. توی راه که می‌اومدی دوتا دختر پشت سرت بودن و مرتب از تو حرف می‌زدند.

۱. غزلیات سعدی.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۳۰۷۴.

بعد ادامه داد: شلوار و پیرهن شیک که پوشیدی، ساک ورزشی هم که دست گرفتی، کاملاً معلومه ورزشکاری!

ابراهیم خیلی ناراحت شد. رفت توی فکر. اصلاً توقع چنین چیزی را نداشت. جلسه بعد که ابراهیم را دیدم، خنده ام گرفت؛ پیراهن بلند پوشیده بود و شلوار گشادا! به جای ساک ورزشی هم کیسه پلاستیکی دست گرفته بود. تپیش به هر آدمی می خورد غیر از کشتی گیر.

بچه ها می گفتند: تو دیگه چه جور آدمی هستی! ما باشگاه می آییم تا هیکل ورزشکاری پیدا کنیم. بعد هم لباس تنگ بپوشیم؛ اما تو با این هیکل قشنگ و روی فرم، این چه لباس هائیه که می پوشی؟ ابراهیم به این حرف ها اهمیت نمی داد و به بچه ها توصیه می کرد: «ورزش اگر برای خدا باشد، عبادت است؛ به هر نیت دیگری باشد، فقط ضرر است».<sup>۱</sup>

بچه که در مدرسه و منزل، مبارزه با دشمنی به نام خواستنی های سطحی را یاد نگرفته باشد، در مواجهه با دین که برنامه برای رسیدن به لذت ها و علاقه های عمیق تر است، کم می آورد. شما نمی توانی به لذت های عمیق تر بررسی بدون عبور از لذت های سطحی تر. اینجا است که دین گریزی برای آدم های که به حداقل خواستنی های خودشان گیر داده اند و اسیر آن حداقل ها شده اند اتفاق می افتد. بعد

۱ سایت طرفداری، شهید ابراهیم هادی با دخترانی که از او خوششان آمده بود چه کرد؟ دسترسی در:

AA%۸/D۹/۸۰/!%D۹/۸۶D۷/AA/D۷/B۸/D۸/AA/D۷/B۸/D۷/AA/D۹/https://www.tarafdari.com/%DA%AA-۸/C%D%۸DB۹/۸۷/D۴/B۸/!/D۱۸۰۲۸۲/۹/۸۶D  
C-%AA%DB۸/D۷/AA/D۹/۸۷/-%D۹/۸۰C%D%۸DB۹/۸۷/D۷/AA/D۷/B۸/D۸/AA/D۷/AA/%D  
-۹/۸۷D۹/C-%DA%A%۸DB۹/۸۶/D۷/AA/D۷/B۸/AA%DA/AE%DA/AF%D۸/-%D۷A۸/D۸/AA/%D  
-۹/۸۶D۷/AA/D۴/B۸/D۴/B۸/D۹/AA/AE%DA/-%D۹/۸۸D۷/AA/-%D۲B۸/D۷/AA/%D  
-۹/۸۷D%۸۶/AF-%DA۸/D۹/AA/D۸/AA/-%D۹/۸۷AF%D۸/D۹/۸۰/D۲/AA/%D  
۸/۹AF%D۸/D۷/B۸/D۹/%DA%A

جلسه سوم: هیجان و سرگرمی به نام دشمن □ ۵۹

تظاهرات اجتماعی آن، می شود فتنه ۱۴۰۱. بچه که آموزش های لازم را برای مبارزه با دشمنی به نام خواستنی های سطحی نگذرانده، زندگی او کارگاه مبارزه با خواستنی های سطحی نباشد، آدم فتنه می شود.

### سقوط مردم در فاطمیه در فتنه

فاطمیه است، حضرت زهرا (س) فرمود: «مردم مدینه! أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا؛ شما در فتنه سقوط کردید.»<sup>۱</sup> چرا مردم مدینه در فتنه سقوط کردند؟ بگرد دنبال هواپرستی های پنهان، عافیت طلبی های حزب الهی ها! مردم مدینه همان مردمی هستند که حضرت زهرا (س) از افتخارات آن ها حرف زد. مردم مدینه همان مردمی هستند که خدا تصمیم گرفت با این مردم حرف بزند، این جامعه را در قرآن تحلیل کرد. از این جامعه تعریف کرد البته جاهایی هم تویخ کرد؛ اما بالاخره مردم مدینه حزب الهی بودند اما حزب الهی هواپرست. آقا! مگر می شود آدم حزب الهی باشد و هواپرست؟! بله یک هواپرستی های لطیفی حزب الهی دارند بیا و ببین! عافیت طلبی، بی تفاوتی، این ها هواپرستی های حزب الهی ها است.

### ۲. دشمنی شیطان

دومین دشمنی که با آن مواجه هستیم، شیطان است. واقعاً نقش شیطان را باید در حوادث اجتماعی جدی گرفت. این هم یک واقعیت است. دشمنی او یک امتداد انسانی و اجتماعی و سیاسی پیدا می کند. فرمود:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ؛ و آن ها که کافرند،

در راه طاغوت [بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید!<sup>۲</sup>

۱ توبه، ۴۹؛ دلایل الامامه، ص ۱۱۶.

۲ نساء، ۷۶.

آن وقت شیطان دوستان خودش را مدیریت می‌کند، حرف داخل دهانش می‌گذارد،<sup>۱</sup> ما نه تنها با شیطان بلکه با اولیا شیطان هم مواجه هستیم. بالاخره این دشمن را باید جدی گرفت و اصل این دشمنی‌ها به او برمی‌گردد. امکانات کمی هم ندارد و نباید او را دست کم گرفت. گفت خدایا! منم برای دشمنی امکانات می‌خواهم خدا فرمود چه می‌خواهی؟ گفت: «می‌خواهم مثل خون در وجود او نفوذ کنم؛ أَجْرِنِي مِنْهُمْ مَجْرَى الدَّمِّ فِي الْعُرُوقِ»<sup>۲</sup> این قدر قدرت نفوذ بالا خدا هم قبول کرد. بعد گفت: «خدایا زیادش کن» خدا فرمود: «به تو این امکان را می‌دهم که قرارگاه خودت را در مرکز فرماندهی وجود او یعنی قلبش قرار دهی؛ قَدْ جَعَلْتُ لَكَ فِي صُدُورِهِمْ أَوْطَانًا».<sup>۳</sup> دشمنی قسم خورده، با این قدرت نفوذ بالا که به جای تو فکر می‌کند، در علاقه‌های تو، دخالت دارد. نمی‌شود این دشمن را ندید بگیری هرچند این دشمن ندیدنی است. به قول قرآن: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ؛ چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آن‌ها را نمی‌بینید»؛<sup>۴</sup> یعنی ما در رصد و پایش دائمی شیطان و جنودش هستیم. هم نفوذ می‌کند هم مراقبت می‌کند. قدیمی‌ترها! یک توجه به این دشمن داشتند گاهی که ناراحت می‌شدند می‌گفتند لعنت بر شیطان! گاهی با کسی دعوایشان می‌شد یک لعنت بر شیطان می‌گفتند؛ یعنی می‌فهمیدند اینجا خودشان نیستند، شیطان دارد دخالت می‌کند. با این دشمن هم باید سرگرم باشیم. سرگرم مبارزه با چنین دشمنی، هم هیجان دارد هم به آدم نشاط می‌دهد.

---

۱ انعام، ۱۱۲.

۲ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۲.

۳ همان.

۴ اعراف، ۲۷.

### ۳. دشمنی نفاق

دشمن دیگری که از درون جامعه اسلامی، باید با او دشمنی کرد، جریان نفاق است. نفاق همیشه بیشترین ضربه را به جامعه اسلامی زده است. آن‌ها که چراغ سبز به دشمنان خارجی می‌دهند، برای تحریم، برای ترور، برای تخریب... پیغمبر فرمود:

إِنِّي لَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَحْجُزُهُ (مانع شدن) إِيْمَانُهُ  
وَأَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْمَعُهُ (نابود) كُفْرُهُ وَ لَكِنْ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ مُنَافِقًا عَلِيمَ اللِّسَانِ يَقُولُ مَا  
تَعْرِفُونَ وَ يَعْمَلُ مَا تُنْكُرُونَ؛

من برای امت خود از مؤمن و مشرک نمی‌ترسم؛ زیرا مؤمن را ایمانش مانع [از لطمه زدن به جامعه اسلامی] می‌شود و مشرک را نیز همان کفرش سرکوب می‌کند؛ اما ترس من برای شما از منافقِ زبان‌بازی است که حرف‌هایی می‌زند که شما بدان اعتقاد دارید و کارهایی می‌کند که شما به آن‌ها اعتقاد ندارید.<sup>۱</sup>

باید یک فصل مفصل درباره دشمنی نفاق حرف بزنیم. نشاط جامعه به این است که با این دشمن سرگرم باشد. گاهی ما مقابل این دشمن سردرگم هستیم، جامعه گیج می‌زند، چه کسانی باید حواسش به این دشمن باشد؟

در این فتنه اخیر هم نفاق چقدر هم آهنگ بود. چقدر بر طبل فتنه می‌کوبید. می‌گفت دو طرف را دعوت به عدم خشونت می‌کنیم، حال آنکه اوج خشونت توسط اغتشاشگران بود. بعد مقابل داعشی‌های وطن، ما تماشا می‌کردیم می‌گفتند خشونت به خرج ندهید!؟

### ۴. یهود، دشمن اصلی

اما اصل فتنه‌ها و دشمنی‌ها بر می‌گردد به دشمنی جریانی به نام یهود که در قرآن

رسماً این دشمن را شدیدترین دشمن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ؛ بطور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود خواهی یافت.»<sup>۱</sup> ما می‌خواهیم در این سلسله مباحث، دشمنی این دشمن را بهتر ببینیم و بهتر لمس کنیم. در جامعه از دشمنی او بگوییم. خیلی‌ها دشمنی این دشمن را حس نمی‌کنند، به خاطر همین موضع هم نمی‌گیرند. گارد نمی‌گیرند مقابل دشمنی او و ما هرچه ضربه می‌خوریم زیر سر دشمنی یهود است. جنس دشمنی آن‌ها با ما، از جنس حسادت است. از جنس دشمنی که قابیل با هابیل داشت و او را کشت. منتظران آخرین پیامبر، دشمن درجه یک آخرین پیامبر شدند.

### نقش یهود در ماجراهای صدر اسلام

حداقل چهارتا جنگ پیغمبر با یهودی‌ها اتفاق افتاده است. حجم دشمنی‌ها و آمار آن سر به فلک می‌کشد که باید در این باره بیشتر سخن بگوییم. یهود برای نفوذ در سازمان مسلمانان، گروهی را سازمان‌دهی کرد و درون حاکمیت پیامبر فرستاد. این گروه که برخی از آنان را با نام منافقان می‌شناسیم، کسانی بودند که در ظاهر اسلام آورده بودند، ولی دل در گرو آن نداشتند و درصدد یافتن فرصتی مناسب برای ضربه زدن به اسلام بودند. قرآن در آیات بسیاری، آنان را سرزنش کرده و صفاتشان را برمی‌شمارد.

به گزارش تاریخ، بسیاری از این افراد، پیش از اسلام آوردن ظاهری خویش، یا در کسوت یهودی بوده‌اند یا با یهودیان ارتباط مکرر داشته‌اند. برخی کتاب‌ها به نام این افراد نیز اشاره کرده‌اند؛<sup>۲</sup> هرچند نام برخی دیگر را نمی‌توان در کتاب‌ها یافت، اما از سلوک آنان و تاریخ زندگی و چگونگی اسلام آوردنشان می‌توان به یهودی بودن

۱ مانده، ۸۲.

۲. البلاذری، ج ۱، ص ۳۳۹.

یا ارتباطشان با یهود پی برد.<sup>۱</sup>

بلاذری، از رفت و آمد اهل نفاق به کنیسه یهود خبر داده و گفته است: مالک بن نوفل، عالمی یهودی بود که به اسلام پناه آورد، ولی اخبار رسول خدا (ص) را به یهودیان می داد.<sup>۲</sup> به خاطر یهودی بودن شماری از منافقان، رابطه خوبی میان این دوگروه در صدر اسلام وجود داشت. تلاش عبدالله بن اُبی، یکی از منافقان رسوا شده، در دو حادثه بنی قینقاع و بنی نضیر، برای نجات دوستان یهودی اش، دلیل دیگری بر این مطلب است. در اثر نفوذ سازمان یهود، مردم کسان دیگری را نیز به موازات پیامبر (ص) قبول داشتند و گوش به اوامرشان می سپردند. به اندازه‌ای که با پیروی از آنان، از بیعت با علی (ع) سرباز زدند. حضرت زهرا (س) پس از پدر، آزارهای بسیار دید و در راه رسوا ساختن خط نفاق و دفاع از ولایت، به شهادت رسید؛ اما مردم زبان به اعتراض نگشودند و قاتلان هنوز بر سر قدرت بودند. این در حالی بود که دیده بودند رسول الله (ص) بارها دست دخترش را می بوسد و می گوید:

فاطمه بضعة منی، من آذاها فقط آذانی یرضی الله لرضاها و یغضب لغضبها وهی سیده نساء العالمین؛ فاطمه پاره تن من است. هرکه او را بیازارد، مرا آزرده است. رضایت خدا در خشنودی او و خشم خدا در خشم اوست. او سرور زنان جهان است.<sup>۳</sup>

---

۱. الصدوق، تهذیب، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲. البلاذری، ج ۱، ص ۳۲۹

۳ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ۲۹۵. مقاله، عملیات یهود برای مقابله با پیامبر (ص) (ردّ پای یهود در حوادث صدر اسلام)، سید هادی علیزاده، دسترسی در: <http://raj.smc.ac.ir/article.html۲۶۲۷>





## جلسه چهارم:

### نقاط ضعف دشمن

#### علامت تعادل روحی جامعه

از نظر روحی و روانی، همان طور که ممکن است یک فرد به تعادل روحی برسد، یک جامعه نیز ممکن است به تعادل روحی برسد و ممکن است یک جامعه از تعادل روحی خارج شود.

جامعه که از لحاظ روحی و روانی، تعادل داشته باشد با جامعه که از لحاظ روحی و روانی، از تعادل خارج شده باشد چه فرقی می‌کند؟ علامت تعادل روحی یک جامعه چیست؟ علامت عدم تعادل روحی یک جامعه چیست؟

اگر جامعه در قضاوت‌های خودش نسبت به جامعه، در نقاط ضعف و قوت، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی کرد، این جامعه از تعادل خارج شده است. جامعه‌ای که مرعوب دشمن شده، درباره نقاط قوت دشمن چگونه قضاوت می‌کند؟ بزرگ‌نمایی می‌کند یا کوچک‌نمایی؟ جامعه‌ای که دچار خودتحقیری شده است، درباره نقاط قوت و ضعف جامعه دچار بزرگ‌نمایی می‌شود یا کوچک‌نمایی؟ نقاط قوت جامعه خودش را کوچک می‌بیند یا بزرگ؟ یا نقاط ضعف جامعه خودش را کوچک می‌بیند یا بزرگ؟

اگر در جامعه خودتان دیدید مردم، نقاط قوت جامعه را یا ندید می‌گیرند یا کوچک می‌بینند، بدانید این جامعه از لحاظ روحی و روانی از تعادل خارج شده است. یا مرعوب شده یا دچار خودتحقیری. اگر در جامعه خودتان دیدید مردم، نقاط

قوت دشمن را بزرگ‌نمایی می‌کنند و نقاط ضعف دشمن را ندید می‌گیرند یا کوچک‌نمایی می‌کنند، بدانید این جامعه یا مرعوب شده یا حقیر.

### مثل آینه مسطح صاف ببین!

ما طرفدار واقعیت هستیم، آینه‌های سطح صاف، اشیا را درست نشان می‌دهند؛ اما بقیه نوع آینه‌ها، رسماً دروغ می‌گویند. دروغ‌نمایی می‌کنند، بعضی اشیا را بزرگ می‌کنند بعضی اشیا را کوچک، بعضی‌ها هم به دروغ‌نمایی علاقه دارند. آدم‌هایی که با صفا هستند مثل سطح آینه صاف هستند، دروغ‌نمایی نمی‌کنند؛ واقعیت‌نمایی می‌کنند.

### چرا بعضی‌ها روی نقاط قوت دشمن تمرکز می‌کنند؟

واقعیت این است که ما دشمن داریم، دشمنان ما هم فرعی و اصلی هستند. بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین دشمن ما، یهود است. این دشمن اصلی نقاط ضعف و قوتی دارد. نقاط ضعفش را ببینیم، بزرگی نقاط ضعفش را ببینیم، نقاط قوت را هم مدنظر داشته باشید؛ اما زیاد مهم نیست. اصل این است که شما تمرکز کنید روی نقاط ضعف دشمن، اگر نقاط ضعف دشمن را دیدیم با چشم باز، بعد به تعادل روحی می‌رسیم، نه مأیوس می‌شویم نه مرعوب و مغلوب مقابل دشمن. با یک روحیه خوب مقابل دشمن می‌ایستیم. اگر نقاط ضعفش را بدانیم.

### آیا دشمن اساساً ضعیف است یا قوی؟

قبل از اینکه نقاط ضعف دشمنی به نام یهود را لیست کنیم - که این روش قرآن است - خوب است یک سؤال بپرسیم. خدا به‌عنوان مدیر میدان مبارزه با دشمن که مستقیم در میدان، شما را و جامعه ما را مدیریت می‌کند، چه طرحی برای شناسایی و شناساندن دشمن دارد، در این باره بحث خواهیم کرد؛ اما سؤال اساسی این است

که اصل در دشمن‌شناسی این است که آیا دشمن اساساً ضعیف است یا قوی؟ به نظر شما دشمن قوی است یا ضعیف؟ دشمن رو به ضعف می‌رود یا رو به قوت؟ هر روز که می‌گذرد قوی‌تر می‌شود یا ضعیف‌تر؟ چرا ما می‌گوییم روی نقاط ضعف دشمن تمرکز کنید؟ جواب این سؤال برمی‌گردد به اینکه شما نظرتان درباره مسئله قدرت و ضعف دشمن چیست؟

### مسلمانان کافر به یک آیه قرآن

واقعیت این است که هرچقدر ما پیش می‌رویم، باطل مردنی‌تر، ضعیف‌تر می‌شود. فرمود: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»<sup>۱</sup>. بعضی‌ها رسماً به آیه قرآن کافر هستند. کافر هستند، یعنی واقعیت را انکار می‌کنند. این واقعیت که دشمن رو به ضعف می‌رود؛ یعنی جان به جان آفرین تسلیم می‌کند، می‌خواهد جان تو را بگیرد، اگر تو بگویی آمریکا و تمدن غرب رو به افول است. سند روی سند بیآور از خود نظریه‌پردازان غربی و آمریکایی که خبر از افول تمدن آمریکایی غربی می‌دهد، نمی‌تواند بپذیرد. این اولین علامت عدم سلامت روحی و روانی غرب پرستان است. آدم با این آیه وسط میدان مبارزه جان می‌گیرد، ما با جبهه‌ای داریم می‌جنگیم که هر روز زورش کمتر و ضعیف‌تر می‌شود؟! عجب! چرا بعضی‌ها جان می‌دهند، ولی این واقعیت را نمی‌پذیرند؛ بعضی‌ها جان می‌گیرند وقتی این واقعیت را می‌شنوند. چه مرضی آن‌ها دارند که این‌ها ندارند؟!

### قرآن برخورد روان‌کاوانه می‌کند

قرآن برخورد روان‌کاوانه می‌کند با آدم‌های که مقابل دشمن کم می‌آورند یا دارایی‌های دشمن را بیش از اندازه نشان می‌دهند. مثلاً شما ببینید، یکی از

سخت‌ترین جنگ‌های صدر اسلام، جنگ احزاب است، همه دشمنان اسلام دست به دست هم داده‌اند از یهود بگیر تا مشرکین مکه و منافقین تا اسلام و مسلمانان را نابود کنند، دشمن رسیده است بیخ گوش شهر پیغمبر. خداوند متعال این لحظات را این طوری برای ما بیان می‌کند می‌فرماید:

اِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را که آن‌ها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌پردید.<sup>۱</sup>

بعد می‌فرماید:

وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیمار دلان می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند!<sup>۲</sup>

آن‌هایی که در متن مشکلات اجتماعی در مواجهه با دشمن کم می‌آورند، خدا می‌فرماید: دلش مریض هست. مرض دارد. این برخورد روان‌کاوانه خدا با جماعتی است که مقابل دشمن کم می‌آورند.

### با بحث کردن مسئله حل نمی‌شود

با بحث کردن مسئله حل نمی‌شود، حالا هی شما بحث کن، او را غرق اطلاعات به اصطلاح صحیح کن، باز برمی‌گردد سر نقطه اول، این مشکل روحی

۱ احزاب، ۱۰.

۲ همان، ۱۱.

دارد. مشکل فکری او هم به خاطر آن مشکل روحی است. از تعادل روحی خارج شده است. صفای باطنش به هم ریخته، دیگر مثل آینه صاف نیست، دشمن برای او خیلی بزرگ است، نقاط ضعف دشمن در چشم او کوچک است، این آدم مشکل روحی دارد، اما آدمی که صفای باطن دارد اما برایش سوء تفاهم پیش آمده می توانیم درباره نقاط ضعف دشمن با او حرف بزنیم، او جان می گیرد.

### مدل برخورد خدا با دشمنی به نام یهود

مدل برخورد خدا با دشمنی به نام یهود این است که نقاط ضعف دشمن را به رخ ما می کشد. چرا خدا این طوری از نقاط ضعف دشمن می گوید؟ ببینید ما دشمنی داریم به نام یهود، او نقاط ضعفی دارد، این نقاط ضعف را ببینیم. به جامعه خودمان نشان دهیم. آن وقت با یک روحیه عالی در مواجهه با دشمن زندگی می کنیم.

### نقاط ضعف دشمن:

#### ۱. ترس

اولین نقطه ضعف دشمنی به نام یهود، ترس است. دشمن از شما حساب می برد، دشمن از شما می ترسد. فرمود: «لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ وحشت از شما در دل های آنها بیش از ترس از خداست؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی نادانند!»<sup>۱</sup> دو تا نقطه ضعف دشمن را کنار هم بیان کردند، یکی ترس، دیگری نفهمی. بعد خدا در آیات دیگر می فرماید: «سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ؛ بزودی در دل های کافران، به خاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می افکنیم»<sup>۲</sup>؛ یا فرمود: «سَأَلْتَنِي

۱ حشر، ۱۳.

۲ آل عمران، ۱۵۱.

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبُ؛ بزودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم».<sup>۱</sup>

در یک آیه صریحاً به ترس دشمنی به نام یهود اشاره می‌کند می‌فرماید: «این‌ها از ترسشان با دست خودشان خانه خودشان را خراب می‌کردند؛ قَدْفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبُ يَخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ»<sup>۲</sup> یکی از قبایل یهود که در مدینه زندگی می‌کرد و پر مدعی بود، امکانات وسیع و تجهیزات فراوانی داشت، خودشان باور نمی‌کردند به این آسانی مغلوب می‌شوند؛ اما ترس با آن‌ها چه کرد؟ این ترس یهود الان هم است.

ما چقدر می‌توانیم از این ترس، بهره‌برداری کنیم؟ کسی که داد می‌زند، تهدید می‌کند، به معنای این نیست که از توقوی تر است، شاید این میزان شدت ترس او را نشان می‌دهد؟ ترسو! نکند ترسیدی داد می‌زنی؟ می‌گوید: «جلو نیا!» اتفاقاً اگر جلو بروی نابودش کردی. ما اگر این ترس دشمن را جدی می‌گرفتیم، چقدر جلو می‌افتادیم؟ الآن چقدر اسرائیل از پهبادهای شما می‌ترسد؟ مرکز مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی می‌گوید:

برنامه پهپادی ایران خطرناک‌ترین تهدید برای اسرائیل است؛ زیرا ایران جرئت زیادی برای حمله به تمام اهداف در خاورمیانه پیدا کرده است. به موازات آن، ایران به بازوهای خود در مناطق مختلف کمک کرده و تجارب خود برای توسعه زرادخانه پهپادی را به آن منتقل می‌کند.<sup>۳</sup>

چند تا فیلم فاخر جهانی ساختیم که این ترس یهود از پهبادهای خودمان را منتقل کنیم؟ اصلاً چرا خدا از ترس دشمن برای من و شما می‌گوید؟ ترس عامل

۱ انفال، ۱۲.

۲ حشر، ۲.

۳ خبرگزاری فارس، پهبادهای ایرانی خطرناک‌ترین تهدید برای رژیم صهیونیستی، ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱، دسترسی در:

ضعف دشمن تو است. تو کافی است اقدام کنی، خدا می خواهد ما را برای اقدام انگیزه مند کند. در آیه دیگری دوباره خداوند متعال از این ترس یهود حرف می زند. می فرماید:

وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا؛ و خداوند گروهی از اهل کتاب (= یهود) را که از آنان (= مشرکان عرب) حمایت کردند از قلعه های محکمشان پایین کشید و در دل هایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می رساندند و گروهی را اسیر می کردید<sup>۱</sup>

امروز هم ما می توانیم آن ها را از قلعه های محکمشان پایین بکشیم، چرا می ترسیم؟ ترس را خدا در جان آن ها انداخته، بعد این بندگان خدا می ترسند. می گویند نکند ما را بزنند! مگر نمی بینید دارند تهدید می کنند؟ بابا! طرف ترسیده است. از سر ترس است که تهدید می کنند نه از سر قدرت.

این ترس برگ برنده ما است، هرچقدر که سیاستمداران ما در طول دوران انقلاب اسلامی، از دشمن ترسیدند و پا پس کشیدند و از این ظرفیت ترسی که در وجود دشمن است، بهره برداری نکردند، ما ضربه خوردیم. دشمن توانست ضربه بزند. قدرت بازدارندگی ترساندن دشمن آن قدر بالاست که با دست خودش گور خودش را می کند. کافی است او را بترسانی، هوس نمی کند به سمت شما بیاید.

## ۲. اختلاف شدید و نفرت از هم در جبهه دشمن

دومین نقطه ضعف دشمن چیست؟ فرمود:

الْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ما در میان آن ها تا روز قیامت عداوت

و دشمنی افکنندیم.»<sup>۱</sup>

از نظر جامعه‌شناسی، ضعفی بالاتر از این وجود ندارد که در یک جامعه دشمنی و نفرت وجود داشته باشد؟ الحمد لله قدرت وفاق ملی و هم‌دلی در جامعه ما بالا و بی‌نظیر است، هر چند دشمن دائم می‌خواهد القا کند نه این‌طوری نیست؛ اما همین قدر شما ببینید در یک جامعه یک گروه اندک بخواهند، تفرقه‌افکنی و نفرت پراکنی کنند، چقدر به جامعه یکدست ما آسیب می‌زند؟ حالا شما این حالت را در جامعه یهود ضربدر هزار برابر کن، آن‌ها چقدر آسیب‌پذیر هستند. از نظر سیاسی شما اوضاع رو کمی رصد کنید ببین چه خبر است. پنج انتخابات در کمتر از چهار سال در اسرائیل برگزار شده که همه محکوم به شکست بوده، حالا تازه دوباره نتانیاهو می‌خواهد سرکار بیاید. نخست‌وزیر فعلی اسرائیل گفت: «با این روند، قطعاً اسرائیل ۸۰ سالگی خود را نخواهد دید»<sup>۲</sup> چه جمله طلایی! حیف ما مشغول به مسائل دیگری شده‌ایم وگرنه این جمله باید در صدر اخبار ما قرار می‌گرفت، حواسمان را پرت کرده‌اند؛ تو رو خدا! شدت اختلاف و از هم‌پاشیدگی سیاسی را ببینید.

شاید بعضی‌ها بگویند آقا! این حرف‌ها چه ربطی به ما دارد؟ به خدا خیلی زشت است که مسئله اول دشمن شما ایران باشد؛ اما مسئله اول من و شما نابودی اسرائیل نباشد. مسائل امروز شما مثل گرانی تا اغتشاشات همه‌اش ربط به دشمنی اسرائیل دارد. فدای آن شهیدی بشوم، شهید لطفی نیاسر که در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «دوست دارم اگر می‌کشم صهیونیست بکشم و اگر کشته شوم به دست صهیونیسم کشته شوم.»<sup>۳</sup> تمام زندگی خودش را برای این هدف گذاشت و آخر هم سر رسیدن

۱ مانده، ۶۴.

۲ خبرگزاری فارس، صهیونیست‌ها درباره بقا و آینده اسرائیل چه می‌گویند؟/بنت: با این روند، قطعاً اسرائیل ۸۰ سالگی خود را نخواهد دید، دسترسی در: «<http://fna.ir/1sb193>»

۳ کانال شهید محمد مهدی لطفی نیاسر، دسترسی در: «[https://eitaa.com/Sh\\_MahdiLotfi/](https://eitaa.com/Sh_MahdiLotfi/)» ۳۵۰»



به این هدف، به دست اسرائیلی‌ها شهید شد.

عزیزم! همه این حرف‌ها به شما ربط دارد. چون او دست از سر شما برنمی‌دارد. تا شما را نابود نکند و البته هرگز نمی‌تواند چنین کند و شما چاره‌ای ندارید برای ماندن جز نابودی اسرائیل؛ این تنها راه‌حل مشکلات داخلی ما است. شما زیر پایه نظام سلطه را کشیدی وقتی اسرائیل را نابود کنی. اگر پای ما به قدس برسد، خیلی از معادلات قدرت تغییر خواهد کرد؛ خیلی از مشکلات جهانی ما حل خواهد شد. گاهی اوقات ما آن‌قدر سرگرم مسائل فرعی می‌شویم که از اصل ماجرا غافل می‌مانیم.

به خدا! حضرت زهرا (س) این‌قدر خوشحال می‌شوند از این بحث ما، ببین بچه‌ها نشستند پای درس دشمن‌شناسی، نقشه می‌ریزند برای نابودی اسرائیل. چقدر بلندهمت شده‌اند، صدای پای مهدی‌ام می‌آید.

### ۳. دشمن شما محکوم به ذلت و خواری است

اما سومین نقطه ضعف دشمن شما چیست؟ فرمود:

صُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ؛ مهر ذلت بر آنان خورده است.<sup>۱</sup>

کافی است ما کمی مقتدرانه و با عزت عمل کنیم. از قدیم یک ضرب‌المثلی هست که می‌گفتند فلانی روی پیشانی‌اش این بدبختی را نوشته‌اند. حالا به درست یا غلط بودنش کاری ندارم؛ اما این حرف درباره دشمن شما یعنی اسرائیل صادق است. روی پیشانی‌اش نوشته شده نابودی نابودی نابودی. فقط می‌دانی روش خدا برای نابودی دشمن چگونه است؟ دست می‌گذارد روی گلوی دشمن، می‌گوید تو بیا تمامش کن. خدایا! خب خودت تمامش کن. نه دیگه این کار شما است. درست

است که باطل مردنی است؛ اما این شما هستی که کار باطل مردنی را تمام می‌کنی. فرمود: «

بَلْ تُقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ؛ بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می‌شود!<sup>۱</sup>

خفت و خواری بالاتر از اینکه نمی‌توانند یک جمع کوچک را مدیریت کنند. طبق اخبار خودشان «۲/۵ میلیون اسرائیلی زیرخط فقر قرار دارند. گزارش نهادهای امداد رسان در اسرائیل: ۴۰ درصد از خانواده‌هایی که کمک دریافت می‌کنند، در سال جاری به دلیل ناتوانی در پرداخت قبض برق، با خاموشی مواجه بودند. گزارش سازمان امداد رسان اسرائیلی «لتیت»: یک چهارم خانواده‌ها در اسرائیل در آستانه سقوط به زیرخط فقر قرار دارند.»<sup>۲</sup>

ما با یک جمع پراکنده و ورشکسته مواجه هستیم. این جمع خودش رو به نابودی ایستاده است. این‌ها تنها بخشی از نقاط ضعف دشمن ما است. این حرف‌ها، شبیه گرم کردن قبل از وارد شدن به میدان مبارزه است و تحلیل وضعیت حریف قبل از مسابقه، با یک روحیه قوی برویم به سمت دشمن. دشمنی که آخرین نفس‌های خودش را می‌زند.

### فتنه زیر سر اسرائیل است

طرف حساب شما، این جماعت اغتشاشگر نیستند، طرف حساب شما، اسرائیلی است که در پشت‌صحنه دارد این اغتشاشات را مدیریت میدانی می‌کند. گاهی هم رسماً حمایت می‌کند کما اینکه پسر نتانیا هو هم به جمع حامیان

۱ انبیاء، ۱۸.

۲ میدل ایست نیوز، ۲/۵ میلیون اسرائیلی زیرخط فقر قرار دارند، دسترسی در: <https://b.09510n.ir/>

اغتشاشات ضد ایرانی پیوست.<sup>۱</sup>

طرحی در اسرائیل علیه ایران به تصویب رسید تحت عنوان «مرگ با هزار خنجر»، یعنی اسرائیل به جای اینکه با یک عمل بزرگ و مستقیم به ایران ضربه وارد کند، هزار اقدام کوچک انجام شود تا اجرایش آسان تر باشد، هم اثرش بیشتر باشد و هم از جهات مختلف و در زمینه‌های گوناگون به جمهوری اسلامی ایران ضربه وارد شود. حمله به سر اختاپوس؛ یعنی حمله به قلب تهران و خرابکاری و ترور در تهران و دیگر استان‌های کشور. نفتالی بنت در هفتم ژوئن با اشاره به دکترین اختاپوس گفت:

روزهایی که ایران مرتباً به اسرائیل آسیب می‌زند، موجب ایجاد ترس و وحشت در منطقه ما می‌شود و آسیبی نمی‌بیند، به پایان رسیده است. ما در همه‌جا و هرزمانی فعالیت می‌کنیم و به این کار ادامه خواهیم داد.<sup>۲</sup>

شما الان در این اغتشاشات اخیر، بازتاب آن نقشه و برنامه را می‌بینید. البته این را هم بگویم که بگذار هر چه می‌خواهند نقشه بکشند، خدا می‌فرماید:

وَ قَدْ مَكْرُوا مَكْرَهُمْ وَ عِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ؛ آن‌ها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار بردند؛ و همه مکرها (و توطئه‌هایشان) نزد خدا است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا برکنند!<sup>۳</sup>

جانم به این ادبیات خدا! دیگه نقشه بالاتر از اینکه بخوانند کوه‌ها را جا به جا

---

۱ کانال خبرگزاری فارس، دسترسی در: «<https://eitaa.com/farsna/>» ۱۷۴۶۳۶

۲ خبرگزاری ایسنا، شکست سیاست «هزار خنجر» اسرائیل در برابر توانمندی‌های هسته‌ای ایران، دسترسی در:

«[39isna.ir/xdlQ](https://39isna.ir/xdlQ)»

۳ آبراهیم، ۴۶.

کنند؟ می‌فرماید: «عِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ؛ مکرشان پیش من است».<sup>۱</sup>

### ما حاضریم چه کنیم؟

چرا علیه ما فتنه می‌کند؟ چون نابودی خودش را به دست ما می‌بینید و نمی‌تواند آرام بنشیند، حالا علیه این دشمن ما حاضریم چه کنیم؟ پیشنهاد خدا به ما چیست؟ می‌فرماید:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان]، آماده‌سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!<sup>۲</sup>

### قوی شدن تنها راه پیش روی ما است

قوی شدن تنها راه پیش روی ما است. دشمن که آمادگی برای ترسیدن دارد، پس با قدرتمند شدن او را بترسان. ما مسیری که انتخاب کردیم، مسیر قوی شدن است. ترس دشمن هم از همینجا است. دشمن می‌فهمد ما داریم معادلات قدرت را جا به جا می‌کنیم. این وحشتناک‌ترین اتفاق برای دشمن است که در حال رخ دادن است.

در سند دکترین امنیت ملی آمریکا، ایران در کنار چین و روسیه، به عنوان تهدید برای آمریکا مطرح شده است.<sup>۳</sup> قدرت چین اقتصادی است، قدرت روسیه نظامی است، ما چه قدرتی داریم که تهدید کننده منافع آمریکا است؟ نکند ما مسیر ابرقدرتمند شدن را طی می‌کنیم؟ نکند ما پا در کفش قدرتمندان کردیم؟ نکند ما

۱ همان

۲ انفال، ۶۰.

۳ خبرگزاری فارس، سند راهبرد امنیت ملی آمریکا درباره ایران چه می‌گوید؟ دسترسی در: «<http://fna.ir/\rtpoj>»

دست به گلوی استکبار گذاشتیم؟ شما بدانید هر وقت غرب و اسرائیل و آمریکا پنجه به صورت انقلاب اسلامی کشیدند، بدانید دارد اتفاقات بزرگی در ایران می افتد. آن‌ها فهمیده‌اند، نمی‌خواهند این مسیر ادامه پیدا کند.

مرکزی که جامعه را به سوی قدرتمند شدن در نظام ولایی می‌برد، مدیریت ولایت است. ولایت آن عامل قدرتمند شدن جامعه است. وقتی جامعه قوی شد دیگر حاضر نیست زیر چکمه و چتر قدرتمندان بماند. لذا همیشه با این نقطه کانونی دشمن مبارزه می‌کند. حضرت زهرا (س)، سعی کرد این نقطه کانونی قدرت جامعه؛ یعنی ولایت را حفظ کند. می‌فرمود:

وَ تَاللَّهِ لَوْ تَكَافَوْا عَنْ زَمَانٍ بَدَّهٖ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ، لَأَعْتَلَقَهُ؛ به خدا سوگند، اگر از گرفتن مهاری که پیامبر (ص) آن را به او (علی) سپرده بود، خودداری می‌کردند [دست بازمی‌داشتند]، مرکب خلافت با او انس می‌گرفت.<sup>۱</sup> وَ لَأَوْرَدَهُمْ مِنْهَا نَمِيراً رَوِيّاً صَافِياً فَضْفاً تَطْفُحُ ضِفَّتَاهُ؛ و آنان را بر سر آبی فراوان و گوارا و زلال و وسیع می‌برد که آب آن از دو طرف نهر لبریز باشد<sup>۲</sup>

---

۱ کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲ همان.



## جلسه پنجم:

### رسانه مهم‌ترین ابزار دشمنی یهود در آخرالزمان

#### غول رسانه در دست یهود

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دشمنی به نام یهود در آخرالزمان، رسانه است. رسانه ابزار دشمنی یهود با ما است. تمامی شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و کابلی آمریکا تقریباً به وسیله شش غول رسانه‌ای اداره می‌شوند و با توجه به اینکه این رسانه‌های آمریکایی مخاطبان زیادی در سراسر جهان دارند و در واقع تمامی اخبار، اطلاعات و برنامه‌های سرگرم‌کننده مردم جهان از طریق این رسانه‌های انحصاری تأمین می‌شود. وقتی بررسی می‌کنی می‌بینی مدیران ارشد تمام این شبکه‌ها یهودی هستند.<sup>۱</sup>

چگونه این ابزار رسانه در خدمت یهود قرار می‌گیرد؟ چند مرحله را طی می‌کند. گاهی دستگاه محاسباتی جوامع را تغییر می‌دهد، گاهی علاقه‌ها را تغییر می‌دهد، گاهی رفتارها را مدیریت می‌کند. امروز رسانه خیلی زیرکانه عمل می‌کند. رسانه به‌عنوان ابزاری دست دشمن چگونه عمل می‌کند؟ بین واقعیت‌ها و ذهنیت‌ها فاصله می‌اندازد.

---

۱ پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، تسلط رسانه‌ای صهیونیسم بر جهان، به نقل از مجله موعود مردادماه سال ۱۳۹۲ شماره

## آزادی شرط واقع‌بینی

ما بیشتر از اینکه واقع‌بین باشیم، اسیر ذهنیت‌های خودمان هستیم. همیشه یک فاصله بین واقعیت‌ها و ذهنیت‌های ما وجود دارد و کسی که اسیر ذهنیت‌های غلط خودش نسبت به خودش باشد، نمی‌تواند در زندگی موفق باشد. اگر ما از زندان ذهنیت‌های غلط خودمان نجات پیدا کردیم، زندگی را می‌توانیم تغییر دهیم. اسارت ذهنی خیلی بدتر از اسارت بیرونی است.

من الآن چه ذهنیتی نسبت به خودم دارم، من همان می‌شوم نه آن‌که هستم. اگر من در وجود خودم احساس ضعف کنم، من آدم ضعیفی می‌شوم هرچند در واقع می‌توانم قوی باشم یا حتی ممکن است قوی هم باشم.

### اسارت در ذهنیت‌های غلط بدترین نوع اسارت

اسارت ذهنی جامعه هم همین‌طور اتفاق می‌افتد، گاهی یک جامعه به اسارت می‌رود، اسیر ذهنی است. اسیر ذهنیت‌های غلطی است که رسانه‌ها برای او به وجود آورده‌اند، درحالی‌که واقعیت چیز دیگری است.

بیایم اسیر نباشیم، آزاد باشیم. برای واقع‌بینی باید اول آزاد بود و اسیر نبود و گرنه گاهی علاقه‌های درونی، ما را اسیر خود می‌کند و اجازه نمی‌دهد ما واقعیت‌ها را ببینیم. امیرالمؤمنین در نامه ۳۱ خطاب به جوانش امام حسن (ع) می‌فرماید:

لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ مبادا اسیر دیگران باشی، حال آنکه خالق تو را آزاد ساخته و آفریده است.<sup>۱</sup>

جوان را دیدی، یک روحیه آزادمنشانه دارد و زیر بار هرکسی نمی‌رود. راحت



خرج می‌کند. چرا فرمود:

شَابٌ سَخِي مُرَهَّقٌ فِي الذُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ؛ جوان سخاوتمندی غوطه‌ور در گناهان نزد خدا از پیر عابدی بخیل محبوب‌تر است.<sup>۱</sup>

البته شهوت‌رانی هم خودش یک نوع اسارت است؛ اما عرض این است شاید این سخاوت همان عدم اسارت است. اسیر جیش نیست. حتی اسیر جانش هم نیست. شهدای ما چقدر راحت در راه خدا بذل جان کردند. جوان روحیه آزادمنشی دارد.

چقدر خوب است این حال خوبش را حفظ کند. ببین تا آخر عمرت زیر بار هیچ‌کسی نرو، به این معنا که مراقب باش، هیچ ذهنیتی به تو تحمیل نشود و اسیر هیچ ذهنیت غلطی علیه خودت نشوی.

### نقش رسانه در اسارت ذهنیت‌های غلط

بدترین نوع اسارت، اسارت ذهنی است و رسانه‌ها هنری دارند در اسارت ذهن‌ها. گاهی رسانه به کمک علاقه‌های درونی، ترکیب علاقه‌های درونی، تقویت علاقه‌های درونی سطحی تأکید بر برخی علایق، سعی می‌کنند، واقعیت‌ها را خاموش کنند و ما را و جامعه ما را به اسارت خودشان ببرند و یک ذهنیت غلط درباره جامعه به ما بدهند که خروجی آن، ذهنیت غلط ما یا خودتحقیری و احساس ضعف و انکار واقعیت‌های وجودی خودمان است یا احساس یاس و ناامیدی که قاتل یک جامعه است.

## گاهی شعار آزادی رسانه‌ها، شعار به نفع اسارت جامعه است

گاهی شعار آزادی رسانه‌ها، در واقع شعار به نفع اسارت جامعه توسط رسانه‌ها است. اگر رسانه به نفع آزادی جوامع باشد، نباید علاقه و ذهنیتی که مطابق با واقع نیست، به آدم‌ها یا جوامع تحمیل کند. البته این تحمیل، زیرکانه و زیر زیرکی است. طوری است که تو فکر می‌کنی انتخاب کردی، در حالی که به تو تحمیل شده است.

مگر شیطان چه می‌کند که مردم حرف او را می‌پذیرند و تحت تأثیر او قرار می‌گیرند؟ قسم خورد و گفت: «لَا زَيْنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا عِوَابَهُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>۱</sup>

من از صنعت زینت کردن برای فریب دادن و اغوای انسان استفاده می‌کنم. خیلی این دو تا کلمه معنادار است. تمام عملیات روانی شیطان روی تزیین می‌گردد. شما کلاً مراقب باش، هر چیزی که رسانه تزیین کرد، شاید فریبی پشت سرش باشد.

## چگونه رسانه، جوامع را اسیر ذهنیت‌های غلط می‌کند؟

چگونه رسانه، جوامع را اسیر ذهنیت‌های غلط می‌کند؟ مثلاً گاهی درباره خوبی‌های زندگی غربی، آن قدر مبالغه‌آمیز صحبت می‌کند، زندگی را آن‌چنان زینت می‌دهد که شما و جامعه شما مرعوب آن زینت می‌شوید، بعد درباره خودت و جامعه خودت دچار خود تحقیری می‌شوید، لذا سریع قضاوت می‌کنیم اگر آن‌ها این طوری پیشرفت کرده‌اند، ما کی به آن‌ها می‌رسیم؟

قرآن می‌فرماید: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ؛ چشمت را خیره نکن، به آنچه که به آن‌ها داده‌ایم.»<sup>۲</sup> چه اثر روانی در این خیره شدن است؟ شاید یکی از آثار روانی خیره شدن به زرق و برق زندگی غربی، همین مرعوب شدن و دچار خودتحقیری

۱. حجر، ۳۹.

۲. حجر، ۸۸.

شدن است. آن‌ها که به چشم‌ت بزرگ آمدند، خودت و جامعه خودت کوچک می‌شوی.

شاید منظور از اینکه فرمود خیره نشو، این هم باشد که به ابعاد دیگر زندگی غربی نگاه کن، به فقری که در غرب است و آن را پنهان می‌کنند، به افسردگی‌ها و حال بدی که در زندگی غربی وجود دارد، به اخلاق و فرهنگ انسانی که در آنجا سقوط کرده است؛ اما هیچ‌گاه آن را در رسانه‌ها فریاد نمی‌کنند به آنجا هم نگاه کن. چرا فقط تک‌بعد به ماجرا نگاه می‌کنی؟ این یک فرم از اسارت رسانه هست که ذهنیت غلطی از سبک زندگی غربی به ما نشان می‌دهد، ما ناخودآگاه دچار خودتحقیری می‌شویم. هرچه خود داریم، فراموش می‌کنیم و نواقص اندکی که داریم را چندین برابر بزرگ‌تر می‌بینیم.

### شما ببینید رسانه در ماجرای خانم مهسا امینی چه کرد؟

گاهی با کوچک‌سازی یک خبر و گاهی با بزرگ‌سازی یک خبر، جامعه را اسیر ذهنیت‌های غلط می‌کنند. شما ببینید رسانه در این ماجرای خانم مهسا امینی چه کرد؟ بعد نسبت به اتفاقات مشابه این جریان چگونه رفتار می‌کند؟

خانمی داشت داخل پارک با پسر کوچکش راه می‌رفت. مرد هتاک با دشنام و توهین به استقبال این مادر و بچه رفت، خانم سراسیمه به پلیس زنگ زد. مرد جریمه شد. سپس در دادگاه، با ۱۸ ضربه چاقو، این خانم را به قتل رساند، به کدامین گناه این بانو کشته شد؟! حجاب. عکس‌العمل رسانه‌های اروپایی چه بود؟ حقوق بشر اروپایی چه شد؟

فقط ۱۶ سال بیشتر نداشت، موهای سرش را تراشیده بودند و همه ناخن‌های دست و پایش را کشیده بودند. تمام سر و بدنش به علت ضربات ناشی از شکنجه

کبود بود. او را شبانه به بیابان‌های اطراف روستا می‌برند و جلوی چشمان خودش برایش قبر، حفر کرده و او را زنده‌زنده دفن می‌کنند. ناهید شانزده‌ساله زنده‌زنده دفن می‌شود. به کدامین گناه این دختر نوجوان کردستان را کشتند؟!

### یک بام و دوهوای رسانه‌ها در بازتاب جرم و جنایت علیه زنان

آیا می‌دانیم آمار جنایتی که علیه زنان و دختران در غرب می‌شود، چیست؟ طبق آمار ۷۰ درصد زنان در شرق یا جنوب شرق اروپا از ۱۵ سالگی به‌نوعی خشونت را تجربه کرده‌اند. در آلمان بنا به آمار ارائه شده از سوی پلیس جنایی آلمان، خشونت‌های خانگی به‌طور متوسط، موجب می‌شود در هر سه روز یک زن جان خود را از دست بدهد. تنها در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۱۲۲ زن در این کشور بر اثر خشونت خانگی جان باخته‌اند. چرا در سکوت خبری این جرم و جنایات، علیه زنان اتفاق می‌افتد؟ چرا رسانه‌های غربی لال هستند از اینکه جنایات جامعه خودشان را فریاد کنند؟!

### دلیل این همه هیاهو چیست؟

حالا برسیم به اتفاقی که اخیراً در جامعه خودمان افتاده است. خانم جوانی، در مقر پلیس، از دنیا می‌رود که باید بررسی شود علت این اتفاق چه بوده است؟ البته تا به حال هیچ دلیلی بر قصور یا تقصیر پلیس پیدا نشده است؛ اما چرا این قدر هیاهو در جامعه به راه انداختند؟ همان رسانه‌های خفه شده درباره قتل و جنایت علیه زنان در غرب، حالا چرا زبان باز کردند و محکم روی موج احساسات جامعه، حکم می‌دهند؟! دلیل این همه هیاهو چیست؟ هنوز که هیچ چیزی مشخص نشده است.

چرا رهبران جناح خاص، بدون دلیل روی این موج احساسات جامعه، شروع به شلیک می‌کردند؟! اشک تماش می‌ریختند درحالی که خانم دیگری با چادر از

خیابان در حال عبور است، روی سر او بریزند، روسری از سر او بردارند، چرا آن‌ها سکوت می‌کنند؟ چرا این نباید فریاد شود، آن خبر باید فریاد شود؟!

### رسانه دست چه کسی است؟

رسانه دست چه کسی است؟ چرا این همه سکوت در برابر آن همه جنایات بزرگ و این همه فریاد در برابر این اتفاقی که هنوز مشخص نیست؟! چرا مرگ مهسا امینی خوراک رسانه‌ها می‌شود؛ اما از قتل ناهیدها خبری نیست؟ من شما را دعوت می‌کنم به تفکر درباره رفتار رسانه‌ها همین! این یک بام و دو هوایی عمل کردن رسانه‌ها، نشان می‌دهد که نه مهسا برای آن‌ها مهم است نه دلشان برای دختران جوان ما سوخته است. کاسه زیر نیم کاسه دارند. ای کاش ما آن کاسه زیر نیم کاسه آن‌ها را می‌دیدیم.

ابوسفیان بعد از اینکه امیرالمؤمنین مظلوم واقع شدند، به حمایت از حضرت آمد. گفت آقا! من حمایت می‌کنم، برو حقت را بگیر من هستم. گفت: «اگر بخواهی مدینه را علیه خلیفه از سواره و پیاده نظام پر می‌کنم؛ وَ إِن شِئْتَ لَأَمْلَأَنَّ الْمَدِينَةَ خَيْلاً وَ رَجُلًا عَلَى ابْنِ أَبِي قُحَافَةَ».<sup>۱</sup> حضرت به او فرمود: «ابوسفیان از کی تا به حال تو دل سوز اسلام شده‌ای؟!»<sup>۲</sup>

چرا نباید از این سیره زیبای امیرالمؤمنین (ع) برای شناخت دشمن درس بگیریم؟ چرا در دلسوزی رسانه‌های غربی شک نکنیم؟ چرا بخشی از جامعه ما نه تنها به دلسوزی بیگانگان شک نمی‌کنند، بلکه با آنان هم صدا می‌شوند؟ امروز رسانه‌های خبیث که ابزار دشمنی یهودند، مثل ابوسفیان عمل می‌کنند درحالی‌که برای آن‌ها مهسا مهم نیست، مهم چیز دیگری است که عرض خواهم کرد.

۱ بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۶۳۲.

۲ همان.

## تأثیرات ناخودآگاه رسانه عجیب و غریب است

تأثیرات ناخودآگاه رسانه عجیب و غریب است. اصلاً شما اراده نکردی، چنین تأثیری پذیری، خارج از اراده تو، برای تو برنامه‌ریزی می‌کنند و این اگر اسارت نیست، پس چیست؟

فکر می‌کنی خودت تصمیم گرفتی، خودت قضاوت کردی، نه این‌طوری نیست. این رسانه است که اگر حواست جمع نباشد، تمرکزت را به هم می‌زند، احساسات را برمی‌انگیزاند، تو را اسیر می‌کند، آن‌گاه نه تنها برایت نشان می‌دهد بلکه به جایت می‌بیند و قضاوت می‌کند. راه مبارزه، اندیشیدن و مدیریت احساسات است. فرمود:

عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيَجَبُّ بَطْنُهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُوَدِّعُ صَدْرَهُ مَا يَرْذِيهِ؛ شگفتا از کسی که در آنچه می‌خورد می‌اندیشد (که آیا این خوراک برای او سود دارد یا زیان) چگونه در آنچه باید بفهمد و بداند، نمی‌اندیشد (که آیا این علم موجب سعادت و نیکبختی او می‌شود یا بدبختش می‌گرداند)؟! پس شکمش را از آنچه به آن اذیت و آزار می‌رساند، بازداشته و دور می‌گرداند و سینه‌اش را می‌سپارد به آنچه آن را هلاک و تباه می‌سازد.<sup>۱</sup>

ما گاهی خوراک فکری‌مان را از رسانه‌ها بدون ملاحظه فواید یا مضرات آن، می‌گیریم. نتیجه چه می‌شود؟ اسارت در ذهنیت‌های غلط. که یکی از بدترین آثار نابودکننده و شکست‌دهنده انسان و جوامع است. بعد از خودتحقیری، جامعه در خط یاس می‌افتد، یاس از پیشرفت، یاس از حرکت، یاس از حل مسائل و مشکلات. «ما که نمی‌توانیم، مشکلاتمان را حل کنیم»، این بزرگ‌ترین دروغی است که

هرکسی که اسیر ذهنیت‌های غلط خودش شده، به خودش می‌گوید.

### مادرها و اسیر کردن بچه‌ها به یک علاقه خاص

مادران محترم! گاهی بچه‌ها را اسیر یک علاقه خاص می‌کنند، مادر خیلی باید خودش حر باشد. اسیر علاقه‌های خودش نباشد، وگرنه بچه را اسیر یک علاقه خاص تربیت می‌کند.

۷ سال اول فرمود: بچه‌ها آزاد هستند؛ یعنی فرمود پادشاه هستند. مهم‌ترین ویژگی پادشاه آزاد بودن است. یکی از معانی آزاد بودن این است که به بچه مادرها آزادی در علاقه بدهند و نگذارند بچه‌ها اسیر یک علاقه شوند. او را با علاقه‌های گوناگون آشنا کنند. مثلاً بچه‌ها غالباً با یک علاقه سرکار دارند. اسیر همان علاقه هستند یعنی خوردن. شما بیا بچه‌ها را با علاقه‌های دیگرش آشنا کن تا از اسارت این علاقه نجات پیدا کند. در قالب بازی، مثلاً علاقه به زیبایی و نفرت از زشتی را هم آموزش بده. پسرم دخترم علاوه بر علاقه به خوردن شما یک علاقه داری به زیبایی‌ها، نفرت داری از زشتی‌ها. این کار زیبا است این کار زشت است.

در خانه مادر دائماً اگر از یک علاقه خاص بگذرد، اثرش بیشتر است از لحاظ تربیتی تا اینکه پدر از ده تا علاقه خودش بگذرد، چون اثر تربیتی ما در صد برابر بیشتر از پدر است. بدترین نوع اسارات، اسارت ذهنی است. ریشه این اسارت ذهنی، اسارت در علاقه‌ها هست.

### جامعه آزاد از اسارت‌های ذهنی، جامعه اسیر ذهنیت‌ها

در ابعاد بزرگ‌تر ما یک جامعه آزاد داریم و یک جامعه اسیر داریم. اولین مرحله اسارت و آزادی جوامع، اسارت و آزادی در ذهنیت‌ها است. اگرچه در غرب شعار آزادی می‌دهند؛ اما مردم در غرب اسیر رسانه هستند. اسیر ذهنیت‌های غلطی که

درست شده است.

پیغمبر فرمودند: «وقتی امام زمان تشریف بیارند، شما را از اسارت در می آورند؛ یَخْرُجُ ذُلُّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ»<sup>۱</sup> و باید جامعه ما به این سمت حرکت کند. اسیر ذهنیت‌های غلط نشود.

### ما در چه شرایطی هستیم؟

شوم‌ترین اتفاق در اسارت ذهنی جامعه، این است که واقعیت‌ها را دیگر نمی‌تواند ببیند. واقعیت چیست؟ ما در چه شرایطی هستیم؟ فرمود: «الْعَالَمُ بِرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ؛ کسی که عالم به زمانش باشد، اشتباهات به او هجوم نمی‌آورد».<sup>۲</sup>

### صدای شکستن استخوان‌های تمدن غرب به گوش می‌رسد

واقعیت این است که ما در شرایطی هستیم که صدای شکستن استخوان‌های تمدن غرب به گوش ما می‌رسد، این حرف ما نیست، این تحلیل ما نیست، این شرایطی است که تحلیل‌گران غربی به ما می‌گویند، پس این صخره‌نوردی جامعه، کمی راهش هموار شده است.

ما چهل سال پیش در این شرایط نبودیم. چطور باید باور کنیم که الآن ما در یک جنگ تمدنی قرار داریم. اصلاً بحث مذاکرات هسته‌ای یک بحث فرعی است، اصل ماجرا این است که الآن انقلاب اسلامی، در یک مواجهه تمدنی با غرب قرار گرفته و تمام معادلات قدرت را در جهان بر هم زده است.

۱ الغیبه، ص ۱۸۵.

۲ کافی، ج ۱، ص ۲۷.



## غرب به رهبری آمریکا، آخرین نفس‌های خودش را می‌کشد

واقعیت این است که ما در شرایطی هستیم که غرب به رهبری آمریکا، آخرین نفس‌های خودشان را می‌زنند، آخرین زور خودشان را می‌زنند تا جمهوری اسلامی را به زمین بزنند و ما با همه این اوصاف سرپا ایستادیم. ما هستیم، ایران اسلامی هست.

تحریم‌های فلج‌کننده، با ما چه کرد؟ در این جنگ اقتصادی همه آسیب دیدیم، همه زخمی شدیم اما مقاومت کردیم و فلج نشدیم.

## اگر ما کوتاه بیاییم، نابود می‌شویم

واقعیت این است که ما در شرایطی هستیم که غرب از دشمنی با ما کوتاه نیامده است. اگر ما کوتاه بیایم، نابود می‌شویم. ما راهی را شروع کردیم که عقب‌گرد ندارد و آن راه، راه ابرقدرت شدن است؛ آن‌ها هم کوتاه نمی‌آیند، فرمود: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَسْبَغَ مِنِّيهِمْ؛ يَهُودُ وَ نَصَارَى هِرْكَزُ از تو راضی نمی‌شوند تا اینکه از آیین و روش آنان پیروی کنی.»<sup>۱</sup> باید مستعمره آن‌ها بشوی وگرنه آن‌ها تو را رها نمی‌کنند.

این‌ها واقعیت‌های زندگی ما است، چرا برخی می‌خواهند واقع‌بینی را کنار بگذارند؟ پس واقعیت بیرونی جامعه ما است. البته همه مشکلات را آگاه هستیم، بدون انکار این واقعیت، قضاوت می‌کنیم؛ اما حواسمان باشد، جنس مشکلات از جنس ابرقدرت شدن است. در کنار این مشکلات، تأثیر مقاومت خودمان در مقابل مشکلات را هم ببینیم. این‌ها راز عبور ما از مشکلات است، این‌ها راه عبور از مشکلات است.

## ما در مسیر ابرقدرت شدن هستیم

طبق پیش‌بینی‌های جهانی، ما در مسیر ابرقدرت شدن در حال حرکت هستیم. این آن واقعیتی است که نظام سلطه در حال پوشاندن آن است. این آن واقعیتی است که غرب‌گرایان چشم دیدن آن را ندارند. این آن واقعیتی است که نظام سلطه، سدسازی و مانع‌تراشی می‌کند تا ما مسیر ابرقدرت شدن را تمام نکنیم.

## قانون جذب کمک خدا

ما یک واقعیت بزرگی داریم به نام کمک خدا در مدیریت جامعه که مقابل دشمنان بشریت ایستاده و ایستادگی می‌کند. توان شما، به‌اضافه توان بی‌نهایت خدا شود، چه کسی می‌تواند مقابل شما بایستد؟

همین قدر ایستادگی واللّه معجزه است، ما در وسط یک معجزه بزرگ هستیم. کافی است چشم خودمان را باز کنیم، تمام جهان بیش از چهل سال، با تمام توان، علیه جامعه ما اقدام می‌کند؛ اما درنهایت نه‌تنها ما هستیم، بلکه ما خیلی قوی‌تر در حال رفتن به سمت ابرقدرت شدن هستیم.

جنس مشکلات ما، از جنس ابرقدرتمند شدن است، چگونه این مسیر را بدون مدیریت خدا، بدون قدرت خدا امکان دارد که سپری کرده باشیم؟

محال است که بدون کمک خدا، در برابر این دشمنی‌های بزرگ و مشکلات تاب آورده باشیم. این بودن ما و ماندن ما عجیب نیست؟

## کمک خدا هم بی حساب و کتاب نیست

اما کمک خدا هم بی حساب و کتاب نیست، باید برای این کمک خدا، قواعدی را رعایت کنیم و برای دریافت کمک خداوند، ظرفیتی را در خود و جامعه خود ایجاد کنیم. یکی از این قواعد، مقاومت است. اگر مقاومت کردی، خدا قدرت خودش را

جلسه پنجم: رسانه مهم‌ترین ابزار دشمنی یهود در آخرالزمان □ ۹۱

به اضافه قدرت شما می‌کند، اگر مقاومت نکردیم، از کمک خدا خبری نیست، خدا با هیچ‌کس تعارف ندارد، این قدرت خدا، به علاوه ملتی می‌شود که مقاومت کنند نه کوتاهی.

در قرآن جا به جا قانون جذب کمک خدا، مطرح می‌شود. چگونه خدا جامعه‌ای را کمک کرد تا از سخت‌ترین شرایط عبور کردند. قانون جذب کمک خدا این است که فرمود:

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فُلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ اگر خدا شما را کمک کند هیچ چیزی شما را شکست نمی‌دهد و اگر خدا شما را کمک نکرد، چه کسی بعدش شما را کمک می‌کند و مؤمنین باید بر خدا تکیه کنند.<sup>۱</sup>

خدا چقدر روشن با بندگانش حرف می‌زند، اگر می‌خواهید موفق شوید، باید روی کمک من حساب باز کنید، نه حتی امکانات خودتان.

در یکی از جنگ‌ها که اتفاقاً در صدر اسلام، جامعه اسلامی با آنکه بیشترین امکانات را داشت؛ اما شکست خورد. چون بیش از اندازه به امکانات تکیه زده بودند عوض تکیه زدن به خدا. می‌فرماید:

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً؛ یقیناً خدا شما را در میدان‌های فراوانی (بر دشمن) پیروز نمود. همان هنگامی که کثرت جمعیت شما، شما را به شگفت آورده بود. ولی آن کثرت جمعیت هیچ‌گونه شما را بی‌نیاز نکرد.<sup>۲</sup>

---

۱ آل عمران، ۱۶۰.

۲ التوبة: ۲۵

بنابراین یکی از واقعیت‌های دیگری که ما باید برای موفقیت خودمان و جامعه خودمان ببینیم، واقعیتی به نام کمک خدا، در سخت‌ترین شرایط است. این تجربه تاریخی ما است، منتها این کمک خدا، شامل حال چه جامعه‌ای می‌شود؟ جامعه که قدرت خودش را سرمایه خودش را وسط میدان بیاورد. بعد خدا به ملائکه می‌فرماید ملائکه من، کمک کنید. این قدرت به علاوه قدرت خدا، عامل موفقیت جامعه می‌شود.

این‌ها واقعیت‌های است که در جامعه در حال انکار است؛ زیرا اسارت‌های ذهنی اجازه دیدن این واقعیت‌ها را نمی‌دهد.

### ویژگی مردم مدینه در بیان فاطمی، عامل شکست در جنگ رسانه‌ای

در یک جنگ رسانه‌ای اگر مردم یک ویژگی داشته باشند، این مردم شکست خواهند خورد و نمی‌توانند مقاومت کنند. حضرت زهرا (س) فرمودند:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ؛<sup>۱</sup> ای مردمی که دو ویژگی، شما را نابود کرده و به تباهی کشانده است؛ یکی اینکه وقتی حرف غلط می‌شنوید، سریع‌تر از حرف درست می‌پذیرید، دیگر اینکه سخن باطل بیشتر در یاد شما می‌ماند و زبان‌به‌زبان بین شما نقل می‌شود (لذا با شایعه می‌شود شما را اداره کرد و در میان شما، موج ایجاد کرد و می‌شود جو سازی کرد).

الان هم شما در فضای مجازی نگاه کنید، اگر یک حرف چرت و غلط را بگویید، چندین برابر از یک حرف سالم و درست، در این فضا می‌چرخد و نقل می‌شود. البته معلوم است که این قبیل افراد، معمولاً حرف باطل محض نمی‌زنند، بلکه حرف حق و باطل را باهم قاطی می‌کنند فرمود: «يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ

<sup>۱</sup> الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۶.

هَذَا ضِعْتُ فِيمَرْجَانٍ»<sup>۱</sup>.

الآن در همین فتنه اخیر چقدر دروغ گفتند؟! طبق آمار هر ۱۰۰ ثانیه یک دروغ گفتند<sup>۲</sup> و بدتر اینکه چقدر این دروغ پذیرفته شد در جامعه؟! در مدینه چه دروغ‌ها که نگفتند و مردم پذیرفتند. قرآن می‌فرماید بعضی‌ها این روحیه را دارند که دروغ می‌شوند. «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ». آن حرف باطلی که در مدینه گرفت، این بود که پیغمبر جانشینی برای خودش قرار نداده، پیغمبران از خود ارث نمی‌گذارند. مقابل غدیر، یک جریان انحرافی ایجاد کردند. گلایه حضرت زهرا (س) این بود که چرا سریع رفتید سراغ جریان انحرافی.

---

<sup>۱</sup> کافی، ج ۱، ص ۵۴.

<sup>۲</sup> خبرگزاری فارس، دستوری در: «<https://eitaa.com/farsna/۱۷۳۴۶۴>»

<sup>۳</sup> مائده، ۴۱.



## جلسه ششم:

### نصرت خدا؛ مهم‌ترین نقطه قوت ما

#### اهمیت دیدن نقاط قوت در میدان مبارزه با دشمن

ما گفتیم در دشمن شناسی، دیدن نقاط قوت خودمان و دیدن نقاط ضعف دشمن، مهم‌تر از دیدن نقاط ضعف خودمان و دیدن نقاط قوت دشمن است. البته این حرف به این معنا نیست که به نقاط ضعف خودمان مقابل دشمن، نگاه نکنیم یا به نقاط قوت دشمن نگاه نکنیم؛ اما تمرکز ما باید روی این دو بخش اصلی باشد: یکی نقاط ضعف دشمن را ببینیم، چون اساساً دشمن شما ضعیف است. این برای افزایش روحیه ما خیلی عالی است. دوم اینکه ما باید نقاط قوت خودمان را مقابل دشمن ببینیم، تا بتوانیم با حفظ روحیه، علیه دشمن اقدام کنیم. مهم‌ترین نقطه قوت ما در مقابل دشمن چیست؟ امکانات ما است؟ ما همیشه در طول تاریخ، امکاناتمان نسبت به دشمن کمتر بوده است جز موارد انگشت شمار. امروز هم شعور جهان به این رسیده است که فقط امکانات نظامی، نمی‌تواند به تنهایی، عامل موفقیت در جنگ باشد. چیزی که به آن تعبیر می‌کنند از قدرت سخت، مهم‌تر از قدرت سخت، قدرت نرم است.

قدرت نرم یک جامعه، به چیست؟ قدرت نرم جامعه، به نیروهای با اراده‌های قوی و پرانگیزه است. درست است ما همیشه هم از لحاظ نیروی انسانی، در اقلیت بودیم و از لحاظ امکانات حداقل امکانات را داشتیم؛ اما مهم‌ترین نقطه قوت ما که

دشمن روی آن نمی‌تواند حساب باز کند و دوستان نادان هم البته نمی‌توانند روی آن حساب باز کنند، یاری و کمک خداوند است. این واقعیتی است که باید کسانی که در میدان مبارزه با دشمن هستند، خیلی روی آن حساب باز کنند.

### چرا نصرت خدا، مهم‌ترین نقطه قوت ما در مقابل دشمن است

در موازنه قدرت با دشمن، کدام عامل مهم‌ترین عامل قوت ما است؟ نقطه کانونی قدرت ما کجا است؟ اصلی‌ترین نقطه قوت ما کجا است؟ نصرت خدا. خداوند متعال در آیه قرآن، این نصرت خودش را به رخ مؤمنین می‌کشد. حتی جایی که مؤمنین امکانات فراوانی هم دارند، بدون نصرت خدا، امکانات فراوان عامل پیروزی بردشمن نیست.

بعد از فتح مکه توسط رسول خدا (ص)، دو قبلیه از ترس اینکه مبدا مسلمان‌ها سراغ آن‌ها بیایند، علیه پیغمبر اعلان جنگ کردند. پیامبر به همراه ده هزار تن از یارانش که در فتح مکه با حضرت بودند و دو هزار نفر از تازه مسلمانان مکه، برای جنگ از مکه بیرون آمدند.<sup>۱</sup> یعنی جمعاً ۱۲ هزار نفر، نیروی انسانی پیغمبر در این جنگ بود. این یک عدد عجیب و غریب در جنگ‌های پیغمبر است. مسلمانان وقتی این جمعیت را دیدند، خیلی خوشحال شدند؛ طوری که یادشان رفت، در جنگ‌های گذشته روی جمعیت حساب باز نمی‌کردند، روی نصرت خدا حساب باز می‌کردند. الآن روی کثرت جمعیت خودشان حساب باز کردند. اینجا است که خداوند می‌فرماید:

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَ لَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ؛ خداوند شما را در جاهای

۱ ویکی شیعه، غزوه حنین، دسترسی در:



جلسه ششم: نصرت خدا؛ مهم ترین نقطه قوت ما □ ۹۷

زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید) و در روز حنین (نیز یاری نمود) در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد. سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید!<sup>۱</sup>

### دشمنی مردنی است و با صورت به زمین افتاده است

خدا مهم ترین نقطه قوت سپاه اسلام را در مقابل دشمن، نصرت خودش مطرح می کند. در سوره محمد (ص) به شکل دیگری باز این نقطه قوت را خدا با ما در میان می گذارد. می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَجِبَ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید؛ یعنی دین خدا را، خدا شما را یاری می کند و جا پای شما را محکم می کند.<sup>۲</sup>

بعد جبهه دشمن را این طوری ترسیم می کند و می فرماید:

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ؛ و کسانی که کافر شدند، با صورت به زمین می افتند! و اعمالشان نابود باد!

جانم به این ادبیات خدا! ببینید از چه موضعی با نیروهای کف میدان خودش حرف می زند! انگاری فرماندهی در میدان، نیروها را جمع کرده و شرح عملیات می دهد و موقعیت دشمن را این طوری بیان می کند. علامه طباطبایی چقدر قشنگ این آیه را توضیح می دهد، می فرماید:

و کلمه "تعس" به معنای سقوط انسان و افتادن با صورت و به همین حال ماندن

۱ توبه، ۲۵.

۲ محمد، ۷.

است. در مقابل آن "انتعاش" است که به معنای سر پا ایستادن و بدین وجه نیفتادن است. پس معنای «تعسا لهم» این است که کفار بیفتند این قسم افتادن. و این جمله و جمله بعدش، نفرین بر کفار است و ممکن است نفرین نباشد، بلکه به طور کنایه خبری باشد از آینده کفار و اینکه اثر اعمالشان خنثی خواهد شد؛ چون انسان عاجزترین هنگامش، هنگامی است که با صورت به زمین افتاده باشد.<sup>۱</sup>

یک نفر را دیدی با صورت به زمین افتاده است؟ خدا جبهه دشمن را در ضعف و سستی، به چنین حالتی تشبیه می‌کند. از بیرون به ماجرا نگاه کنید چقدر این جمله خدا به ما جان تازه می‌دهد؟ بعد خدا برای اینکه من و شما باور کنیم که خدا پای حرفش ایستاده است، می‌فرماید:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ  
لِلْكَافِرِينَ أَثْمَالُهَا؛ آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان  
بودند چگونه بود؟! خداوند آن‌ها را هلاک کرد و برای کافران امثال این مجازات‌ها  
خواهد بود!<sup>۲</sup>

یک گشتی بزن، دور دنیا بگرد، ببین خدا با دشمنان چه کرده است؟ خدا آن‌ها را نابود کرده است. بعد می‌فرماید: «لِلْكَافِرِينَ أَثْمَالُهَا؛ برای کافران، امثال این مجازات‌ها خواهد بود!»<sup>۳</sup> حالا چرا این طوری است که مؤمنین نصرت خدا را دارند و جای پایشان محکم است و کافران با صورت به زمین خوردند؟<sup>۴</sup> می‌فرماید:

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ؛ اینکه این‌ها نصرت خدا

۱ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۴۷

۲ محمد، ۱۰.

۳ همان.

۴ علامه طباطبایی: «کلمه "ذک" اشاره به مطالب قبل یعنی نصرت مؤمنین و هلاکت و سوء عاقبت کفار است.

«ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۴۸»

جلسه ششم: نصرت خدا؛ مهم ترین نقطه قوت ما □ ۹۹

را دارند و آن‌ها فعالیت‌هایشان نابود است. برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند؛ اما کافران مولایی ندارند!

خدا در این آیه چه می‌فرماید؟ مهم ترین نقطه قوت مؤمنین در مقابل کافرین چیست؟ می‌فرماید: «مؤمنین مولا دارند. کافرین مولا ندارند.» دیگر در این عالم نقطه قوتی بالاتر از این سراغ دارید؟ شما وصل به منبع قدرت هستید. آن‌ها به جایی وصل نیستند. قدرشان را از کجا بگیرند؟

### نصرت خدا، در عرصه علمی

انقلاب اسلامی، از روز اولی که شکل گرفت، مهم ترین نقطه قوتش این بوده است. که هرچقدر زحمت کشیدند، نقشه کشیدند در طول این چهل سال، بی‌اثر شده است. خدا می‌گوید من نابود می‌کنم. هزاران طرح می‌ریزند برای براندازی، برای ضربه زدن، برای نابودی جمهوری اسلامی، چطور خنثی می‌شود؟ نقش خدا در خنثی سازی توطئه دشمنان چقدر است؟ بعد نقش خدا در پیشرفت چهل ساله انقلاب اسلامی بی‌نظیر است. والله معجزه هست ما که وسط این همه دشمنی‌ها هستیم، والله معجزه است. ما عادی پیشرفت نمی‌کنیم ما تصاعدی و جهشی پیشرفت می‌کنیم؟ چرا؟ فرمود شما بیاید پای کار خدا و اسلام، کار شما ضریب پیدا می‌کند. جهشی پیشرفت می‌کنید. خدا راه را برای شما روشن می‌کند. فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup>. خواهش می‌کنم بروید بنشینید پای حرف‌های دانشمندان ما؛ کسانی که با جهاد علمی خودشان، واکسن کرونا را تولید کردند؟ شما فکر می‌کنید به این سادگی این اتفاق بزرگ افتاد؟

۱ محمد، ۱۱.

۲ عنکبوت، ۶۹.

آن دانشمند<sup>۱</sup> خودش می‌گوید چطور وسط آن همه نه گفتن‌های از خارج، مسخره کردن‌های داخلی، ما توانستیم به این دستاورد بزرگ جهانی برسیم! البته که ما دست تنها نبودیم، دست خدا بالای سر ما بود. چرا که فرمود شما جهاد کنید، من نه یک راه، چند راه جلوی پای شما می‌گذارم و من خدا شما را تنها نمی‌گذارم با محسنین هستم. حالا ما چقدر در محاسبات خودمان برای درک این واقعیت و بیان آن برای مردم وقت گذاشتیم؟ خواهش می‌کنم مصاحبه آقای حسن جلیلی مدیر واکسن برکت را بروید در سایت رهبری بخوانید،<sup>۲</sup> نصرت علمی خدا را در تولید واکسن برکت می‌بینید.

شما فکر نکنید صنعت تولید واکسن به این سادگی‌ها است. واکسن مهم نیست، می‌خواهیم قدری نصرت علمی خدا را در انقلاب اسلامی ببینیم. ایشان به عنوان یک دانشمند در این عرصه می‌گوید:

واکسن چهارراه علم دانش بشری است؛ یعنی برای توسعه یک واکسنف علوم متفاوتی (داروسازی، بیوتکنولوژی، بیوشیمی، میکروبیولوژی و ویروس‌شناسی) باید دخیل شوند تا یک واکسن تولید شود. ما اکنون جزو ده کشور اولی هستیم که توانستیم ادعا کنیم واکسن کرونا را تولید کردیم و توانایی تولید انبوه آن را داریم.

حالا مسیر رسیدن به این شکوه علمی چگونه بود؟ اولاً این واکسن به دست جوان‌های ما تولید شده است. بعد می‌گوید:

در تشکیل هسته پژوهشی برای کار بر روی واکسن، جوانانی با متوسط سنی سی تا سی‌ودو ساله حضور داشتند و تیم تحقیقاتی را شکل دادند. من در همه این

۱ دکتر حسن جلیلی، مدیر عامل کارخانه شفا فارمد.

۲ سایت مقام معظم رهبری، گفتگو با مسئول گروه تحقیقاتی تولید واکسن ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، دسترسی

## جلسه ششم: نصرت خدا؛ مهم‌ترین نقطه قوت ما □ ۱۰۱

فعالیت‌ها، به‌نوعی شاهد و ناظر بودم و هیچ‌وقت از این جوانان کلمه «نمی‌توانم» را نشنیدم.<sup>۱</sup>

در جلسه دیگری ایشان از چه شب‌بیداری‌هایی از این جوان‌ها، از مریض شدن‌ها، از مسخره شدن‌ها حرف می‌زدند؛ اما ما در اوج کرونا و قحطی واکسن به کجا رسیدیم؟ ایشان می‌گوید:

هفت کشور دنیا از ما تقاضای خرید واکسن داشتند. بعضی از کشورها مکاتبه کردند و بعضی‌هایشان هم تماس گرفتند و درخواست واکسن کردند.<sup>۲</sup>

اگر نصرت خدا، نبود، آیا ما به این نقطه علمی می‌رسیدیم، جهشی در علم پیش می‌رفتیم؟ «بر اساس آمار پایگاه‌های استنادی بین‌المللی، ایران دارای سریع‌ترین نرخ رشد علمی در جهان و ۱۱ برابر میانگین جهانی است.»<sup>۳</sup> البته این سرعت در سال‌های اخیر کمی کند شده است؛ اما این شتاب اعجاب‌آور است؟ بوی نصرت خدا را آدم در این جهش علمی استشمام می‌کند. این هم یادمان نرود که نصرت خدا هم بی حساب و کتاب نیست، از تو حرکت است و از او نصرت و برکت.

### نصرت خدا در عرصه دفاعی و موشکی

یکی از عرصه‌های نصرت خدا، نصرت در میدان دفاع و رزم است، این یک واقعیتی است که هر چشمی قدرت دیدن آن را ندارد؛ اما واقعیت است. شما ببینید ما در صنعت دفاعی خودمان، به چه دست آوردهای عجیبی رسیدیم؟ اصلاً این دستاوردها عادی و طبیعی نیست. شبکه آمریکایی «تی‌جی‌آرتی» ترکیه در خصوص

---

۱ همان.

۲ همان.

۳ خبرگزاری تسنیم، ایران دارای سریع‌ترین نرخ رشد علمی در جهان، دسترسی در: «<https://tn.ai/۲۶۵۸۳۵۷>»

پیشرفت نظامی و پهپادهای ایران گفت:

چه کسی می‌توانست تصور کند ابرقدرتی مثل روسیه سراغ ایران برود و از آن‌ها موشک، سلاح و پهپاد درخواست کند؟! ایران جزء ده کشور پیشرفته دنیا در ساخت انواع موشک‌ها و متخصص در ساخت پهپادها می‌باشد.<sup>۱</sup>

در دفاع مقدس، قدم به قدم ما نصرت خدا را با ملت خودمان و انقلاب خودمان می‌دیدیم.<sup>۲</sup> این نصرت خدا گاهی از آستین اولیای خدا بیرون می‌آید. حاج قاسم گفت: «هر وقت در سختی‌های جنگ فشارها بر ما حادث می‌شد، وقتی که به صورت مضطر کاری از ما بر نمی‌آمد، پناهگاهی جز زهرا (س) نداشتیم، پناهگاه ما نیز حضرت زهرا (س) بود.» بعد می‌گوید: «در عملیات کربلای ۵ هم وقتی در آن غروبی که اضطرار داشتیم و مضطر بودیم، نگاهی به آب‌ها می‌کردیم، آن وقت هم سرمان را بر دژ گذاشتیم و عاجزانه او را صدا کردیم. من قدرت زهرا (س) و محبت مادری او را در هور دیدم، در قلب کانال ماهی دیدم، در وسط میدان مین دیدم، وقتی شما مادرها نبودید و بچه‌هایتان در خون دست و پا می‌زدند او را دیدم.»<sup>۳</sup> در روایت هم داریم که یکی از القاب حضرت زهرا(س) منصوره است. فرمود: «الْمَنْصُورَةُ فِي السَّمَاءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ؛ او بانویی است که در آسمان مشهور به منصوره است و در زمین فاطمه نامیده می‌شود.»<sup>۴</sup>

ای کاش این نصرت‌های عینی خدا در انقلاب اسلامی، به عنوان تجربه محقق

۱ خبر آنلاین، شگفتی شبکه آمریکایی ترکیه از پیشرفت نظامی ایران؛ پهپادها سوژه اصلی، دسترسی در: «

khbaronline.ir/xjmCS

۲ فاش نیوز، پایگاه خبری و تحلیلی فرهنگ ایثار و شهادت، مادری حضرت زهرا (س) برای حاج قاسم، دسترسی

در: «<https://b2n.ir/b۵۷۱۹۸>»

۳ همان.

۴ معانی الاخبار، ص ۳۹۷.

جلسه ششم: نصرت خدا؛ مهم‌ترین نقطه قوت ما □ ۱۰۳

شده بین مردم ما دست به دست می‌چرخید. بعد می‌دیدید مردم ما چه روحیه پیدا می‌کردند. شهید «حسن طهرانی مقدم» که عنوان پدر موشکی ایران به وی اختصاص داده شده، از جمله فرماندهانی است که به خاطر نوع ماموریتش کمتر خاطره یا ذکری از او وجود دارد. همین بر رازآلود بودن شخصیت وی افزوده است. به تازگی آقای مهدی بختیاری کتابی تحت عنوان «با دست‌های خالی» حاوی خاطراتی از شهید حسن طهرانی مقدم را جمع‌آوری کرده و انتشارات یازهرا (س) آن را منتشر کرده است. در خاطرات ایشان است که نقل می‌کنند:

روی تمام موشک‌ها آیه شریفه «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»<sup>۱</sup> را می‌نوشت و به این موضوع اعتقاد قلبی داشت و این هم تنها یک شعار نبود که فقط یک ذکری نوشته باشند. وقتی هم که توپخانه را راه انداخت، همین آیه را بالای آرم توپخانه نوشتند. همه موشک‌ها را با وضو و توسل شلیک می‌کرد. البته تخصص هم داشتند؛ اما در نهایت می‌گفتند خدایا، ما به عنوان وسیله عمل می‌کنیم و تو هستی که ما را به هدف می‌رسانی. در توپخانه هم همین اتفاق افتاده بود. دیده‌بان می‌گفت مثلاً فلان جا را بزن، می‌گفت بغلش مدرسه است ممکن است آنجا بخورد؛ اما حسن می‌گفت: «ما رمیت» رو مگه بلد نیستی؟ بخوان و بزن.<sup>۲</sup>

این یعنی روی نقطه قوت خودمان ایستادیم. بعد نصرت خدا را با خودت همراه می‌کنیم. دشمن که نصرت خدا را ندارد. این نقطه قوتی است که تو فقط می‌توانی از آن استفاده کنی نه دشمن.

رشته حاجی شیمی نبود. در مقطعی ما روی سوخت موشک کار می‌کردیم. کار نفر اصلی پروژه به مشکل برخورد. بنده خدا ناگهان دست ما را گذاشت در پوست گردو

۱. انفال: ۱۷

و همکاری اش را قطع کرد. هر مدیری بود، پروژه را منتفی می‌کرد. یادم هست، حاجی فوراً رفت نمازخانه مجموعه را تغییر کاربری داد و یک جای کوچک‌تری برای نمازخانه پیش‌بینی کرد. نمازخانه تبدیل شد به آزمایشگاه خودش. در کمال تعجب و کنجکاوی شاهد بودم که حاجی چند صد نمونه را در زمانی کوتاه تست کرد. اینقدر تست کرد تا خودش مبدع یک سوخت جدید شد. سوختی برتر از آن چیزی که آن بنده خدا قرار بود بسازد. این کار را در حالی انجام داد که رشته ایشان شیمی نبود. چه کسی فکر می‌کرد او که از مسائل شیمی دور است، مبدع یک سوخت جدید بشود.<sup>۱</sup>

چطور این اتفاق می‌افتد، کسی که رشته‌اش شیمی نیست، سوخت جدید اختراع کند؟! نصرت الهی را به هر کاری بزنی، کارستان می‌کند. بعد چقدر بلند همت بود، می‌گفت: «نابود کردن اسرائیل فقط به دست شیعه است. خود اسرائیلی‌ها هم متوجه شده‌اند و دارند کار می‌کنند، ما هم نباید بیکار بنشینیم.» هر کاری و هر طرحی که ما داشتیم، در راستای این هدف بود. تمام هدف حاج حسن این بود که عزت شیعه را افزایش بدهد. معتقد بود این کاری نیست که فرقه‌ها و مذاهب دیگر بتوانند انجام بدهند. یک هفته قبل از شهادتش، در جلسه‌ای گفت: «روی قبرم بنویسید که این آدم می‌خواست اسرائیل را نابود کند.» برخی به اشتباه گفته‌اند این جمله در وصیت‌نامه ایشان بوده که این گونه نیست. درخواست شفاهی بود.<sup>۲</sup>

چند تا فیلم ساختیم تا این اسطوره علمی امنیتی خودمان را به بچه‌های دهه هشتادی نودی معرفی کنیم؟ انیمیشن این شخصیت کجاست؟

در یک جمع بندی آنچه تا به حال گفتیم این است که نقطه قوت کانونی ما که

---

۱ همان.

۲ همان.



جلسه ششم: نصرت خدا؛ مهم‌ترین نقطه قوت ما □ ۱۰۵

دشمن آن را ندارد، این است که نصرت خدا با ما است، این نصرت خدا در انقلاب اسلامی توسط مردم ما و میدان‌داران جهاد علمی تا عرصه موشک بارها تجربه شده است. منتها نصرت خدا هنوز به عنوان قدرت کانونی ما در مقابل دشمن، تبیین نشده است. وقتی ما نقشه راه را در دست داشته باشیم، این نصرت را می‌گردیم پیدا می‌کنیم. فقط کافی است این نصرت را برای مردم خودمان تبیین کنیم. دشمن روحیه مردم را می‌خواهد ضعیف کند، یاس پراکنی کند. حالا کدام لشکر است که در مقابل او قیام کند و نگذارد دلسردی برای مردم پیش بیاید. کافی است ما همین واقعیت‌ها را برای خانواده خودمان، همکار خودمان، تبیین کنیم. نفر به نفر، سینه به سینه نگذاریم.

### حضرت زهرا (س) با قرآن به تنهایی جهاد کبیر انجام دادند

ما وقتی که به کلمات حضرت زهرا(س) مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم حضرت در صدد این هستند که یک مبارزه تمام عیار انجام دهند. حضرت زهرا(س) با استفاده از آیات قرآن، جهاد کبیر می‌کنند، به وسیله آیات قرآن موضوع روز را مشخص می‌کنند، خط انحرافی را مشخص می‌کنند، حق را نشان می‌دهند و این کار را به تنهایی انجام می‌دهند. همان طور که خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبرش می‌فرماید: «با قرآن جهاد کبیر انجام بده؛ وَ جَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا»<sup>۱</sup>. دختر پیغمبر، پاره تن پیغمبر با قرآن جهاد کبیر می‌کند. شما خطبه‌های حضرت زهرا(س) را نگاه کنید پر است از آیات قرآن، حضرت زهرا(س) بار یک امت را در دفاع از حق برمی‌دارد و به هیچ جریانی نگاه نمی‌کند. زنی که فرمود: «بهترین موقعیت برای زن وقتی است که نه نامحرمی او را ببیند و نه او نامحرمی را ببیند؛ خَيْرُ النِّسَاءِ اَنْ لَا يَرَيْنَ

الرَّجَالُ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ»<sup>۱</sup>؛ چنین خانمی بلند می‌شود راه می‌افتد برای جهاد تبیین. تا مسئله را برای مردم روشن کند و آن‌ها را به مسیر درست برگرداند. حضرت زهرا (س) می‌خواهد به تنهایی یک موج عظیم را برگرداند؟ بله. اگر بچه‌های ما یاد بگیرند که مقابل باطل یک نفر هم بودند، بایستند آن وقت هیچ کس نمی‌تواند پرچم باطل را بلند کند.

### در جهاد کبیر برخلاف جهاد اصغر می‌توانی به تنهایی به خط بزنی

یکی از تفاوت‌های جهاد کبیر با جهاد اصغر چیست؟ شما اگر در جهاد اصغر نیرو نداشته باشید تکلیف هم ندارید، همان طور که امیرالمؤمنین خانه نشین شدند به خاطر اینکه نیرو نداشتند؛ اما در جهاد کبیر این طوری نیست. در جهاد کبیر خدای متعال می‌گوید قل. اصلاً از این به بعد روی کلمه «قل» حساس باشیم، بگوییم «قل یعنی جهاد کبیر». می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى؛ بگو شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.<sup>۲</sup>

پیغمبر بگو. در مقام تبیین برای خدا باید قیام کرد حتی اگر یک نفر باشید. آقا یک نفری که کشته می‌شویم، تمام می‌شود می‌رویم؟ خب کشته شویم، حضرت زهرا(س) کشته شد رفت. آیا تمام شد، وقتی کشته شد؟

جهاد تبیین نه اینکه امروز برای ما واجب شده باشد، همیشه خدا بوده است؛ اما امروز چون پدیده انحراف افکار و اذهان و دل‌های مردم بیشتر شده است، تکلیف جهاد کبیر سنگین‌تر از گذشته است. مثلاً اینکه می‌گوید خسته شدیم و نمی‌خواهیم

۱ مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳.

۲ سبأ، ۴۶.

جلسه ششم: نصرت خدا؛ مهم‌ترین نقطه قوت ما □ ۱۰۷

انقلابی باشیم، ما نمی‌خواهیم مبارزه کنیم، این دیگر مشکلی ذهنی ندارد، بلکه مشکل دلی دارد. این دیگر میلش به مبارزه نیست، میلش به راحتی و رفاه است، این میلش عوض شده است. دیگر از تلاش و مبارزه خوشش نمی‌آید، اینجا میدان جهاد تبیین است.

حضرت زهرا (س) در چنین شرایطی قرار داشتند، او باید راه بیفتد تک و تنها، فریاد بزند، حرف حق را بگوید، باطل را رسوا کند. خود امیرالمؤمنین هم همین طور. نه اینکه سکوت کنند، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) هم در جای خودشان دفاع کردند. وقتی مردم بیایند دفاع کنند، این مانع می‌شود از اینکه همه مردم میلشان عوض شود. یک عده‌ای هم اگر نمی‌توانند اعتراض کنند و از اراذل و اوباش بنی اسلم بترسند، از تازیانه بترسند، لااقل در دلشان بگویند «حق با زهرا (س) و امیرالمؤمنین است.» وقتی حکومت سه خلیفه تمام شد، رفتند سراغ امیرالمؤمنین. درست است با انگیزه سالمی سراغ امیرالمؤمنین نرفتند، ولی چرا رفتند؟ چرا مردم سراغ گزینه‌های دیگری که بودند، نرفتند؟ چون این‌ها از اول هم می‌دانستند حق با علی (ع) است. این‌ها از اول هم می‌دانستند هیچ‌کسی مثل امیرالمؤمنین نمی‌تواند مدیریت کند.

### حضرت زهرا (س) شهیده جهاد تبیین

یک وقتی فکر نکنید قصه شهادت حضرت زهرا (س) یک اتفاقی بود افتاد، نه خیر اتفاق نبود. اگرچه نمی‌توانند با امیرالمؤمنین مقابله کنند، ولی با فاطمه اطهر (س) مقابله می‌کنند، به خاطر تیغ زبان زهرا (س) مرضیه او را می‌کشند، به خاطر جهاد کبیر فاطمه اطهر او را می‌کشند، به خاطر جهاد تبیین حضرت زهرا (س)، او را به شهادت می‌رسانند.

### امیرالمؤمنین دست از جهاد تبیین برداشتند

البته این طوری هم نبوده که امیرالمؤمنین سکوت کند و برود بنشیند و بگوید: «حالا که مردم حکومت را به من ندادند، پس من کاری ندارم.» نه، جهاد تبیین از امیرالمؤمنین هم ساقط نمی‌شود. هرچند خود امیرالمؤمنین هم ذی نفع باشد، باز تکلیفش را در مقام تبیین ادا کند. از آن طرف یکی از چیزهایی که شیطان دارد و ما در جبهه حق خیلی کم داریم این است که باطل را دائم تبیین می‌کند. شیطان آدم و حوا را با تکیه بر منافع فریب داد.

### اهمیت و ضرورت جهاد تبیین

بنابراین جهاد تبیین، روح حرکت حضرت زهرا (س) است و از طرفی امروز تکلیف و بنای جریان انقلابی و مؤمن، این است که در این فضا بیشتر از فضاهای دیگر حضور داشته باشد. تکلیفی که امروز من و شما داریم، تکلیفی است که همه موحدین در همه دوران‌ها داشتند؛ اما چون فتنه‌های آخرالزمان بسیار بیشتر از دوره‌های گذشته است، ضرورت انجام این فریضه بیشتر از گذشته است. وقتی بنا شد همه در عرصه جهاد تبیین، شرکت کنند، قطعاً باید همگان، یک اشراف میدانی به این عرصه داشته باشند. تبیین نصرت خدا در میدان مبارزه یک اقدام اساسی در تبیین است.

### صدیقه کبری (س)، شهیده جهاد تبیین

صدیقه کبری (س) شهیده جهاد تبیین است، قرآن را دستش گرفته، احکام قرآن و حق را می‌خواهد در این جامعه جا بیندازد و برای اینکه می‌گوید کشته می‌شود؛ یعنی می‌شود شهید و خودش را هزینه تبیین می‌کند. ببینید اینقدر این تبیین مهم است. فرمود: «من از روشن کردن جایگاه علی (ع)، تا وقتی زنده‌ام، دست

برنمی‌دارم؛ لَا زِلْتُ مُقَرَّرَةً لَهُ مَا عَشْتُ.»<sup>۱</sup>

### تاریکین جهاد تبیین، قاتلین فاطمه اطهر(س)

وقتی مردم فاطمه اطهر(س) را در تبیین تنها گذاشتند، نتیجه‌اش چه شد؟ فاطمه (س) کشته شد، مبین دین پیغمبر حذف شد. چرا فاطمه (س) کشته شد؟ چون یک نفر بود، اگر فاطمه (س) ده نفر یا صد نفر بود، دیگر کشتن فاطمه (س) برای آن‌ها فایده‌ای نداشت. می‌گفتند اگر فاطمه را بکشیم یکی دیگر است، یکی دیگر است. چون می‌دانستند فاطمه (س) را بکشند هیچ کس دیگری در جهاد تبیین نیست و حق را نخواهد گفت. برای همین فاطمه(س) را کشتند. کسانی که جهاد تبیین را ترک کردند، قاتل فاطمه اطهر(س) هستند.



## جلسه هفتم:

### اقدام جهادی همراه با صبر

#### شرط اول نصرت خدا، اقدام و عمل است

یکی از واقعیت‌های بزرگ این عالم، مهم‌ترین نقطه قوت ما در مقابل دشمنی دشمن‌ها، نصرت خداوند است. مهم‌ترین نقطه ضعف دشمن، این است که آن‌ها نصرت خدا را به همراه ندارند. نصرت خدا در معادلات ما، حرف اول را می‌زند. چون اصل قدرت و قوت برای خدا است. بعد خدا وقتی قدرتش را با جامعه‌ای همراه کند، سرعت حل مشکلات، قدرت حل مشکلات چند برابر می‌شود.

اما نصرت خدا هم بی حساب و کتاب نیست. این طوری نیست که بدون اقدام و عمل، خدا نصرت خودش را برای جامعه‌ای به همراه بیاورد. حضرت موسی با معجزه، چندین مانع از مسیر بنی اسرائیل برداشت؛ برای مثال رود نیل شکافته شد و چه اتفاقات خوبی رخ داد. آن‌ها فکر کردند که باید موسی (ع) تمام مانع‌ها را بردارد. حضرت موسی (ع) به ایشان گفت: «وارد سرزمین مقدس بشوید [که ظاهراً مصر بوده یا هر جای دیگر]؛ این‌ها گفتند اینجا یک عده زورگو هستند. تا این‌ها اینجا هستند ما داخل سرزمین مقدس نمی‌شویم».<sup>۱</sup> دو نفر عاقل بین آن‌ها بود، گفتند: «[بابا! شما بسم الله را بگویید،] وارد شوید، پیروز می‌شوید. اگر راست می‌گویید و خدا را قبول دارید روی حرف خدا حساب باز کنید.»<sup>۲</sup> حرف آخرشان این‌گونه بود

---

۱. مانده، ۲۲.

۲. مانده، ۲۲.

که گفتند:

إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أُنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛ تا آن‌ها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما همین‌جا نشسته‌ایم!

قوم موسی نخواستند اقدام کنند و آن را به گردن حضرت موسی (ع) و خدا انداختند. می‌دانید خداوند چه بلایی بر سرشان آورد؟ چهل سال، از صبح تا شب، راه می‌رفتند و شب می‌رسیدند سر جای اولشان. آن قدر این اتفاق تکرار شد تا این نسل نابود شد و از دنیا رفت. خداوند بعد از آن اتفاق، ورق را برگرداند؛ ولی خدا به کمتر از نابودی جامعه‌ای که حاضر نشد وارد مرحله اقدام و عمل شود، قانع نشد.

### جهاد هر تلاش کردنی نیست

اقدام و عمل هم گاهی حداقلی است؛ یعنی گاهی برای کار سنگ تمام نمی‌گذاریم، خدا به این حد و اندازه راضی نمی‌شود، می‌فرماید جهاد، جهاد هر تلاش کردنی نیست. جهاد یعنی نهایت تلاش نه هر تلاشی. هر تلاشی به نتیجه نمی‌رسد، چون برخی تلاش‌ها از یک نیت شوم ناشی می‌شود. بلکه تلاش تا انتهای توان همراه با نیت خوب و مقصد خوب. فقط در برابر این نوع تلاش است که خداوند به کمک بنده‌اش می‌آید و تاریکی‌های راه را روشن می‌کند با بندگان جهادگرس بتوانند موانع و مشکلات را شناسایی و دفع و حل کنند. فرمود: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایانیم.<sup>۲</sup>

۱. مانده، ۲۴.

۲. عنکبوت: ۶۹



## میل انسان به پرکاری و تلاش

روح ما تبلی گریز است. اگرچه ما انسان‌ها با میل به راحتی متولد می‌شویم و از رنج گریزان هستیم؛ اما یکی از رنج‌های شیرین که همه ما اگر از اتوبان فطرت خودمان خارج نشده باشیم، به آن میل داریم، میل به پرتلاشی و پرکاری هست. اصلاً ناراحت می‌شویم اگر روزی را پرتلاش و پرکار نباشیم. برای ما بیکاری زمانی لذت‌بخشی است که قبلش یک هفته پرتلاش داشته باشیم، وگرنه همیشه بیکاری افسردگی و رخوت و سستی می‌آورد. امام صادق (ع)، می‌فرماید دیدی یک نفر جایی مهمان می‌شود، اگر این مهمانی طول بکشد، خودش می‌گوید کاری به من بسپارید، این ریشه در این میل دارد که آدم‌ها به صورت فطری از بیکاری و عدم تلاش، فرار می‌کنند و نفرت دارند.

### ما در اسلام بازنشستگی نداریم، از کارافتادگی داریم

لذا ما در دین اسلام بازنشستگی نداریم، بلکه فقط از کارافتادگی داریم. این دو تا باهم متفاوت است. روزی امام صادق (ع)، سراغ یکی از فروشنده‌گان لباس را گرفتند، گفتند آقا ایشان تجارت را رها کرده است، حضرت فرمودند: «این کار، کار شیطانی است؛ عَنْ أَصْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ بِيَاغِ الرَّطِّيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ يَوْمًا وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بِيَاغِ الْكُرَائِسِ فَقِيلَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ عَمَلُ الشَّيْطَانِ عَمَلُ الشَّيْطَانِ مَنْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثًا عَقْلُهُ»<sup>۱</sup>

فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ، از امام صادق (ع) می‌پرسد آقا! می‌خواهم کار تجاری خود را ترک کنم، بیکار شوم دیگر تلاش و کار نکنم. این یعنی می‌خواهم بازنشسته شوم، حضرت فرمود علت چیست؟ آیا از کار افتاده شده‌ای؟ حضرت فرمودند

۱ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴.

همین طوری اموالتان نابود می‌شود.<sup>۱</sup>

گاهی اوقات یک نفر دیگر نمی‌تواند کار کند، توان کار کردن ندارد؛ اما یک نفر توان کار کردن دارد و می‌گوید بازنشسته شد، این کار اشتباه است. حالا ممکن است، آدم شغل خودش را تغییر دهد، ولی ما در اسلام تا توان داریم، چیزی به نام بازنشستگی نداریم.

### مذهبی‌ها را باید به پرکاری و پرتلاشی بشناسند

نه تنها در دین ما، بلکه در هر فرهنگ و آیینی، پرکاری و پرتلاش بودن، پسندیده و مطلوب و تنبلی و تن‌پروری و عدم تلاش زشت و زنده است.

اگر ما دین‌داران، مسجدی‌ها، مسلمان‌ها را با یک مسئله در جهان بشناسند، در جامعه خودمان بشناسند، باید با چه چیزی بشناسند؟ با پرکاری و تلاش؛ چون دستور دین انسان را پرتلاش و پرکار می‌کند. اگر این طوری نیست، پس اشکالی در کار ما است، اشکالی در مسلمانی ما است.

مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد در خوش‌بینانه‌ترین حالت، ساعات کار مفید در ایران روزانه حدود دو ساعت است که متوسط ساعات آن در بخش دولتی تنها ۲۲ دقیقه است.<sup>۲</sup> البته قبول دارم، بعضی از صاحب شغل‌ها ۸ ساعت مشغول کار هستند و واقعاً این‌که توقع داشته باشیم ۸ ساعت مفید یک نفر کار کند، این هم مقدور نیست؛ اما ۲۲ دقیقه یا دو ساعت کار هم خیلی کم است.

حضرت امام باقر (ع) فرمودند:

۱ «عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي قَدْ كَفَفْتُ عَنِ التَّجَارَةِ وَأَمْسَكْتُ عَنْهَا قَالَ وَ لِمَ ذَلِكَ أَعْجَبُ بِكَ كَذَلِكَ تَذَهَّبُ أَمْوَالُكُمْ لَا تَكْفُوا عَنِ التَّجَارَةِ وَ التَّمْسُؤِ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» (کافی، ج ۵، ص ۱۴۹)

من نفرت دارم از کسی که در کار دنیای خودش بی حال و تنبل هست. چرا؟ آقا جان! حضرت در ادامه می فرماید و کسی که در زندگی دنیای خودش تنبل باشد، درباره آخرتش تنبل تر است؛ إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ أَنْ يَكُونَ كَسْلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلٌ<sup>۱</sup>.

آدمی که برای دنیای دم‌دستی خودش نمی‌دود، چطور برای آخرتی که هنوز نیامده، هنوز آن را ندیده است، می‌تواند تلاش کند؟

### معنای دقیق جهاد یعنی پرکاری و پرتلاشی

نام پرکاری و پرتلاش بودن در دین ما می‌شود «جهاد»؛ اگر مردم با مفهوم «جهاد»، یاد پرکاری و پرتلاشی نمی‌افتند، پس ما خوب جهاد را توضیح نداده‌ایم. اگر جوانان ما، با مفهوم «جهاد»، ارتباط برقرار نمی‌کنند، اگر اساتید دانشگاه ما، با مفهوم «جهاد» آشنا نیستند، برایشان جذاب نیست، پس ما مذهبی‌ها، مفهوم جهاد را هنوز در جامعه خودمان جا نینداختیم.

باید از مدارس شروع کرد. ما دو مدل درس خواندن داریم، درس خواندن معمولی، درس خواندن پرتلاش. درس خواندن جهادی یعنی چی؟ یعنی نهایت تلاش خودت را بکنی تا به هدف برسی و نتیجه‌گیری. با کسالت و کم‌کاری یا روز دو ساعت کار، نه کار به جایی می‌رسد نه تو.

### کارکردهای دشمن در شکوفایی استعداد پرکاری

چه زمانی آدم نهایت تلاش خودش را می‌گذارد؟ وقتی پای خطر از دست دادن منافعش باشد. یکی از کارکردهای دشمن، شکوفایی استعداد پرکاری در جان ما و جامعه ما است. هر وقت ما حس کردیم دشمنی داریم، دشمن می‌خواهد ضربه

بزند، ما نهایت سعی و تلاش خودمان را به صورت طبیعی به کار می‌گیریم که نگذاریم او به ما ضربه بزند. پس دشمن هیچ خاصیتی برای ما نداشته باشد، الا اینکه ما را به تلاش حداکثری وادار کند، این دشمن برای ما نه تنها مضر نیست، بلکه مفید هم است. البته همیشه گفتیم ما به دنبال این نیستیم که دشمن تراشی کنیم؛ اما وقتی این دشمن هست، چرا از این دشمن به نفع خودمان و به نفع شکوفایی استعدادهاى جامعه بهره نگیریم؟

اگر فیلم و رسانه به جای نشان دادن قسمت تلخ ماجرای دفاع مقدس که تخریب بود، می‌آمد آبادانی‌های دفاع مقدس برای کشور و اقدام و عمل جهادی را به ما نشان می‌داد، الآن مشکلات ما این قدر نبود. خداوند متعال می‌فرماید: «كَتَبَ عَلَیْكُمْ الْقِتَالَ وَ هُوَ كَرَهُ لَكُمْ؛ جنگ برای شما نوشته شده است؛ درحالی که شما جنگ را دوست ندارید.» واقعاً هم همین طور است. هیچ‌کسی جنگ را دوست ندارد؛ اما بعد خداوند متعال یک قاعده بسیار حیاتی و کلیدی می‌فرماید: «وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ؛ ولی چه بسا چیزی که شما خوشتان نمی‌آید و حال آنکه منافع شما در آن است.» بعد برعکسش را هم می‌فرماید: «وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ؛ و چه بسا چیزی را دوست دارید، حال آنکه به ضرر شما است.» چرا این طوری هست؟ در انتهای آیه می‌فرماید: «وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ و خدا می‌داند، ولی شما نمی‌دانید.»<sup>۱</sup>

ظاهر جنگ درگیری و نزاع و خشونت است و هیچ‌کسی جنگ را دوست ندارد؛ اما خدا می‌فرماید گاهی شما جنگ را دوست ندارید؛ اما منافع شما در این جنگ هست. ما در جنگ به چه منفعی رسیدیم؟

یک بار مقام معظم رهبری مفصل، برکات دفاع مقدس را می‌شمردند. یکی از فواید مهم جنگ که مقام معظم رهبری فرمودند این بود که بروز و شکوفایی استعداد های انسانی، آدم‌های معمولی که به سرکار خودشان می‌رفتند و در دورترین نقطه زندگی می‌کردند در یک روستا، وقتی در میدان جنگ قرار گرفتند تمام استعداد های آن‌ها شکوفا شد. نابغه جنگی مثل سردار سلیمانی از دل روستاها کرمان بیرون آمد و سردارانی که هنوز مو در صورت نداشتند، ولی پیچیده‌ترین عملیات را طراحی می‌کردند.<sup>۱</sup> از آن طرف نابغه جنگی مثل شهید حسن باقری را معرفی می‌کنند. به او مغز متفکر اطلاعات نظامی ایران می‌گویند. این قدرت نرم جمهوری اسلامی در به میدان کشیدن استعدادها است.

پس تا اینجا چه گفتیم؟ نصرت خدا قاعده و قانون دارد، نصرت خدا شامل حال جامعه‌ای می‌شود که اهل اقدام و عمل باشند نه اهل نشستن و تماشا کردن. تازه خدا از ما توقع تلاش و اقدام حداکثری دارد. فرمود: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ و در راه خدا جهاد کنید و حَقَّ جهادش را ادا نمایید!»<sup>۲</sup> خدا هر تلاشی را از ما نمی‌خواهد، تلاشی که شایسته خدایی خودش است، آن را از ما نمی‌خواهد. بلکه تلاشی در حد توانایی فکری و جسمی و مدیتریتی که به ما داده، از ما می‌خواهد. شرط اول برای

---

۱ مقام معظم رهبری: «در این حرکت دسته‌جمعی چه استعدادهایی ناگهان پیدا بشود. فرض کنید فلان جوان از روستایی در فلان نقطه کشور - مثلاً روستایی در کرمان - بیاید داخل شهر و ببینند به اینها، بعد بشود مثلاً حاج قاسم سلیمانی؛ یعنی یک چنین حرکت عظیمی [بوده]. فلان جوان دانشجو بدون اینکه حتی یک بار تفنگ به دست گرفته باشد، داوطلبانه برود جبهه، در کوران حوادث جبهه، مثلاً در طول یک سال و نیم، بشود عضو برجسته و مؤثر یک قرارگاه نظامی سطح بالا. فرض بفرمایید که جوانی از مجموعه یک روزنامه که مشغول فعالیت مطبوعاتی است، برود جبهه و بعد از مدت کوتاهی بشود مثلاً شهید حسن باقری، نابغه اطلاعات جنگ؛ و از این قبیل موارد عجیبی و بروز [چنین] استعدادهایی مشاهده شد و چهره‌های ماندگار جنگ و شهدای بزرگی از جنگ از این قبیلند.» (۹۹۰۶۳۱، بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس)

اینکه ما در لیست کسانی قرار بگیریم که نصرت خدا شامل حال آن‌ها است، این است که جهادی عمل کنیم. جهادی عمل کردن هم یعنی نهایت تلاش. خاصیت دشمن این است که جامعه را به صورت طبیعی به تلاش حداکثری وادار می‌کند.

بعضی‌ها می‌گویند چرا ما در صنعت موشکی آن قدر پیشرفت کردیم؛ اما در صنعت خودرو آن قدری که شایسته ما بود پیشرفت نکردیم؟ عوامل مختلفی دخیل است؛ اما یک عامل مهم این است که ما هر جا جهادی عمل نکردیم؛ یعنی سنگ تمام نگذاشتیم، به مشکل برخوردیم. ریشه مشکلات کشور، فقدان روحیه جهادی به معنای اقدام و عمل حداکثری است.

### استقامت و صبر، شرط دوم برای دریافت نصرت خدا

اما شرط دوم برای دریافت نصرت خدا، در میدان مبارزه با دشمن، استقامت و صبر است. اگر در میدان مبارزه با دشمن مقاومت کردید، اولاً نقشه دشمن به شما ضرری نمی‌زند. فرمود:

إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسَوْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ اگر نیکی به شما برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زبانی نمی‌رساند؛ خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.<sup>۱</sup>

خداوند پیروزی را بعد از استقامت جامعه هدیه می‌کند. فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ ای پیامبر!

مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند!

نصرت خدا، کی به جامعه می‌رسد؟ به کدام جامعه می‌رسد؟ نصرت خدا به جامعه‌ای می‌رسد که اهل اقدام و تلاش حداکثری یعنی جهاد باشد و بعد در این جهاد صبر و استقامت کند. فرمود:

بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد!<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین در جنگ صفین به مردمش می‌فرمود:

فَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّدَقِ فَإِنَّمَا يَنْزِلُ النَّصْرُ بَعْدَ الصَّبْرِ؛ از صبر و صدق کمک بگیرید فقط خدا نصرت را بعد از صبر می‌فرستد.<sup>۳</sup>

## مقاومت و صبر در اقتصاد

امروز دشمن این استقامت و صبر جامعه را نشانه گرفته است. گفته باید کاری کنیم که مردم خسته شوند. یکی از عرصه‌های مهم مقاومت، اقتصاد مقاومتی است. بدون مقاومت در اقتصاد، در این جنگ اقتصادی امکان پیروزی نیست؛ امکان عقلی ندارد.

---

۱ انفال، ۶۵.

۲ آل عمران، ۱۲۵.

۳ کافی، ج ۵، ص ۴۰

## اقتصاد ژاپن چگونه شکوفا شد؟

مقام معظم رهبری فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یک اندیشه تجربه‌شده در دنیاست و فقط اختصاص به ما ندارد».<sup>۱</sup> یک مثال و تجربه عینی که با اقتصاد مقاومتی توانست پیشرفت کند، کشور ژاپن است. نگاه کنید که ژاپن به لحاظ طبیعی منابع بسیار محدودی دارد و بیشتر جزایر و خاک آن کوهستانی و آتشفشانی است. به لحاظ سیاسی نیز با شکست در جنگ جهانی دوم وضعیت اسف‌باری گریبان‌گیر این کشور شد. ژاپن پس از شکست در این جنگ، با داشتن ۱۳ میلیون نفر بیکار، شرایط بسیار سخت اقتصادی را تجربه کرد. «کمبود مواد غذایی»، «تورم بسیار شدید تا حدی که حقوق افراد، کفاف سیر کردن شکمشان را نمی‌داد» و «شکل‌گیری بازار سیاه»، تنها بخشی از مشکلات این کشور بود. این مسائل به‌علاوه ضرورت بازسازی خرابی‌های کشور ناشی از جنگ - که منجر به ویرانی ۲۵ درصد از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱.۵ درصد از ثروت ملی این کشور شده بود - و نیز مسئولیت پرداخت غرامت به متفقین، باعث بروز فشار بیشتری بر مردم و دولت ژاپن شده بود؛ اما مردم و دولت ژاپن با رویکرد منطقی - لاقول در بخش تقویت تولید ملی و با همکاری یکدیگر - این کشور را به یکی از قدرتمندترین اقتصادهای تولیدی جهان تبدیل کردند.

## سه خصلت در اقتصاد مردم ژاپن

یکی از عوامل پیشرفت شگفت‌انگیز تولید ملی در اقتصاد ژاپن، فرهنگ بالای تولید در مردم این کشور است. در فرهنگ ژاپنی «کار» امری مقدس و ارزشمند شمرده می‌شود و در همین راستا ژاپنی‌ها برای ارتقای بهره‌وری و کارایی خود تلاش می‌کردند. آن‌ها با کنجکاوی به پیگیری مهارت‌ها و روش‌های مناسب‌تر برای کار و



تولید می‌پردازند. در واقع انگیزه نیروی کار ژاپنی برای بهبود کارایی خود، فراتر از آنکه تحت تأثیر نظام انگیزشی اقتصادی باشد، به صورت درون‌زا و با انگیزه‌های شخصی صورت می‌گرفت. «ارزش قائل شدن برای کار و تولید»، «تلاش مضاعف» و نیز «تلاش برای ارتقای دانش و مهارت»، سه ویژگی مهم نیروی کار ژاپنی بودند.

در کنار فرهنگ بالای تولید، الگو و فرهنگ مصرف صحیح نیز از کلیدهای پیشرفت اقتصادی ژاپن در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم بوده است. دو ویژگی مهم مردم ژاپن در حوزه مصرف عبارت بود از: «قناعت و اعتدال در مصرف» و «تأکید بر مصرف کالاهای داخلی».<sup>۱</sup>

امروزه ما می‌خواهیم موانع اقتصادی را همانند قوم بنی‌اسرائیل از سر راهمان بردارند یا اینکه این موانع اقتصادی را خودمان برداریم؟ اگر می‌خواهیم موانع اقتصادی را خود ما برداریم، باید برای «مدیریت مصرف»، «تولید مصرف داخلی» و «ارزش قائل شدن برای کار و تولید» در فرهنگ عمومی جامعه قدمی برداریم؛ وگرنه همین آتش است و همین کاسه.

## دو اقدام اساسی برای اقتصاد مقاومتی:

### ۱. مدیریت خرج کردن

برای اقتصاد مقاومتی باید دو مسئله را جامعه ما و مردم مدیریت کنند. یکی، مدیریت خرج کردن است. چیزی که الآن ما به آن اصلاح‌الگوی مصرف یا مدیریت مصرف می‌گوییم.

مقام معظم رهبری فرمودند:

---

۱. خامنه‌ای، ژاپن چگونه به یک قدرت اقتصادی تبدیل شد؟ ۱۱ آذر ۱۳۹۷.

موضوع هشتم [از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی]، مسئله اصلاح الگوی مصرف است؛ مسئله صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد.<sup>۱</sup>

شاید برخی بگویند آقا اینکه شد اقتصاد ریاضتی نه مقاومتی نه این طوری نیست حضرت آقا در همین جا می‌فرماید:

ما به هیچ‌وجه به مردم نمی‌گوییم ریاضت [بکشند] ما می‌گوییم ریخت‌وپاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بدمصرف کردن یک حرف دیگر است.<sup>۲</sup>

بنابراین اقتصاد مقاومتی هرگز به معنای اقتصاد ریاضتی نیست که نوعی نگاه منفعلانه به اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود، بلکه اقتصاد مقاومتی، مفهومی پویا است و یکی از اساسی‌ترین ارکان آن، افزایش تولید و خلق ثروت در جامعه است.

اما اصل به اندازه خرج کردن. حضرت می‌فرماید: أَيْمًا أَهْلَ بَيْتٍ أُعْطِيَ حَظَّهُمْ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الرِّزْقِ وَ الرِّفْقُ فِي تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي الْمَالِ وَ الرِّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ التَّبَذِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنَّ الرِّفْقَ يَجِبُ الرِّفْقُ؛ هر خانواده‌ای که از نعمت مدارا بهره‌مند شود، در حقیقت خداوند گشایشی در روزی آنان داده است. مدارا نمودن در مخارج زندگی از ثروتمند بودن کارگشایتر است، مدارا موجب درماندگی نمی‌شود، ولی تبذیر و ولخرجی چیزی باقی نمی‌گذارد، خداوندی که اهل مدارا است، مدارا را دوست دارد.

حضرت فرمود به اندازه خرج کنی بهتر است از اینکه ثروتمند باشی، ولی بلد نباشی مالت را مدیریت کنی؛ چون همان مال و ثروت موجود را نابود می‌کنی. ما به عنوان مصرف‌کننده، چقدر از این مدیریت مصرف در زندگی امام صادق (ع) درس می‌گیریم؟

<sup>۱</sup> ۲۰/۱۲/۱۳۹۲ بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.

<sup>۲</sup> ۲۰/۱۲/۱۳۹۲ بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

## تأثیر به‌اندازه خرج کردن در ثروتمند شدن

ما گاهی اوقات درست خرج نمی‌کنیم، بعد می‌گوییم چرا هشت‌مان گرو نه‌مان است؟! بله گرانی هست؛ اما خرج و مخارج سنگین هم است، باید مسئولین نهایت تلاش خودشان را برای رفع نگرانی و گرانی انجام دهند؛ اما بدون کمک مردم مگر امکان دارد؟ از آن طرف هم تدبیر هم چیز خیلی خوب و لازمی است.

حضرت صادق (ع) فرمودند: «لا مالَ لِمَنْ لا تَقْدِرُ لَهُ؛ کسی که درست خرج نمی‌کند، به اندازه خرج نمی‌کند، مال ندارد»<sup>۱</sup> جامعه‌ی که بلد نباشد، درست خرج کند، این جامعه فقیر می‌شود. مالش را از دست می‌دهد.

## اهل تدبیر در معیشت نباشی، اشکالی در دین‌داری تو است

ایوب بن حرّ می‌گوید شنیدم که کسی به امام صادق (ع) می‌گوید: «بَلَّغْنِي أَنَّ الْإِقْتِصَادَ وَ التَّدْبِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْكَسْبِ؛ به من خبر رسیده که میانه‌روی و برنامه‌ریزی برای گذران زندگی، نیم درآمد است.» حضرت فرمود: «لا، بَلْ هُوَ الْكَسْبُ كُلُّهُ وَ مِنَ الدِّينِ التَّدْبِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ؛ نه! بلکه همه درآمد است. برنامه‌ریزی برای گذران زندگی، نشانه دینداری است»؛ یعنی دین ندارد یا حداقل در دین‌داری اشکالی دارد کسی که اهل تدبیر در معیشت نیست.

الآن تدبیر کردن در معیشت در بین دین‌داران چقدر، از دین‌داری حساب می‌شود؟ گاهی اوقات ما در زندگی خودمان تدبیر نداریم، در خرج کردن اندازه‌گیری نمی‌کنیم. بعد می‌گوییم چرا دخل و خرج ما با هم نمی‌خورد. به همه خورده می‌گیریم؛ اما از خودمان خرده نمی‌گیریم.

این‌ها فرمول‌های موفقیت در کسب و کار است. حضرت فرمود: «علامت شیعه

سه چیز است؛ یکی دوستانش را ببین چه کسانی هستند؟ دیگری اینکه چقدر حواسش به اوقات نماز است سومی را شما بگویید؟ حضرت فرمود بین پولش را چگونه خرج می‌کند؟ فَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ نُّظَرَ أَيْنَ يُصْعُ مَالَهُ؟»<sup>۱</sup>

ما در بین اطرافیان خودمان کم آدم ندیدیم که با اینکه درآمد مناسبی دارند؛ اما بلد نیستند درست مصرف کنند. وقتی خرد می‌شوی در زندگی‌اش می‌بینی که ول‌خرجی دارد. پول را بلد نیست خوب خرج کند. حواستان باشد، اصلاً ما دعوت به خساست نمی‌کنیم بلکه دعوت به درست خرج کردن می‌کنیم.

ماهی دو میلیون قسط می‌دهد برای چه؟ این موبایلش را می‌خواهد تبدیل کند به آن موبایل. حالا چرا این موبایل را عوض می‌کند؟ هنوز شش ماه از خرید این مال نگذشته است، هوس مدل جدید و موبایل جدید می‌کند؛ مدلی که در غرب برای زندگی‌ها تعریف کرده‌اند؛ یعنی زندگی مصرف‌گرایی مطلق. مردم در غرب این‌طوری زندگی می‌کنند. مردم باید دائماً وام بگیرند برای اینکه مصرف کنند.

### شاه داماد بلد هست درست خرج کند؟!

آقا به چه کسی زن بدهیم؟ ویژگی‌های اقتصادی داماد چیست؟ بلد هست خوب خرج کردن را؟ الان ما می‌پرسیم بلد هست خوب پول در آوردن را؛ اما هیچ‌گاه نمی‌پرسیم بلد هست پول را تدبیر کند، درست خرج کند.

شما برو از ثروتمندان جهان پرس عامل موفقیت شما چیست؟ وقتی از آنها در مورد چگونه ثروتمند شدنشان سؤال شد، «کم خرج کردن» را جزو ۵ فاکتور اصلی و بعد از سخت‌کوشی، تحصیلات، سرمایه‌گذاری هوشمندانه و ریسک‌کردن عنوان

می‌کنند.<sup>۱</sup>

## منظور کم خرج کردن نیست!

البته منظور ما کم خرج کردن نیست؛ بلکه درست خرج کردن، به اندازه خرج کردن، حد و حدودی برای خرج کردن قائل شدن است. مرد باید سخاوتمند باشد، مرد باید طوری خرج کند که زن و بچه‌اش نروند دست جلوی دیگران دراز کنند، همه این حرف‌ها به جا اما مرد خانه باید در خرج کردن اندازه‌گیر باشد، چقدر خرج کنیم و چگونه خرج کنیم؟ درست خرج کردن. این مهم است. این‌ها برای هر کسی تولید ثروت می‌کند، این اخلاقی است که باید از امام صادق (ع) در زندگی ما جریان پیدا کند.

## به نفع مسلمین کالای کمیاب را بفروش!

گاهی به اندازه خرج کردن، در این است که کالایی که در خانه‌داری و در جامعه کمیاب شده به نفع مسلمین بفروشی. خدمتکار خانه حضرت می‌گوید در مدینه، گرانی شد. امام صادق (ع) به من فرمود: «چه قدر گندم داریم؟». گفتم: به مقدار چندین ماه، گندم داریم. فرمود: «آن‌ها را ببر و بفروش». به حضرت گفتم: در مدینه گندمی نیست. فرمود: «ببر و بفروش». وقتی آن را فروختم، امام به من فرمود: «مثل بقیه مردم، غذای مرا روزانه خرید کن»؛ و فرمود: «ای معتب! نصف غذای خانواده مرا گندم و نصف دیگرش را جو قرار بده. خدا می‌داند که من، توانایی دارم که به آنان نان گندم خالص بدهم؛ ولی دوست دارم که خدا مرا ببیند که در زندگی، برنامه‌ریزی

۱ روزنامه دنیای اقتصاد، ثروتمندان معروف دنیا چگونه پول خرج می‌کنند؟ ۱ آبان ۱۳۹۳، دسترسی در:

سنجیده دارم.»<sup>۱</sup>

الان جامعه ما با این مرام امام صادق (ع) چقدر فاصله دارد؟ مرغ کم می شود، روغن کم می شود، حرص برای خریدن و ذخیره کردن بین مردم ما کمتر می شود یا بیشتر؟ این فاصله ما با آن چیزی است که حضرت از ما می خواهند.

جامعه ما الآن به یک سبک زندگی غلط مبتلا است که برای مصرف‌گرایی می رود وام می گیرد. فرمود: «إِيَاكُمْ وَالَّذِينَ فَإِنَّهُمْ بِاللَّيْلِ وَذُلٌّ بِالنَّهَارِ.» البته جای که نیاز است اشکالی ندارد، ولی دعوا سر این نیاز است. ما نیازهای کاذب برای خودمان درست کردیم.

## ۲. مدیریت تمایلات

راه دوم اقتصاد مقاومتی، مدیریت تمایلات و علاقه آدم‌ها به خرج کردن است. چیزی که ما در دین ما به آن قناعت می‌گوییم. قناعت یک سفارش اخلاقی نیست. یک راه حل مهم برای حل مشکلات اقتصادی جامعه است. قناعت، یعنی راضی بودن و دل‌خوش بودن به دارایی‌ها، در مقابل این حرص است که چه پدری از انسان در می‌آورد، خدا می‌داند.

گاهی خدا به یک نفر یک خانه کوچک با یک حقوق به ظاهر کم می‌دهد؛ اما در عوض به او دلی می‌دهد که از این دارایی‌های کم و اندک خودش راضی باشد. بعد یک نفر هم می‌بینید پولش از پارو بالا می‌رود، خانه چه خانه‌ای، حقوق و مزایا بی‌حد و عدد؛ اما خودش یک موجود ناراضی است، دلش خوش نیست به

---

۱ عن معتب: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ قَدْ تَزَيْدَ السَّعْرُ بِالْمَدِينَةِ: كَمْ عِنْدَنَا مِنْ طَعَامٍ؟ قَالَ: قُلْتُ: عِنْدَنَا مَا يَكْفِينَا أَشْهُرٌ كَثِيرَةً، قَالَ: أَخْرَجَهُ وَ بَعَهُ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَ لَيْسَ بِالْمَدِينَةِ طَعَامٌ، قَالَ: بَعَهُ، فَلَمَّا بَعْتُهُ قَالَ: اشْتَرِ مَعَ النَّاسِ يَوْمًا يَوْمًا وَ قَالَ: يَا مُعْتَبُ، اجْعَلْ قَوْتَ عِيَالِي نِصْفًا شَعِيرًا وَ نِصْفًا حَنْطَةً؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنِّي وَاجِدٌ أَنْ أُطْعِمَهُمُ الْحَنْطَةَ عَلَى وَجْهِهَا وَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيشَةِ» (كافي، ج ۵، ص ۱۶۶)

دارایی‌های که دارد، هر چه خدا به او می‌دهد، ناراضی‌تر می‌شود. این بهتر است یا آن؟ فرمود:

حُرِّمَ الْحَرِيصُ حَصْلَتَيْنِ وَ لَزِمَتْهُ حَصْلَتَانِ: حُرِّمَ الْقِنَاعَةَ فَافْتَقَدَ الرَّاحَةَ، وَ حُرِّمَ الرِّضَا فَافْتَقَدَ الْيَقِينَ؛ آدم حریص از دو خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت همراه او شده‌اند: از قناعت محروم است و در نتیجه راحتی را از دست داده است، از رضایت محروم است و در نتیجه یقین را از دست داده است.<sup>۱</sup>

### ثروت‌مند فقیر

فقیر چه کسی است؟ ثروت‌مند چه کسی است؟ حضرت فرمود: «الْحَرِيصُ فَقِيرٌ وَ لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِحَذَا فِيرِهَا؛ حریص فقیر است، هر چند کل دنیا را دارا باشد.»<sup>۲</sup> چقدر این روایات درست و دقیق و واقعی است. جانم به فدای امیرالمؤمنین که اینقدر راه را واضح نشان می‌دهد.

کسی که پولش از پارو بالا می‌رود؛ اما حریص باشد، راحت بگو فقیر است. حال بد در اثر حرص پدید می‌آید، حال خوب در اثر قناعت. بعد امام هادی (ع)، دارایی‌های آقای ابوهاشم جعفری را نشان می‌دهد، می‌فرماید بین خدا به تو قناعت داده است. کسی که به دارایی‌هایش راضی نیست، در واقع ثروت‌مند فقیر است.

### حال بدِ جامعهٔ حریص

گاهی یک جامعه دچار حرص می‌شود، بعد کل دنیا را به این جامعه بدهند، باز احساس فقر و نیاز می‌کند و ناراضی است. حال این جامعه خوب نیست، نه در اثر کمبود امکانات، بلکه در اثر ندیدن امکانات یا کم دیدن امکانات، حرص قاتل حال

۱ خصال، ج ۱، ص ۶۹.

۲ غرر، ص ۱۹۳.

خوب جامعه است.

### نقش زندگی غربی در حال بد

گاهی یک جامعه در اثر قناعت حالش خوب می‌شود، سبک زندگی غربی با زندگی ما چه کرده است؟ چگونه حال بد را در جامعه ما ایجاد می‌کند؟ در اثر تبدیل روحیه قناعت و راضی شدن به دارایی‌ها، به روحیه حرص زدن. این حال جامعه را بد می‌کند. شما می‌بینید، الان امکاناتی که در انقلاب اسلامی، نسبت به گذشته فراهم شده است، با همه فرازا و نشیب‌ها، آیا قابل مقایسه است؟ بعد چند درصد مردم ما شاکی هستند و چند درصد شاکر؟

مشکلات اقتصادی، فراوان است، مسئولین هم باید تلاش کنند تا مشکلات را کم کنند، تحریم هم ما را اذیت می‌کند؛ اما مسئله این است که شما بگردید قشری که شاکی هستند، از کدام دهک‌ها هستند؟ حریص‌ها در کدام دهک‌ها هستند؟ آن‌هایی که دستشان به دهنشان می‌رسد، بیشتر شاکرند یا آن‌هایی که هشتشان گرو نهشان است؟

### روحیه شاکرانه فاطمی

از حضرت زهرا (س)، این روحیه شاکرانه را بخواهیم، پیغمبر آمد خانه فاطمه اطهر، فرمود دخترم چه چیزی برای خوردن داری؟ حضرت عرضه داشت: «مَا فِي بَيْتِي شَيْءٌ إِلَّا بَرَكَةٌ رَسُولِ اللَّهِ؛ در خانه‌ام چیزی جز وجود با برکت رسول الله (ص) ندارم.»<sup>۱</sup> چقدر نگاه شاکرانه، قسمت پر لیوان را دید که وجود مطهر پیغمبر است. در مدینه یک ناسپاسی بزرگ اتفاق افتاد، ناسپاسی از بزرگ‌ترین نعمت یعنی ولایت. فاطمه اطهر (س)، برای اینکه نشان دهد، شکر این نعمت با عظمت به چیست،

۱ تفسیر فرات کوفی، ص ۵۲۶.



جلسه هفتم: اقدام جهادی همراه با صبر □ ۱۲۹

پشت در آمد. پهلو شکست، بازو آسیب دید، محسن شهید شد، برای شکر نعمت ولایت.

مردم! علی ارزشش را دارد که یک فاطمه (س)، فدایش شود. فدای سرت علی جان! مردم قدر تو را نمی دانند، من فدایت می شوم برای تو بس است.



## جلسه هشتم:

### راز موفقیت و قدرت جامعه در مقابل دشمن

#### اختلاف نقطه ضعف ما

برای موفقیت و فتح مقابل دشمن، جدای از تمرکز بر نقطه قوت خودمان و نقاط ضعف دشمن، باید مراقبت کرد که از نقاط ضعف جامعه خودمان، مهم‌ترین عامل موفقیت ما در مقابل دشمن، تبدیل کردن نقطه ضعف به نقطه قوت است. نقاط ضعف جامعه، همان نقاطی هستند که دشمن روی آن‌ها دست گذاشته است. اگر تهدیدها را تبدیل به فرصت کنیم، دشمن شکست خورده و مسیر پیشرفت ما فراهم و هموار می‌شود. البته یادمان نرود که دشمنان ما، در واقع دشمنان پیشرفت ما هستند.

هر چیزی که شما را از پیشرفت متوقف کند و به خودتان مشغول کند، دشمن از آن استقبال می‌کند. مهم‌ترین نقطه ضعفی که در یک جامعه ممکن است اتفاق بیفتد چیست؟ دامن زدن به اختلافات، یکی از نقاطی که دشمن دائماً روی آن تکیه می‌کند، تفرقه اندازی است، جامعه که متفرق شد پیشرفت نمی‌کند.

بینید به صورت طبیعی در یک جامعه، شکاف‌ها و اختلافاتی وجود دارد. اصلاً نباید با اختلافات غیرطبیعی برخورد کرد. اختلافات همیشگی و اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا ما زندگی جمعی داریم. تا شما با خودت هستی که مشکلی نداری، ولی وقتی با دیگران زندگی می‌کنی، تازه اختلافات خودش را نشان می‌دهد. پس اختلاف در زندگی بشر بسیار طبیعی است.

بعضی‌ها با اختلافات، غیرطبیعی برخورد می‌کنند، انگاری اصلاً انتظارش را نداشتند. آقا با خانمش دعوا می‌شود، افسرده می‌شود. چرا؟ می‌گوید: «آخه من توقع نداشتم!» خوب بی‌خود کردی، توقع نداشتی. مگر خبر نداشتی آدم‌ها به صورت طبیعی اختلافاتی دارند، حضرت زهرا و امیرالمؤمنین هم باشی بالاخره اختلافاتی پیش می‌آید.

### فلسفه بعثت انبیا، مدیریت اختلافات

فلسفه بعثت انبیا، مدیریت همین اختلافات بود. فرمود:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...<sup>۱</sup> مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کنند.

اختلافات، هم فرصتند و هم تهدید. از این جهت تهدیدند که بسیاری از خونریزی‌ها به خاطر همین اختلافات پیش آمد. بسیاری از قتل‌ها و غارت‌ها نقطه شروعش از اختلافات فردی و جمعی است. در همان آغاز خلقت نزدیکی‌ترین افراد خونی یعنی هاییل و قابیل، سر یک موضوع معنوی اختلاف کردند. آن موضوع معنوی که اختلاف کردند چه بود؟ هاییل قربانی داد، قابل هم قربانی داد. قربانی یکی پذیرفته شد و دیگری پذیرفته نشد. بله حسادت کرد و این حسادت زد بیرون که چرا قربانی هاییل پذیرفته شده؛ اما برای قابیل نه. فرمود: «إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرَ»<sup>۲</sup> جنس این اختلاف بر سر یک مسئله معنوی به نام پذیرش یا عدم پذیرش قربانی بود. رقابتی که پیش آمد تبدیل به حسادت شد؛ اما

۱. بقره، ۲۱۳.

۲. مائده، ۲۷.

جلسه هشتم: راز موفقیت و قدرت جامعه در مقابل دشمن □ ۱۳۳

قابیل کوتاه نیامد و زد برادر را کشت، سر یک مسئله معنوی و حسادتش را بروز داد. دقت کنید دوستان من نگفتم که در اثر اختلاف کشت، گفتم اختلاف آن‌ها با همدیگر سر یک مسئله معنوی بود به نام پذیرش یا عدم پذیرش قربانی. بله از سر حسادت کشت. اما مسئله آن‌ها با همدیگر سر یک مسئله معنوی بود که عبارت است از پذیرش یا عدم پذیرش قربانی. امروز هم می‌بیند چقدر قشنگ دشمن از این اختلاف کمال سوءاستفاده را دارد. داعش را به جان امت پیغمبر انداخت و نشست تماشا کرد و استفاده‌های خودش را برد.

اما اختلافات از جهتی فرصتند؛ چراکه زمینه بسیاری از امتحانات الهی و رو آمدن بسیاری از خوبی‌های انسان هستند. فرمود:

مِنْ خِطَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَقِّ امْتِحَانِ الْإِسْلَامِ  
بَشُويد؛ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ  
إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ<sup>۱</sup>.

معنا ندارد شما بروی امتحان بدهی بعد سؤال تستی طرح کنند بگویند گزینه صحیح را انتخاب کنید بعد یک گزینه بیشتر نباشد. بلکه وقتی چهار گزینه‌ای شد، تازه شما باید تصمیم‌گیری کدامیک را تست بزنی و در واقع درست و غلط را تشخیص بدهی.

وقتی اختلاف پیش آمد تازه شما باید بفهمی، حق با کیست؟ برای همین یکی از دعاهای که برای رسول الله (ص) مستجاب نشد، همین بود که حضرت رسول الله ص فرمود: «خدایا می‌شود اختلاف و دشمنی در امتم بعد از من پیش نیاید؟» خدا فرمود راه ندارد. این سنت خدا است که بعد از هر پیغمبری، بین امتش اختلاف

پیش آمده تا کسانی که در محضر فرستاده خدا، تعلیم دیده و انسانیت یاد گرفته اند معلوم شود که روز امتحان بعد از پیغمبر کدام طرف است؛ طرف دین و راه پیغمبر یا دیگران؟

عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ قَالَ إِذَا سَأَلْتُ رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثَلَاثَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَ مَنَعَنِي وَاحِدَةً... قُلْتُ يَا رَبِّ لَا تَجْعَلْ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنْعَنِي هَذِهِ<sup>۱</sup>.  
«إِنَّ اللَّهَ قَضَى الْفُرْقَةَ وَ الْإِخْتِلَافَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَوْ شَاءَ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى»<sup>۲</sup>

به خاطر همین ۷۳ فرقه داریم که تنها یک فرقه نجات پیدا می کنند. شما از بین ۷۳ فرقه باید بررسی کنی و گزینه درست را بزنی. آقا ما که الحمد لله نجات پیدا کردیم. نه حضرت فرمود از این ۷۳ فرقه ۱۳ گروه اند که مدعی محبت ما اهل بیت (علیهم السلام) هستند. حالا می روی که داشته باشیم. حضرت فرمود:

إِنَّ الْأُمَّةَ سَتَفْتَرِقُ عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَ فِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ ثَلَاثٌ عَشْرَةٌ فِرْقَةً مِنَ الثَّلَاثِ وَ السَّبْعِينَ تَنْجِلُ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَاحِدَةً [مِنْهَا] فِي الْجَنَّةِ وَ اثْنَتَا عَشْرَةَ فِي النَّارِ.<sup>۳</sup>

خدا از این سنتش که درست طراحی شده و حکیمانه طراحی شده، کوتاه نمی آید.

### اوج قدرت نمایی پیامبر در مدیریت اختلافات

اوج قدرت نمایی پیامبر این بود که وقتی خواستند هجرت کنند. نرفتند به یک شهری که همه یکدست باشند، بلکه رفتند به مدینه که مرکز اختلافات قومی و

۱. الخصال،...

۲. سلیم، ج ۲، ص ۵۷۰

۳. سلیم، ج ۲، ص ۶۰۵.

جلسه هشتم: راز موفقیت و قدرت جامعه در مقابل دشمن □ ۱۳۵

قبیله‌ای بود. اوس و خزرج دو قبیله که اصالتاً هم یمنی بودند، در اوج درگیری‌ها بودند. آخرین جنگی که بین آنان پیش آمد، جنگ بعاث بود. از طرفی این‌ها با یهودی‌های مدینه هم درگیر بودند.

پیغمبر وقتی وارد مدینه شد، در اولین گام یک پیمان بین مسلمانان و یهودیان بستند. نام این پیمان، منشور مدینه است. دارای بندهای مختلفی است که مهم‌ترین فلسفه‌اش ایجاد هم‌زبانی و تنش‌زدایی است.

اقدام بعدی یک پیمان ایمانی بین اوس و خزرج و مهاجرین و انصار برقرار کردند. نام آن، پیمان برادری است که قرآن به صراحت از آن یاد می‌کند و می‌فرماید:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا

مِنْهَا كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.<sup>۱</sup>

حتی پیامبر مبنای ارث بردن را هم همین پیوند برادری قرار داد، نه خویشاوندی. چقدر این پیمان محکم و معتبر بوده است. نتیجه این پیمان برادری، هم‌دلی و هم‌زبانی بود.

### امامت نخ تسبیح جامعه

هنر ولی خدا اینجا است که جامعه را یکدست می‌کند. تازه آدم می‌فهمد معنای این کلام حضرت زهرا (س) که فرمود: «طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ».<sup>۱</sup> امامت شما را مثل نخ تسبیح با همه اختلافاتی که دارید، کنار هم نگه می‌دارد و مانع پراکندگی شما می‌شود. گاهی با وجود اختلاف شما را دور هم جمع می‌کند. شما می‌بیند در این نظام رسول خدا (ص) هم سلمان و ابوذر و مقداد جا دارد و هم خالد جا دارد و هم دیگران.

خیلی حکیمانه رسول الله (ص) با دو حرکت مدینه را یکپارچه کردند. یک مقداری که این وضعیت به ثبات رسید. رسول الله (ص) سال دوم هجری جریان جهاد و مبارزه رو کلید زدند. قدرت بعد از کنار گذاشتن اختلافات برای پیامبر شکل گرفت، حالا با این جماعت می‌شود رفت و با مستکبرین مبارزه کرد.

### یک یهودی اولین تفرقه افکن در تاریخ اسلام

جالب است بدانید که اولین کسی که بین مسلمانان اختلاف انداخت، یک نفر یهودی بود. شاس بن قیس، پیرمردی یهودی که کینه مسلمانان را در دل داشت با دیدن وحدت بین اوس و خزرج، دست به کار شد و نقشه‌ای برای بر هم زدن این وحدت کشید. او گفت: «لا والله ما لنا معهم إذا اجتمع ملؤهم من قرار؛ یعنی ما نمی‌توانیم این وحدت و هم‌دلی را ببینیم!»<sup>۲</sup> سپس نقشه‌ای را که در ذهن داشت، عملی کرد. جوانی یهودی را تحریک کرد و به درون مسلمانان اوس و خزرج (که اکنون گروه انصار بودند)، فرستاد و گفت: به درون آن‌ها برو و یاد جنگ بعاس کن و اتفاقات آن روز را یادآوری کرده و رجزها و اشعار آن روز را برایشان تکرار کن. تا

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

۲. مختصر الامم



جلسه هشتم: راز موفقیت و قدرت جامعه در مقابل دشمن □ ۱۳۷

بتواند هم به این وسیله با یادآوری کشته شدگان آن روزگار، عصیت آن‌ها را تحریک کند و هم با یادآوری اشعار جنگی آن‌ها را به هیجان درگیری بکشانند.

حیله آن یهودی کارساز شد و بین آن‌ها اختلاف کلامی رخ داد و بعد از رجزخوانی، کار به درگیری و شمشیر کشیدن رسید. خبر به پیغمبر رسید. ایشان به محل درگیری آمدند و فرمودند ای مسلمانان! شما را به خدا امروز ادعاهای زمان جاهلیت را راه انداخته‌اید؟ حال آن که من در بین شما هستم و شما بعد نجات از کفر و مسلمان شدن دارید باز هم به دوران جاهلیت باز می‌گردید؟

این‌گونه یهود در صدر اسلام با اختلاف افکنی بین مسلمانان، باعث رنجش خاطر پیامبر اسلام (ص) شد و قطعاً راه آنان در ایجاد تفرقه و اختلاف افکنی که منجر به از بین رفتن مسلمین به دست خودشان است، ادامه دارد.

### هنر رهبر جامعه

اما هنر رهبر جامعه این است که این هم‌دلی یا حداقل هم‌زبانی را ایجاد می‌کند که لازمه قدرت و برون‌رفت از غربت است. حالا دشمن جامعه، چه می‌کند؟ دقیقاً برخلاف این مسیر حرکت می‌کند، دائماً اختلافات را دامن می‌زند. الان فضای مجازی ابزاری برای اختلاف افکنی در جامعه شده است. در ماجرای فوت این خانمی که کشور را برایش بهم زدند، دشمن چقدر حساب شده بر روی این موج سوار شد. یکی از جامعه‌شناسان می‌گوید:

به عنوان کسی که مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی دارم، انتخاب مهسا امینی برای پروژه آشوب، مورد جالب و هوشمندانه‌ای است. همه شکاف‌های اجتماعی فعال ایران را توامان با خود دارد. شکاف مذهبی، شکاف قومیتی، شکاف جنسیتی، شکاف

پیرامون و مرکز، شکاف فرهنگی و این اتفاقی نیست!<sup>۱</sup>

وقتی شما پای اختلاف را در جامعه دیدید باز شده یا شدت گرفته است، بدانید اینجا توپخانه دشمن دارد عمل می‌کند، اینجا پایه‌های یک جامعه را دارند می‌کشند، اینجا دارند جامعه را می‌کشند.

### موج سواری روی اختلافات در مدینه

آدم وقتی به ماجراهای بعد از رحلت پیامبر فکر می‌کند و اینکه چطور بعد از غدیر یک عده جرئت کردند، مقابل گفتمان غدیر، گفتمان دیگری و جریان دیگری راه بیندازند، باید ریشه آن را در اختلاف مردم مدینه جستجو کرد.

یادتان باشد که «سقیفه» را نه خلیفه اول و نه خلیفه دوم برپا کردند، بلکه مجری و برگزار کننده سقیفه، انصار حزب اللهی بودند که گرایش به اهل بیت (علیهم السلام) و امیرالمؤمنین داشتند.<sup>۲</sup> «سقیفه» در واقع فرصتی بود که برای انصار تبدیل به تهدید شد و از آنچه بیم داشتند، خودشان برای وقوع آن زمینه‌سازی کردند. دست‌اندرکاران «سقیفه» خلیفه اول و دوم نبودند، بلکه آن‌ها از این شرایط بهره سیاسی بردند. امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

سعد [رئیس خزرجیان مدینه که به دعوت او، انصار در سقیفه جمع شده بودند] دری را باز کرد که دیگران از آن در داخل شدند. او آتشی را روشن کرد که نورش به درد دیگران خورد؛ اما خودش سوخت. **أَوَّلُ مَنْ جَرَأَ النَّاسَ عَلَيْنَا سَعْدُ بْنُ عَبَادَةَ فَتَحَ بَابًا وَلَجَهُ غَيْرُهُ وَ أَضْرَمَ نَارًا كَانَتْ لَهَا عَلَيْهَا عَلَيْهِ وَ ضَوْؤُهَا لِأَعْدَائِهِ.**<sup>۳</sup>

۱ جواد حسینی.

۲ تعامل انصار با اهل بیت، سعید طالقانی، ص ۱۴۰ انصار که اکثریت اهل مدینه را تشکیل می‌دادند، طرف دار امیر مومنان بودند. میان آن‌ها و بنی هاشم روابط خوبی وجود داشت و لذا مدینه محل تجمع بنی هاشم گشت.

۳ شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۰۷

اسلام بیشترین ضربه را از خودی‌ها خورده است. نه از دشمن خارجی، از ندانم کاری‌های خودی‌ها و مدعیان ولایت‌مداری. «از ماست که بر ماست»، «خودکرده را تدبیر نیست» آقای «سعد بن عباده»! آیا شما با هماهنگی امیرالمؤمنین، سقیفه را برگزار کردید؟ کسانی که قدرت را دست گرفتند، از آب گل آلود ماهی گرفتند، ولی چه کسانی آب را گل آلود کردند؟ خودی‌ها!

عده کمی از سران قریش مکه، با اطلاع از برگزاری چنین نشست سری و پشت درهای بسته، خود را به سرعت به جلسه رساندند. آنان با استفاده از عدم انسجام درونی رهبران انصار<sup>۱</sup> و دوقطبی اوس و خزرج و احساس ضعف آنان، پروژه انصار را به شکست کشانده و حکومت را از دست آن‌ها گرفتند. هر چند برخی از مدعیان انصار که قافیه را به حریف باخته بودند، فریاد «لانیع الا علیا»<sup>۲</sup> سر دادند، ولی این صداها دیگر به جایی نرسید و مسند حکومت به دست پایین‌ترین قبایل قریشی از لحاظ جایگاه اجتماعی،<sup>۳</sup> افتاد.

---

۱ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۸ فقال أبو بكر: هذا عمرٌ وهذا أبو عبيدة، فأيهما ينشتم فبايعوا. فقالوا: لا والله لا نتولى هذا الأمر عليك؛ فإنك أفضل المهاجرين... فلما ذهب ليبايعاه سبقتهما إليه بشير بن سعد فبايعه، فناداه الحباب بن المنذر: يا بشير بن سعد! عنتك عقاق، ما أحوجتك إلى ما صنعت، أنقيست على ابن عمك الإمارة؟! فقال: لا والله، ولكتي كرهت أن انزع قوما حقا جعله الله لهم. ولما رأيت الأوس ماصنع بشير بن سعد، وما تدعو إليه قریش، وما تطلب الخزرج من تأمير سعد بن عبادة قال بعضهم لبعض وفيهم أسيد بن حضير وكان أحد النقباء والله لئن وليتها الخزرج عليكم مرة لا زالت لهم عليكم بذلك الفضيلة، ولا جعلوا لكم معهم فيها نصيبا أبدا، فقوموا فبايعوا أبا بكر. فقاموا إليه فبايعوه، فانكسر على سعد بن عبادة وعلى الخزرج ما كانوا أجمعوا له من أمرهم.

شرح نهج البلاغة في ذكر قصة السقيفة: لما رأيت الأوس أن رئيسا من رؤساء الخزرج قد بايع، قام أسيد بن حضير وهو رئيس الأوس فبايع حسدا لسعد أيضا، ومناقسة له أن يلي الأمر، فبايعت الأوس كلها لما بايع أسيد (شرح نهج البلاغة: ج ۶ ص ۱۰)

۲ تاریخ طبری) ان الأنصار لما فاتها ما طلبت من الخلافة قالت أو قال بعضها لا نبيع إلا عليا  
 ۳ تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۳۷) ما بال هذا الامر في اقل حى من قریش؟؛ «أن قحيف تيم وأخيوک عدی جازيا أبا الحسن في السباق» (امالی طوسی، ص ۲۰۴)

امان از اختلاف و دو قطبی که بین خوبان افتاد. اگر دو دستگی بین انصار یعنی طرفداران اهل بیت نمی افتاد، سر قدرت با هم منازع نمی کردند، شاید کار به اینجا نمی رسید. شاید کار به میخ و در و دیوار نمی کشید. اختلاف بین دو قبیله در مدینه چه بلایی سر جامعه آن روز اسلام آورد؟ از این آب گل آلود، چه کسانی چه برداشت‌هایی کردند؟

### حفظ وحدت، راز سکوت امیرالمؤمنین (ع)

یکی از موضوعاتی که حل مسائل سیاسی زمانه بعد از رحلت رسول خدا (ص) را پیچیده می کرد، سکوت معنادار امام علی (ع) و عدم استفاده از فرصت‌ها برای کسب قدرت بود. آن چنان که اقدام دیرهنگام حضرت، در آن رقابت سنگین سیاسی، بهانه‌ای به دست برخی انصار داد و آن‌ها می گفتند: «اگر زودتر آمده بودی با تو بیعت می کردیم»<sup>۱</sup> یا یکی از سران انصار بعد از شنیدن سخنان حضرت درباره مواضع سیاسی خودشان و اینکه حضرت سزاوارترین فرد به حکومت هستند، گفت:

ای ابوالحسن! به خدا سوگند، اگر مردم این سخن را پیش از بیعت از تو شنیده بودند، دو نفر هم بر سر تو اختلاف نمی کردند و همه مردم با تو بیعت می نمودند؛ اما تو در خانه‌ات نشستی و در این کار، حاضر نشدی و مردم پنداشتند که تو نیازی به خلافت نداری. اکنون هم بیعت با این پیرمرد، رخ داده [و به انجام رسیده است] و تو، اختیار کار خود را داری. *أَبَا الْحَسَنِ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ سَمِعَهُ النَّاسُ مِنْكَ قَبْلَ الْبَيْعَةِ لَمَا اخْتَلَفَ عَلَيْكَ رَجُلَانِ، وَلَبَايَعَكَ النَّاسُ كُلَّهُمْ، غَيْرَ أَنَّكَ جَلَسْتَ فِي مَنَزِلِكَ وَلَمْ تَشْهَدْ هَذَا الْأَمْرَ، فَظَنَّ النَّاسُ أَنْ لَا حَاجَةَ لَكَ فِيهِ.*<sup>۲</sup>

۱ الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۸۳ ح ۳۶) قَالَتْ جَمَاعَةٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَوْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ سَمِعْتَهُ مِنْكَ الْأَنْصَارُ قَبْلَ بَيْعَتِهَا لِأَبِي بَكْرٍ مَا اخْتَلَفَ فِيكَ اثْنَانِ.

۲. الردة: ص ۴۶ وراجع الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۸۲ ح ۳۶ والمسترشد: ص ۳۷۴ ح ۱۲۳ و شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۲۶. الإمامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۸.

جلسه هشتم: راز موفقیت و قدرت جامعه در مقابل دشمن □ ۱۴۱

علی بن ابی طالب (ع) سه روز، مشغول کفن و دفن رسول خدا (ص) بودند و در این مدت، آنان جای پای خودشان را در حکومت محکم و استوار کردند. شاید بسیاری از طرفداران حضرت، منتظر اقدام و حرکتی از طرف ایشان بودند تا همراهی کنند، ولی این اتفاق نیفتاد.

سکوت معنادار امام، اثر بسزایی در پیشبرد اهداف سیاسی سران مهاجرین داشت و موجب شد کسانی که کمترین پایگاه اجتماعی را داشتند، بر کرسی سیاست و صدرات قرار بگیرند. راز این دست نگه داشتن چیست؟

فلسفه سکوت حضرت، حفظ «وحدت و ثبات و آرامش جامعه» است. اگر امیرالمؤمنین (ع) علیه وضع سیاسی پدید آمده به پا می‌خاستند، دعوا و خونریزی شدیدی بین مسلمانان اتفاق می‌افتاد و این امر موجب می‌شد اصل اسلام در آن مقطع حساس به خطر بیفتد. بستر چنین خطری چه بود؟ «تفرقه و عدم ثبات اجتماعی». حضرت به یکی از طرفدارانشان که تصمیم داشت وضع موجود را برهم بزند، فرمود: «امروز نزد من، اجتماع (اتحاد) آنان بهتر از اختلافشان است؛ اجتماعُهُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ اِخْتِلَافِهِمْ الْيَوْمَ».<sup>۱</sup> در سخن دیگری حضرت در تبیین ضرورت «حفظ ثبات اجتماعی» می‌فرماید:

چنین [مصلحت] دیدم که صبر بر این مسئله بهتر است از پراکندگی مسلمانان و ریخته شدن خون آنان. مردم، تازه‌مسلمان بودند و دین، مانند مشک شیر و کره در تلاطم بود که کوچک‌ترین سستی‌ای آن را تباه می‌کرد و کمترین اختلافی آن را وارونه می‌ساخت. فَرَأَيْتُ أَنْ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَسَفْكَ دِمَائِهِمْ. وَالنَّاسُ حَدِيثُ عَهْدٍ وَالدِّينُ يَمَخَّضُ مَخَضَ الْوَطْبِ، يَفْسِدُهُ أَدْنَى وَهْنٍ،

ويعكسه أَقْلٌ خُلْفٍ.<sup>۱</sup>

امام علی (ع) قسم یاد می‌کنند که اگر بیم آن نبود که ثبات اجتماعی به هم بریزد و عده‌ای به کفر بازگردند، بیشترین تلاش خود را برای تغییر شرایط به کار می‌بستند.<sup>۲</sup> در جای دیگر حضرت فرمود پیامبر به من سفارش کرده بود که اگر دیدی ثبات اجتماعی و وحدت به هم می‌ریزد، صبر کن!

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَهْدًا إِلَيَّ عَهْدًا فَقَالَ: «يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ لَكَ وَوَلَايَتِي. فَإِنْ وَلَوَكَ فِي عَافِيَةٍ وَرَجَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فُقْمٌ بِأَمْرِهِمْ، وَإِنْ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعُهُمْ وَ مَا هُمْ فِيهِ؛ وَوَلَايَتُ بَرِّ امْت، از آن تو است. اگر آن‌ها با طیب خاطر اجتماع نموده و تو را حاکم نمودند، به کار آن‌ها پرداز و اگر درباره تو اختلاف داشتند، رهایشان کن.<sup>۳</sup>

البته پر واضح است که این رها کردن قبل از رسیدن به حکومت است؛ اما بعد از رسیدن به حکومت، حضرت باید ولو سه جنگ به ایشان تحمیل شود، حاکمیت اسلام را با قدرت حفظ کند. حضرت درباره سیاست وحدت آفرین‌شان فرمود:

من کسی بودم که بیشترین تلاش را در راستای برقراری وحدت در جامعه مسلمین انجام دادم؛ لَيْسَ رَجُلٌ فَاعْلَمَ أَحْرَصَ [النَّاسِ] عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي أَبْتَغِي.<sup>۴</sup>

کار ولایت آرام کردن جامعه است؛ اما نفاق کارش برهم زدن و آشوب راه

۱ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۸. بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۶۲.

۲ «عن أم راشد مولاة أم هانئ، الأمالی للمفيد: ص ۱۵۵ ح ۶ عن الحسن بن سلمة. إيم الله فلولاً مخافة الفرقة بين المسلمين أن يعودوا إلى الكفر لکننا غیرنا ذلک ما استطعنا!» (الجمال: ص ۴۳۷)

۳ کشف المحجّة، ص ۲۴۹.

۴ نهج البلاغه، نامه ۷۸

انداختن در جامعه است.

## نقش سخنان یا سکوت «سیاستمداران»، در ثبات اجتماعی

سخنان یا سکوت سیاستمداران و نخبگان در «آرامش» یا «آشوب» جامعه اثر دارد. «اشعث» در جنگ صفین فرمانده سپاه امیرالمؤمنین (ع) بود. در گرماگرم جنگ و در آخرین روزهای جنگ که به قول امیرالمؤمنین یک نفس تا پیروزی مانده بود، حرفی زد که انسجام سپاه را به هم ریخت. گفت من جنگاورم، جنگ زیاد دیده‌ام، ولی این جنگ چیز دیگری است تا حالا اینقدر کشته ندیده بودم. اگر جنگ ادامه پیدا کند، نسل عرب از بین می‌رود. همین چند جمله کافی بود در سپاه حضرت دو دستگی و آشوب به پا کند. معاویه هم استفاده سیاسی خودش را برد. زمانی که جاسوسان حرف اشعث را به گوش معاویه رساندند، او گفت الان زمانی است که اگر قرآن به سرنیزه کنیم می‌گیرد. تنور معاویه را، اشعث با حرفش داغ کرد.

«سیاستمداران» با چه سخنان و تعبیری می‌توانند جامعه را به سرعت یا به تدریج به «آشوب» بکشانند و «آرامش» را از جامعه سلب نمایند؟

ما در جامعه خودمان کم تجربه نکردیم، «سیاستمدارانی» را که حیات خودشان را در «آشوب» و درگیری می‌دیدند، درحالی که «رشد» یک جامعه در «آرامش» است و هنر مدیران دلسوز جامعه این باید باشد که اختلاف‌نظرها را در بستر «آرامش» موجب تعالی جامعه قرار دهند.

چه سخنانی از سیاسیون آتش یک جامعه را می‌خواباند؟ چه سخنانی این آتش را شعله‌ور می‌کند؟ امیرالمؤمنین (ع) چه کرد؟ با سکوت خودش کاری کرد که جامعه آرام بگیرد و اگر سخنی گفت، سخنی نگفت که جامعه آشوب کند. شاید این پرسش به ذهن برسد که اگر علی بن ابی طالب (ع) هم حذف سیاسی شود، باز هم

اختلاف از بین نرفته است؟ بالاخره حضرت طرفدارانی دارند که علیه حاکمیت ساکت نخواهند نشست؟

جواب: حضور شخصیتی که خودش مدعی حکومت است، ولی سکوت کرده و در بین مردم، دعوت به آرامش می‌کند، این رفتار هوشمندانه سیاسی، زمینه را برای بسیاری از اختلاف‌ها از بین می‌برد. چنان که حضرت به برید توصیه به کوتاه آمدن و آرام بودن کرد.

آن که شایسته حکومت مسلمین است، در بین مردم «دعوت به وحدت و ثبات اجتماعی»، می‌کند تا تمدن اسلامی پی‌ریزی و پایه‌گذاری شود، این حرکت، موجب آرام شدن موجی از ناآرامی‌ها خواهد شد.

بی‌ثباتی اکثراً به نفع باطل است، ببینید رسانه‌های غربی چقدر خوشحالی می‌کنند در اثر اینکه کوچک‌ترین اختلافی را می‌بینند و کوچک‌ترین مسئله‌ای را نگاه می‌کنند. آن‌ها اصلاً برایشان مهم نیست به نفع چه کسی یا به ضرر چه کسی است. همین‌که بی‌ثباتی ایجاد شود، برایشان کافی است. نشان در بی‌ثباتی است، حیاتشان در بی‌ثباتی است.

امروز جامعه ما برای حل مشکلاتش نیاز به آرامش دارد، این آرامش و ثبات جامعه لازمه حل مشکلات است. با بی‌صبوری کردن و برهم زدن ثبات جامعه، چیزی درست نمی‌شود.

### وحدت راز موفقیت و قدرت جامعه

امیرالمؤمنین (ع) به عنوان جامعه‌شناس و سیاست‌مدار درباره نقش وحدت و اختلاف در شکست و پیروزی جوامع می‌فرماید:

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتِ الْأَمْلاءُ مُجْتَمِعَةً وَ الْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً وَ الْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً



وَ الْأَيْدِي مُتَرَادِفَةً وَ السُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً وَ الْبَصَائِرُ نَافِدَةً وَ الْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَابًا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِينَ وَ مَلُوكًا عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ؟ فَانظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ تَشَتَّتِ الْأَلْفَةُ وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَ الْأَفِيدَةُ وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ وَ تَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ وَ قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كِرَامَتِهِ وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَ بَقِيَ قِصَصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا [عِبْرَةٌ لِلْمُعْتَبِرِينَ؛

پس اندیشه کنید که چگونه بودند آن گاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته های آنان یکی، قلب های آنان یکسان و دست های آنان مدد کار یکدیگر، شمشیرها یاری کننده، نگاه ها به یک سو دوخته و اراده ها واحد و همسو بود! آیا در آن حال مالک و سرپرست سراسر زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ پس به پایان کار آن ها نیز بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت و سخن ها و دل هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب ها و گروه ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تشنان بیرون آورد و نعمت های فراوان شیرین را از آنها گرفت و داستان آنها در میان شما عبرت انگیز باقی ماند.<sup>۱</sup>

این وحدت راز موفقیت و قدرت جامعه است که دشمن با آن دشمنی می کند. ما اگر از فتنه اختلاف عبور کنیم، این راه ما را برای پیشرفت همواره می کند. اختلاف مثل دست انداز اجازه نمی دهد ماشین جامعه سریع حرکت کند.

### لازمه «حفظ ثبات اجتماعی»، «تحمل مظلومیت» است

طبیعی است که در این بستر تلاش برای حفظ ثبات اجتماعی و وحدت جامعه، خوبان هم مظلوم واقع می شوند. یکی از مظلومیت ها در این ثبات اجتماعی شامل حال رهبران جامعه دینی است که وقتی می خواهند به جامعه ثبات بدهند، به هزار حرف متهم می شوند. به امیرالمؤمنین (ع) می گفتند سیاست بلد نیستی و معاویه

می گفت تو همان کسی هستی که اجازه دادی تو را با خواری و خفت به مسجد ببرند. حضرت فرمود معاویه، خواستی سرزنشم کنی و حال آنکه مرا مدح کردی؛ چه اشکالی دارد مسلمان در راه خدا مظلوم باشد؟ در حالی که شکی در دینش ندارد.

قُلْتُ إِنِّي كُنْتُ أَقَادُ كَمَا يَقَادُ الْجَمَلُ الْمُحْشُوشُ حَتَّى أَبَايَعِ وَ لَعَمْرُ اللَّهِ لَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ تَذُمَّ فَمَدَحْتَ وَ أَنْ تَفْضَحَ فَافْتَضَحْتَ وَ مَا عَلَيَّ الْمُسْلِمِ مِنْ غَضَاظَةٍ فِي أَنْ يَكُونَ مَظْلُومًا مَا لَمْ يَكُنْ شَاكَاً فِي دِينِهِ وَ لَا مُرْتَاباً بَيِّقِينَهُ؛

و گفתי که من همانند شترِ بینی مهار شده، کشانده می شدم تا بیعت کنم. خدای را سوگند، خواستی مرا نکوهش کنی، اما ستایش کردی؛ خواستی مرا رسوا سازی، اما خود رسوا شدی. مسلمان را عیبی نیست که مظلوم گردد، مادام که در دینش به شک و در یقینش به تردید دچار نشود.<sup>۱</sup>

فاطمه زهرا (س) برای دفاع از علی بن ابی طالب (ع) قیام کرد. به بهانه فدک به مسجد رفت، حرکت خودش را انجام داد، داستان و فلسفه حرکت حضرت بماند. بعد آمد به خانه دید علی بن ابی طالب زانوی غم بغل گرفته و نشسته. این اولین باری بود که این مرد در خانه نشسته بود و بانوی دو عالم، امانت پیغمبر، در میان نامردها به قیام به حق می پرداخت. اصلاً صحنه عجیبی است. همیشه فاطمه نشسته بود، علی می رفت بیرون، حالا صحنه برعکس شده. بچه ها می بینند برای اولین بار است انگار یک انقلابی در آن خانه شده ...

آنجا بود که امیرالمؤمنین (ع) فرمان صبر داد، صدا زد: فاطمه من! صبر کن «فَاَحْسَبِي اللَّهُ؛ به خدا واگذار کن.»<sup>۲</sup> فاطمه زهرا هم فرمود چشم و گفت: «حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» و دیگری چیزی نفرمود (وَ أَمْسَكْتُ) دیگر بعد از اینکه فرمان

۱ نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲ احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۷.

جلسه هشتم: راز موفقیت و قدرت جامعه در مقابل دشمن □ ۱۴۷

صبر صادر شد، فقط این صدای آرام گریه فاطمه بود که در فضا پخش می شد، یک موسیقی ملایم آسمانی، عرشی و ملکوتی و محزون که دل ها را باید بیدار می کرد، جز دل های بیمار.



## جلسه نهم:

### نقش مردم در مصاف با دشمن

#### حذف کردن دشمن، مشکلی را حل نمی کند

واقعیت های به ظاهر تلخ با چشم بستن بر روی واقعیت تغییر نمی کند، بلکه با مواجهه صحیح با واقعیت های به ظاهر تلخ، قابل بهره برداری می شود. مثلاً شما ببینید آب خروشان را رها کنید، ممکن است یک شهر را با خود به زیر بکشد؛ اما همین آب خروشان را سد بزن، از آن می توانی برق استخراج کنی، از این آب پشت سد کلی می توانی بهره برداری کنی.

دشمن به عنوان یک واقعیت به ظاهر تلخ در زندگی بشر وجود دارد. این دشمن را نباید در ذهن و دلمان حذف کنیم با حذف کردن دشمن، دشمن حذف نمی شود. مسئله ما با او و مسئله او با ما حل نمی شود. بزرگ ترین دشمنی با یک جامعه این است که جامعه را نسبت به دشمن و خطرات او، بی تفاوت کنند. پس چه کنیم؟ بیا یک سدی درست کن، از این ظرفیت استفاده کن، تهدید را تبدیل به فرصت کن. ما به صورت مفصل به فواید وجود دشمن در حیات بشر، سخن گفتیم و اینکه ساختار زندگی ما طوری طراحی شده است که وجود دشمن در آن برای رشد ما و جامعه ما اجتناب ناپذیر است.

#### شیوه صحیح مواجهه با دشمن

شیوه صحیح مواجهه با دشمن، این است که در گام اول نقاط ضعف دشمن را

بینیم، بعد مهم‌ترین نقطه قوت خودمان را که نصرت خدا بود، بینیم تا روحیه خودمان را مقابل دشمن نوازیم، بعد راه‌های دریافت نصرت خدا را هم بیان کردیم. صبر و مقاومت، مهم‌ترین شرط دریافت نصرت خدا بود؛ اما مهم‌ترین نقطه ضعف یک جامعه مقابل دشمن اختلاف است، مهم‌ترین عامل قوت و قدرت جامعه در مقابل دشمن وحدت و همدلی است. این‌ها را بیان کردیم.

### راه دریافت نصرت الهی در مقابل دشمن

یکی دیگر از راه‌های دریافت نصرت الهی مقابل دشمن، یا یکی دیگر از عوامل مهم قدرت و قوت جامعه، مقابل دشمن، حضور مردم است. خداوند متعال می‌فرماید:

وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ؛ و اگر بخواهند دشمنان تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد.<sup>۱</sup>

بینید خدا هم وزن نصرت خود، نصرت جامعه ایمانی را قرار داده است. یک طرف کفه را نصرت خود و طرف دیگر را نصرت مردم مؤمن گذاشته و می‌فرماید:

وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و دل‌های آن‌ها را با هم الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!<sup>۲</sup>

یعنی این حضور مردمی، با دل و جان است، با سر زبان نیست. این حضور دلی

۱ انفال، ۶۲.

۲ همان، ۶۳.

هم کار خداوند است. تو نمی توانستی این طوری دل ها را جمع کنی. بعد می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی است (فقط بر آن ها تکیه کن)»<sup>۱</sup> پیغمبر خدا تو را بس است و عده ای از مؤمنین که تو را تبعیت می کنند. باز اینجا خدا دست بردار نیست، در کنار نقش خودش برای حمایت از پیغمبرش، پای مؤمنین را وسط می کشد.

### قیام فاطمی برای به صحنه آوردن مردم در مقابل دشمن

شما فکر می کنید اگر مردم در صحنه حضور داشتند کار حضرت زهرا (س) به در و دیوار کشیده می شد؟

قیام فاطمه اطهر (س)، برای این بود که مردم را به صحنه مواجهه با دشمن بکشاند. حضرت می دانست که مردم بیایند، کار تمام است. هر چه حضرت فریاد زد، چهل روز به درب خانه تک تک انصار و مهاجرین رفت، پاسخی از این جامعه نشنید حتی یک نفر. می فرمود:

يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ انصُرُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَ قَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ ص يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَمْنَعُوهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَ ذَرَارِيكُمْ فَفُوا لِرَسُولِ اللَّهِ ص بَبَيْعَتِكُمْ قَالَ فَمَا أَعَانَهَا أَحَدٌ وَ لَا أَجَابَهَا وَ لَا نَصَرَهَا؛<sup>۲</sup>

ای گروه مهاجرین و انصار خدا را نصرت بدهید بدرستی که من دختر پیغمبر شما هستم و شما با رسول الله ص بیعت کردید در روزی که بیعت کردید که از او و فرزندان او دفاع کنید همان طور که از خود و فرزندان خود دفاع می کنید، پس به بیعت خودتان با رسول الله پاسخ دهید. هیچ کسی کمک نکرد و هیچ کس زهرای مرضیه

۱ همان، ۶۴.

۲ الاختصاص، ۱۸۴.

را اجابت نکرد و نصرت نداد.

مگر گرد مرگ بر سر این جامعه ریخته بودند؟ مگر آدم معمولی با آن‌ها حرف می‌زد؟ مردم مدینه جایگاه و نسبت فاطمه زهرا (س) با رسول الله (ص) را می‌دیدند و می‌دانستند او همان کسی است که هر وقت به محضر رسول الله (ص) می‌آمد، پیامبر به احترامش به قامت می‌ایستاد و در شش ماه پایانی عمر خودشان، هر صبح به درب خانه آن حضرت می‌رفتند و می‌فرمودند: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه».

مردم مدینه می‌دانستند آیه تطهیر و بسیاری از آیات دیگر در شأن فاطمه زهرا (س) است. او همان کوثری است که خدا به پیامبر هدیه کرده است. (انا اعطیناک الکوثر). با این حال به حضرت زهرا (س) پاسخ درخوری نمی‌دادند.

حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه خطاب به انصار فرمود:

شما توان و قدرت تغییر وضعیت موجود را دارید، چرا اقدامی نمی‌کنید؟؛ «یا مَعْشَرَ الْفِئْتِیْهِ (التَّقِیْبِیْهِ) وَ اَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَصَنَةَ الْاِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِیْزَةُ فِی حَقِّی وَ السَّئَةُ عَنْ ظُلَامَتِی؟ اَمَّا كَانَ رَسُوْلُ اللهِ (ص) اَبِیْ یُقُوْلُ: «الْمَرْءُ یُحْفَظُ فِی وُلْدِهِ»؟ سَرْعَانَ مَا اَحْدَثْتُمْ وَ عَجَلَانَ ذَا اِهَالِهِ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا اُحَاوِلُ وَ قُوَّةٌ عَلَیْ مَا اَطْلُبُ وَ اُزَاوِلُ؛<sup>۱</sup>

ای جوانمردان! و ای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام! این نادیده گرفتن حق مسلم من از سوی شما چیست؟ این چه تغافل‌ی است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان می‌دهید؟! آیا رسول خدا (ص) پدرم نمی‌فرمود: «احترام هر کس را در مورد فرزندان او باید نگاه داشت؟» چه زود اوضاع را دگرگون ساختید و چه با سرعت به بیراهه گام نهادید، با این که توانایی بر احقاق حق من دارید و نیروی کافی بر آنچه می‌گویم، در اختیار شما است.



بعد فرمود:

إِنهَا بَنِي قَيْلَةَ! أَهْضَمُ تَرَاثَ أَبِيهِ وَ أَنْتُمْ بِمِرَايِ مِنِّي وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ؟ تَلْبَسُكُمْ  
الدَّعْوَةُ وَ تَسْمَلُكُمْ الْخَيْرَةُ وَ أَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةُ وَ الْأَدَاوُ وَ الْقُوَّةُ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ  
وَ الْجُنَّةُ، تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِينُونَ (تَعِينُونَ)، وَ أَنْتُمْ  
مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّحْبَةُ الَّتِي انْتَحَبْتَ وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي  
اخْتِيَرْتُ؛

عجبا! ای فرزندان (قيله)! (زن با شخصیت و شرافتمندی بود که نسب قبائل انصار به او منتهی می‌گردد) آیا ارث من باید پایمال گردد و شما آشکارا می‌بینید و می‌شنوید و در جلسات و مجمع شما این معنا گفته می‌شود و اخبارش به خوبی به شما می‌رسد، باز هم خاموش نشسته‌اید؟ با این که دارای نفقات کافی و تجهیزات و نیروی وسیع و سلاح و سپر هستید، دعوت مرا می‌شنوید و لیبیک نمی‌گویید؟ فریاد من در میان شما طنین افکن است و به فریادم نمی‌رسید؟ با این که شما در شجاعت زبانزدید و در خیر و صلاح معروفید و شما برگزیدگان اقوام و قبایل هستید.<sup>۱</sup>

فریادهای فاطمه اطهر (س)، برای جریان سازی مردمی به جایی نرسید. آخرین خانه‌ای که زهرای مرضیه، چهل روز در زدند، خانه معاذ بن جبل بود. حضرت زهرا (س) وقتی به درب خانه معاذ رفت فرمود معاذ! آمده‌ام تا از تو کمک بگیرم، تو با رسول خدا (ص) بیعت کردی که همان طور که از خودت و خانواده‌ات حمایت می‌کنی، از فرزندان و شخص پیامبر حمایت کنی. معاذ یک پرسش کرد و آن پرسش بسیار معنادار بود؛ گفت یا فاطمه آیا غیر از من کسی اعلام آمادگی برای حمایت از شما کرده است؟ حضرت با چه احساسی فرمودند: «نه یک نفر هم مرا اجابت نکرده است؛ لَا مَا أَجَابَنِي أَحَدٌ»؛ معاذ گفت پس کمک من یک نفر به چه دردی می‌خورد؟

فَقَالَتْ يَا مُعَاذَ بْنَ جَبَلٍ إِنِّي قَدْ جِئْتُكَ مُسْتَصِرَّةً وَقَدْ بَايَعْتَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَلَيَّ  
 أَنْ تَنْصُرَهُ وَدُرَيْتَهُ وَتَمْنَعَهُ مِمَّا تَمْنَعُ مِنْهُ نَفْسَكَ وَدُرَيْتَكَ وَإِنَّ أَبَا بَكْرٍ قَدْ غَضِبَنِي عَلَيَّ  
 فَذَكَرَ وَأَخْرَجَ وَكَلِمَاتٍ مِنْهَا قَالَ فَمَعِيَ غَيْرِي قَالَتْ لَا مَا أَجَابَنِي أَحَدٌ قَالَ فَأَيْنَ أَنْبَلُغُ أَنَا  
 مِنْ نُصْرَتِكَ.<sup>۱</sup>

راستی ما چقدر برای حضور مردم، وقت گذاشتیم؟ حضرت زهرا (س)، برای  
 خنثی سازی نقشه دشمن، چهل روز رفت درب خانه مردم، با مردم حرف زد. گاهی  
 ما این حداقل را هم حال نداریم اجرا کنیم، نمی رویم با برادران و خواهران خودمان  
 صحبت کنیم.

### مردم بازوان ولایت در مقابل هستند

نقش مردم در مصاف با دشمن، نقش کلیدی است. مردم بازوان ولایت در  
 مقابل دشمن هستند. ریشه مظلومیت ولی، فقدان حضور مردمی است. حضرت  
 امیرالمؤمنین کی به میدان مبارزه پا گذاشت؟ وقتی مردم اعلام حضور کردند. حضور  
 حاضرین امیرالمؤمنین را بعد از ۲۵ سال خانه نشینی به عرصه آوردند. این حضور  
 نباشد، حضرت به تنهایی چه کاری از دستش برمی آید؟ پیغمبر هم فرمود: «علی  
 جانم! مردم نیامدند، تو هم نیا پای کار مردم!»<sup>۲</sup>

امام جامعه هر چقدر هم قوی باشد بی نیاز از همراهی و هم دلی و هم گامی مردم  
 نیست. این همراهی جامعه با امام، از همراهی قلبی شروع می شود تا همراهی  
 عملی. در مسئله ظهور هم دقیقاً همین اتفاق می افتد. اصلاً منجی چگونه جهان را  
 نجات می دهد؟

۱. الاختصاص، ص ۱۸۴.

۲. إِنَّ وَجَدْتُ أَعْوَانًا قَبَائِدَ إِلَيْهِمْ وَ جَاهِدَهُمْ وَ إِنَّ لَمْ تَجِدْ أَعْوَانًا فَكَفَّ بِدَكَ وَ احْتَقِنْ دَمَكَ حَتَّى تَلْحَقَ بِى مَظْلُومًا.

احتجاج، ج ۱، ص ۱۹۰.

## حکومت مهدوی حکومت مردمی

آیا امام زمان (عج) با لشکر آسمانی، همه مشکلات را حل می‌کند؟ یعنی وقتی امام زمان (عج) تشریف آورند با خودشان لشکری از آسمان می‌آورند که آن لشکر آسمانی تمام مشکلات جهان بشریت را حل می‌کند؟ و آن‌ها هستند که عدالت و قسط را در زمین برپا می‌کنند، آیا این طور عدالت و قسط در جهان برقرار می‌شود؟ نه خیر. خدا هیچ وقت همه کارهای بندگان را به تنهایی انجام نمی‌دهد. راهنمایی می‌کند، راه را نشان می‌دهد، عقل و درک و توانایی می‌دهد، کمک می‌کند، ولی به تنهایی همه کارها را انجام نمی‌دهد. «مردم باید حرکت کنند، تا خداوند برکت بدهد» (حرکت از تو، برکت از خدا). وقتی حرکتی نباشد، نصرتی هم نخواهد بود. خود خداوند هم همین را گفته: «جَاهِدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»<sup>۱</sup>.

اگر قرار بر این بود که مشکلات با لشکری از آسمان حل شود، زمان امیرالمؤمنین (ع)، در دوران حاکمیت ایشان آن لشکر آسمانی می‌آمد و مشکلات را حل می‌کرد و این همه امیرالمؤمنین به مردم رو نمی‌زد، مردم هم راحت می‌نشستند در منزل خودشان، مشکلات با آن لشکر آسمانی حل می‌شد.

البته امام منجی ما، از لشکر آسمانی هم برای حل مشکلات استفاده می‌کند همان طور که پیامبر از لشکر آسمانی استفاده می‌کردند اما این لشکر آسمانی بدون نقش آفرینی مردم به چه کار می‌آید؟ از سوی دیگر هیچ گاه لشکر آسمانی جای لشکر زمینی نقش آفرینی نمی‌کند.

آیا منجی با سیصد و سیزده نفر از مدیران سیاسی قوی جهان بشریت را از مشکلات نجات می‌دهد؟ درست است که سیصد و سیزده نفر از مدیران سیاسی

قدرتمند، لازمه تشکیل دولت امام منجی هستند. همان طور که حضرت در ذیل این آیه شریفه که می فرماید «زمین بعد از مرگش زنده می شود» فرمودند:

زمین به وسیله باران زنده نمی شود، بلکه خدا مردانی را می فرستد که عدالت را برپا می کنند و زمین به وسیله عدالت زنده می شود؛ یَحْيَى الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ لَيْسَ يَحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فَيَحْيُونَ الْعَدْلَ فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ.<sup>۱</sup>

ولی این مدیران سیاسی به تنهایی عدالت برقرار کافی نیستند. فقط با یک دولت قوی مشکلات بشریت حل نمی شود. مقام معظم رهبری فرمودند:

حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و ارادهها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت های مدّعی مردمی بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد.<sup>۲</sup>

### مردم قیام به قسط می کنند نه انبیا

قرآن هم همین طرح را با صدای بلند اعلام می کند. فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».<sup>۳</sup> پیامبران می آیند تا مردم خودشان به قسط قیام کنند، نه اینکه خود پیامبران، قسط را برای مردم اجرا کنند یا اینکه پیامبران مردم را به قسط وادار کنند، بلکه پیامبران محیطی ایجاد می کنند که

۱ کافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

۲ نظریه انتظار / ۱۳۸۱/۰۷/۳۰ / نیمه شعبان / مصلی تهران.

۳ حدید، ۲۵.

خود مردم به قسط، قیام کنند. حکومت انبیا، حکومت مردمی است.

### دشمن و پروژه مردم‌سازی اغتشاشات

فقط کافی است مردم قدرت خودشان را باور کنند، هر موجی را از دشمن دفع می‌کنند. امروز دشمن، با فضای مجازی برای خودش طرفدار مردمی درست می‌کند، دم از مردم می‌زند، از آشوب عده کمی از ۸۰ میلیون، چه مردم مردمی بیرون می‌کشد؟ آن چند میلیون مردمی که می‌آیند تشیع جنازه شهدا را مزدور می‌نامد؛ اما آن چند صد نفر را مردم می‌نامد.

### انقلاب مردمی، مردم انقلابی

انقلاب ما مردمی بود و مردم ما هم انقلابی بودند و البته هنوز هم پای کار انقلاب خودشان هستند. امام (ره) فرمودند:

ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم آلا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دست‌های بشر در آن دخالت داشته باشند، خدای تبارک و تعالی به ما اعطا فرموده است.<sup>۱</sup>

معجزه با حضور مردم اتفاق می‌افتد، معجزه حضور مردم است. مقام معظم رهبری در اول بیانیه گام دوم فرمودند:

از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند.

اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است.

قیام مردم، رمز موفقیت انقلاب بود و است و قدرت و نصرت خداوند هم وقتی به کمک بندگان می‌آید که همه مردم پای کار بیایند. این را هم خود خدا وعده داده و هم تجارب بشری از جمله در انقلاب اسلامی خودمان نشان داده است.

### بحران جنگ، با قدرت مردم حل شد

این تفاوت را با صدای بلند باید فریاد زد، چرا انقلاب موفق شد؟ چون مردم قیام کردند. مردم قیام کنند، همه ابرقدرت‌ها را شکست خواهند داد. مردم قیام کنند، همه مشکلات را حل خواهند کرد. این مدلی است که ما چهل سال در انقلاب اسلامی آن را تجربه کرده‌ایم. ما بزرگ‌ترین بحران‌های این کشور را با مردم حل کردیم، جنگ تحمیلی، بزرگ‌ترین بحران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود، این جنگی که همه دنیا علیه ما بود را چطور پیروز شدیم؟ با حضور مردم. این تجربه عینی ما است از قدرت مردم، در حل مشکلات و بحران‌ها است.

### نقش مردم در برابر فتنه‌های اقتصادی و فرهنگی دشمن

امروز هم اگر مردم ما در برابر فتنه‌های اقتصادی و فتنه‌های فرهنگی دشمن، اقدام و قیام کنند، بسیاری از مشکلات حل شدنی است. حضور ما هم به تنهایی فایده ندارد، باید مردم را به خط کرد. الآن دیگر زمانی نیست که به تنهایی به خط بزنیم، جامعه را باید با ولیّ حق همراه کرد. با اهداف بزرگ آشنا کرد. مثلاً چگونه ما مردم می‌توانیم در فتنه‌های اقتصادی نقش آفرین باشیم؟

### مردم پای هر کارخانه تعطیل شده بیایند و آن را سرپا می‌کنند

مردم پای هر کارخانه تعطیل شده، بیایند می‌توانند آن کارخانه را سرپا کنند،

منتها نظامات سیاسی و فرهنگی ما اساساً چنین رویکردی را ندارند. البته تا وقتی به اضطرار برسیم، مثل سیل و زلزله و... مردم ما می‌آیند پای کار، این چیز خوبی است؛ اما سبک زندگی ما نیست. آیت الله بهجت (ره) فرمود:

چه خوب است که در هر شهری، هیئتی، اعانه‌ها و کمک‌های مردمی را جمع‌آوری کنند و شبانه به فقرا و محرومین شهر برسانند و نگویند که چه کسی داده است. چیزی نمی‌گذرد که گویی همه‌ی اهل شهر، غنی هستند.<sup>۱</sup>

اگر به همین سفارش ایشان عمل کرده بودیم، الان کلی از مشکلات ما حل شده بود، قدرت مردم یک جامعه فقیر را غنی می‌کند.

مقام معظم رهبری خطاب به دولت مردان و مسئولین فرمودند:

مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ این یک و برای این هم که از ظرفیت‌های مردمی هم در عمل چگونه بایستی استفاده کرد، ساز و کار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند.<sup>۲</sup>

این حرف یعنی مشکلات با نقش‌دهی به مردم حل می‌شود. این نیاز به قانون دارد، این نیاز به همکاری مردم و حاکمان دارد. این حرفی نیست که بنشینیم و تماشا کنیم و از کنارش عبور کنیم.

یکی از معانی شریک کردن مردم در اقدام یعنی این که عده‌ای از مؤمنین جمع شوند و یک بخش غیررسمی، در موضوعات مختلف تشکیل دهند و در امور شهر اثرگذار باشند. آن‌ها از شهر مواظبت کنند و به امور معیشتی و سیاسی رسیدگی کنند. این طور هم بار دولت را کم کرده‌اند هم گلیم خودشان را از آب کشیده‌اند. مشکلات

۱ در محضر بهجت، ج ۱، ص ۴۵.

۲ ۱۹/۱۰/۱۴۰۰ بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم.

خودشان را هم خودشان حل کردند.

اگر ما مردم به همان تک موعظه خدا عمل کنیم، با هم قیام کنیم و مثل قوم حضرت موسی (ع) نشینیم و دست روی دست نگذاریم، بسیاری از مشکلات مردم به دست قدرتمند مردم حل می‌شود. فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛<sup>۱</sup> یعنی خدا اوضاع یک جامعه و مردم را تغییر نمی‌دهند مگر اینکه آن مردم و جامعه خودشان را تغییر دهند و خودشان برای تغییر اوضاع قدمی بردارند.

### فعال کردن بخش تعاونی، یک گام اساسی برای نقش آفرینی مردم

چگونه ما برای تغییر اوضاع قدمی برداریم؟ یک گام اساسی این است که تصمیم بگیریم ما مردم نقش آفرینی کنیم. در اقتصاد، در معیشت. ما تصمیم بگیریم سبک معیشت خودمان را عوض کنیم. الان پول گذاشتن در بانک، در جامعه ما زشت نیست. این سبک زندگی ما است. در حالی که اگر همین یک سبک زندگی را تغییر دهیم، چقدر اوضاع معیشت تغییر می‌کند. تعاونی‌ها را تقویت کنیم.

الان در جهان تعاونی‌ها رشد کرده‌اند، چقدر طرفدار پیدا کرده است. یکی از تعاونی‌های موفق در انگلستان و از یک سری مقررات مخصوص پیروی می‌کرد و الگوی عملی و تجربی تشکیل تعاونی در کشورهای گوناگون قرار گرفت، «تعاونی مصرف پیشگامان منصف راجدایل بود» این تعاونی در سال ۱۸۴۴ در راجدایل، محل نزدیکی شهر منچستر انگستان دایر شد و از آن تاریخ تا کنون، تعاونی‌های بسیاری در جهان تأسیس شده است و ۸۰۰ میلیون عضو دارد.<sup>۲</sup>

۱ رعد، ۱۱.

۲ مقاله: اقتصاد تعاونی در اسلام: غلام رضا سرآبادنی.



جلسه نهم: نقش مردم در مصاف با دشمن □ ۱۶۱

این روحیه مبنای اسلامی دارد. فرمود: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى». <sup>۱</sup> اگر به همین آیه در معیشت و اقتصاد عمل کنیم، تمام مشکلات امروز را به فضل الهی از پیش رو خواهیم برداشت. کما اینکه تا به امروز تجربه تاریخی ما نشان داده است، بزرگترین مشکلات کشور، با مردم حل شده است. حسن ختام سختم این کلام امام خمینی (ره) باشد که فرمود:

حالا وقتی است که همه همت کنید. نگذارید آن شوری که در مردم بود، آن اجتماع و اتحادی که بود، آن وحدت کلمه‌ای که بود، آن خدایی بودن کارشان، آن تحولی که در مردم از حیث اخلاق و تعاون پیدا شده بود. همین امروز یا دیشب بود که یکی که در همین معرکه‌ها بوده است گفت که وقتی که یک ساندریج را یک کسی توی خانه می‌آورد به یک کسی می‌داد، آن تا آن اندازه که می‌شد تکه تکه اش کند تکه تکه می‌کرد و می‌داد به دیگران؛ خودش استفاده نمی‌کرد. تا آن اندازه که می‌شد تکه کند تکه می‌کرد. لقمه لقمه می‌داد به اشخاص؛ زن و مرد و کوچک و بزرگ با هم یک حس تعاون یک حس محبت پیدا شده بود که همین معنا اسباب این شد که بحمدالله دشمن را از میدان بیرون کردید. اگر بتوانیم همین معنا را حفظ بکنیم شک نکنید که پیروزیم.<sup>۲</sup>

نقش آفرینی مردم، با تمرکز بر تعاونی‌ها، این انقلابی است برای انقلاب. پای این انقلاب بزرگ بایستیم وگرنه مثل قوم موسی (ع) که حاضر نشدند پای حضرت موسی (ع) بایستند و خدا آن‌ها را به سرگردانی و حیرانی چهل ساله مجازات کرد، همان سرگردانی عاقبت ما خواهد شد و باز به سر نقطه اول خودمان برمی‌گردیم.

در ماجراهای فاطمیه مردم نیامدند، بلکه تماشاچی شدند، وقتی با کسانی که

۱ مانده، ۲.

۲ صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۰.

مدعی حاکمیت بودند حرف می‌زد، او می‌گفت: «مردم مرا انتخاب کرده‌اند.»<sup>۱</sup> وقتی مردم نیامدند، فاطمه اطهر (س) با تمام وجود آمد. بعد وقت تشیع جنازه هم فرمود:

نمی‌خواهم مردمی که پای ولایت نیستند در تشیع جنازه و نماز شرکت کنند؛ لَا تُصَلِّ عَلَيَّ أُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.<sup>۲</sup>

---

۱ «فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ، أَنْتِ مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ، وَرَكْنُ الدِّينِ، وَعَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أُبْعَدُ صَوَابِكَ، وَلَا أَنْكَرُ خِطَابِكَ، هُوَ لَا إِسْلَامَ إِلَّا بِبَيْتِكَ فَلَدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍّ وَلَا مُسْتَأْتِرٍ، وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.»

## جلسه دهم:

### عاقبت دشمن

#### فضیلتی به نام دشمن‌شناسی

یکی از مهم‌ترین فضائل فاطمه اطهر (س)، دشمن‌شناسی و نشان دادن دشمنی‌ها است. چرا ما از این فضیلت فاطمه اطهر کمتر حرف می‌زنیم؟ گاهی ما فضائل حضرت را به چند فضیلت منحصر می‌کنیم. دشمن‌شناسی اگر فضیلت نیست پس چی هست؟ فاطمه اطهر (س)، فقط ولی شناس نبودند، دشمن‌شناس هم بودند. خب چرا از این فضیلت کمتر بحث می‌کنیم؟ مگر فضیلت کمی است؟ چرا نمی‌گوییم چقدر آدم‌ها رذل و پست می‌شوند وقتی این فضیلت را ندارند. آیا رذالتی بالاتر از این است که کسی دشمن‌شناس نباشد؟ حساس به دشمن نباشد؟ نقشه‌های شوم دشمن را شناسایی نکند؟ بعضی‌ها دکانی برای خودشان زده‌اند، دیگران فکر می‌کنند این‌ها عجب اهل دیانت و معنویت هستند؛ اما با دشمن کاری ندارند، از دشمن حرف نمی‌زنند، اصلاً رذالتی در وجودشان هست به نام دشمن‌شناسی، عدم حساسیت نسبت به دشمن.

خداوند متعال وحی کرد به حضرت موسی (ع)، «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ مُوسَى هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَطُّ؛ آیا عملی است که فقط برای من انجام داده باشی؟!»، حضرت موسی (ع) فرمود: «إِلَهِي صَلَّيْتُ لَكَ وَصُمْتُ وَتَصَدَّقْتُ وَذَكَرْتُ لَكَ؛ خدایا برات نماز خوندم، روزه گرفتم، صدقه دادم، ذکر گفتم». خدا فرمود هرکدام از این اعمال خوب اثری در دنیا یا در آخرت برای تو داشته است؛ اما چه کاری فقط

برای من انجام دادی؟ حضرت موسی (ع) اینجا عرضه داشت: «ذَلَّنِي عَلَىٰ عَمَلٍ هُوَ لَكُ؛ مرا راهنمایی کن به آن عملی که فقط برای تو هست؟» خداوند متعال فرمود: «يَا مُوسَىٰ هَلْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا وَهَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ؛ ای موسی! آیا تا به حال برای من با کسی دوستی کردی و آیا برای من با کسی دشمنی کردی؟!»<sup>۱</sup>

چقدر دقیق خدا نقطه زن عمل می‌کند. شاخص را می‌برد اینجا، دوستی و دشمنی. گاهی اوقات دوستی‌ها سر جایش است؛ اما دشمنی‌ها سر جایش نیست. وقتی حساسیت نسبت به دشمن نیست. ممکن یک نفر نمازخوان باشد؛ اما حساسیت نسبت به دشمن نداشته باشد. ممکن است برخی تولایشان خوب باشد؛ اما تیرایشان لنگ بزند. این عده با این عدم تبری، اجر تولی خود را نیز ضایع می‌کنند؛ زیرا سکوتشان به سود دشمن و به ضرر دوست است.

زود است که بگوییم مرگ بر دین داری، اما می‌توانیم بگوییم نفرین بر این مدل دین داری. دین داری که با دشمن کاری ندارد. امیرالمؤمنین ۵ نفر را در قنوت خودش لعن می‌کردند؛<sup>۲</sup> یکی از آن‌ها ابوموسی اشعری بود که نماینده چنین تفکری بود. می‌گفت نباید علیه دشمن اقدامی کرد. شعارشان این بود: «لَا قِتَالُ؛ جنگ نه».<sup>۳</sup>

### ردیلتی به نام عدم حساسیت نسبت به دشمن

نقطه مقابل فضیلتی به نام حساسیت نسبت به دشمن، رذالت و پستی است به نام عدم حساسیت نسبت به دشمن. بعد بعضی از سیاست‌مداران ما، این ردیله بزرگ

۱ جامع الاخبار، ص ۱۲۸.

۲ «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْقِلٍ، عَنْ عَلِيٍّ (ع): أَنَّهُ قَتَلَ فِي الصُّبْحِ فَلَعَنَ مُعَاوِيَةَ وَ عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ وَ أَبَا مُوسَىٰ وَ أَبَا الْأَعْوَرِ وَ أَصْحَابَهُمْ» (امالی طوسی، ۷۲۵)

۳ «أَمَّا السَّنَةُ مِنَ الْآخِرِينَ فَالْعَجَلُ وَ هُوَ تَعْتَلُ وَ فِرْعَوْنُ وَ هُوَ مُعَاوِيَةُ وَ هَامَانَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُوَ زِيَادُ وَ قَارُونَهَا وَ هُوَ سَعِيدُ وَ السَّامِرِيُّ وَ هُوَ أَبُو مُوسَىٰ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ لِأَنَّهُ قَالَ كَمَا قَالَ سَامِرِيُّ قَوْمِ مُوسَىٰ لَا مِسَاسَ أَى لَا قِتَالُ» (الخصال، ج

سیاسی را کرورکرور دارند و این رذیلت و پستی خودشان را به مردم منتقل می‌کنند. چون فرمود: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ مردم به حاکمان خودشان شبیه‌ترند از پدرانشان»<sup>۱</sup> خدا رو شکر الان در مستند حکومت نیستند؛ ولی نفس می‌کشند. واقعاً این فضیلت بزرگی است برای یک جامعه، که نسبت به دشمن حساس باشند. واقعاً این فضیلت بزرگی است برای فاطمه اطهر (س) که نسبت به دشمن حساس بودند.

### نفرین بر جامعه‌ای که این طوری زندگی می‌کند

نفرین بر جامعه مدینه که نسبت به دشمنی‌ها حساس نیست. دشمن هم نسبت به چنین جامعه حساس نیست. بعضی‌ها طوری زندگی می‌کنند که دشمن از آن‌ها احساس خطر می‌کند. بعضی جوامع طوری زندگی می‌کنند که دشمنان بشریت از آن‌ها احساس خطر می‌کنند. اگر طوری زندگی کردیم که دشمن به ما و رفتار ما حساس نبود، آن روز باید به راه خود و به مسیری که انتخاب کردیم باید شک کنیم.

### احساس خطر دشمن از شما علامت درستی مسیر شما است

امروز مردم ما، مسیری را انتخاب کرده‌اند که دشمنان بشریت بیشترین احساس خطر را از ما می‌کند، این یعنی مسیر را درست می‌رویم. در مدینه هم دشمنان از حضرت زهرا (س) احساس خطر کردند، یعنی آن حضرت طوری اقدام کردند که دشمن نتوانست ایشان را تحمل کند، رفت به سمت حذف فیزیکی‌اش، آن‌ها می‌دانستند که ضرب و شتم حضرت زهرا (س)، چه عواقب تاریخی و اجتماعی دارد، آن‌ها می‌دانستند که حضرت زهرا (س) همان بانویی است که پیغمبر در مقابل چشم این مردم فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي؛ فاطمه پاره

تن من است و هر کسی او را آزار دهد، مرا آزار داده است.» آزار حضرت زهرا (س)، هزینه داشت. چرا دشمن حاضر شد این هزینه را پرداخت کند؟ چون حضرت زهرا (س)، طوری رفتار کرد که چاره برای دشمن جز عکس العمل سخت نگذاشت.

### چرا فاطمه (س) را زدند؟

چرا فاطمه (س) را زدند؟ شنیدی می‌گویند یک نفر را به قصد کشت زدند؟ دیدی این لیدرهای آشوب، یک بسیجی را به قصد کشت می‌زنند؟ رفقا! مادران را به قصد کشت، زدند. والله فاطمه اطهر (س) می‌توانست احترام خودش را در جامعه حفظ کند، فقط با سکوتش، کار خاصی هم لازم نبود انجام دهد. فاطمه (س)! تو فقط حرف نزن! تو فقط سکوت کن! ما کار علی را یکسره می‌کنیم. تو مردم را علیه ما شوراندی. تو با گریه‌هایت مردم را به ما حساس کردی؟

چرا مادر سادات را به قصد کشت زدند؟ چون مادر شما، طوری رفتار کرد که دشمن از او احساس خطر کرد. حضرت زهرا (س)، دشمن را بی‌چاره کرد، گزینه دیگری نداشتند جز حذف فیزیکی حضرت زهرا (س)، این کار بزرگ‌بانوی دو سرا بود. مردم ببینید این‌ها دارند مرا می‌زنند، با من دشمنی می‌کنند؛ من فاطمه‌ام! بلند شوید و کاری بکنید؟ فرمود: «اُنْصِرُوا اللَّهَ فَإِنَّ ابْنَةَ نَبِيِّكُمْ؛ خدا را کمک کنید، من دختر پیغمبر شما هستم».<sup>۲</sup>

### شبیه فاطمه (س) شدن یعنی دشمن از ما احساس خطر کند

شبیه فاطمه (س) شدن یعنی طوری زندگی کنیم دشمن از ما احساس خطر کند. این یعنی فاطمی شدن، در مسیر فاطمه اطهر (س)، حرکت کردن. مثل شهید

۱ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲ الاختصاص، ص ۱۸۳.

محسن فخری زاده که یهود نمی‌تواند او را تحمل کند، دشمن شما از او احساس خطر می‌کند او را ترور می‌کند. این شهدا، علم فاطمه و فاطمیه را برپا کرده‌اند. معنای واقعی اقامه فاطمیه یعنی این.

### چرا مردم مدینه با قیام فاطمی همراهی نکردند؟

گاهی جنگ خارجی است، توپ و تانک و موشک است، تمام جامعه احساس خطر می‌کنند نسبت به دشمن؛ اما گاهی مدل دشمنی دشمن طوری نیست که شما به این سادگی و سهولت، بتوانی این احساس خطر نسبت به دشمن و حساسیت نسبت به دشمن را در دل‌های افراد جامعه بیدار کنی، اینجا قیام فاطمی نمی‌گیرد.

مردم مدینه پای رکاب رسول‌الله (ص) جنگیدند، جان دادند؛ اما پای رکاب دختر رسول‌الله (ص)، نجنگیدند وقتی حضرت می‌فرمود: «أَيُّمَّةَ الْكُفْرِ؛ با سردمدران کفر بجنگید.»<sup>۱</sup> شاید یکی از دلایل این باشد که مردم آنجا احساس خطر می‌کردند، میدان جنگ مشخص بود، حضور فیزیکی دشمن تا شهر مدینه را می‌دیدند، لمس می‌کردند، بالاخره اینجا صفت‌بندی‌ها مشخص بود؛ اما بعد از رحلت پیغمبر، جنس دشمنی‌ها، از جنس دشمنی‌های نبود که با آدم‌های غیرهوشمند، بتوانند این دشمنی را احساس کند، احساس خطر کنند.

### عدم احساس خطر از دشمن

حضرت زهرا (س)، از شدت هوشمندی علیه دشمنی و آن دشمنی، فریاد زد که به سهولت و به سادگی نمی‌توانستند مردم مدینه این دشمنی را لمس و حس کنند. برای همین با قیام فاطمی همراهی نکردند. آخر چه دلیلی دارد الآن با تو همراه بشویم؟ دشمن خارجی است؟ خطری اسلام و جامعه اسلامی را تهدید می‌کند؟

ما موافق فتنه نیستیم؛ اما فتنه در جامعه اسلامی فوایدی دارد. مثلاً حضرت فرمود: «از فتنه‌ای آخرالزمان کراهت نداشته باشید، فتنه منافقین را نابود می‌کند؛ لا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ فَإِنَّهَا تُبَيِّرُ الْمُنَافِقِينَ»<sup>۱</sup>. پس فتنه پرفایده است؛ اما یکی از بزرگ‌ترین فواید فتنه، بیدار شدن حساسیت جامعه نسبت به دشمن و دشمنی‌ها است. از خواب غفلت بیدار می‌شویم. راستی چقدر ما دشمن داشتیم؟! چقدر دشمن در دشمنی خودش جدی است! به کبیر و صغیر ما رحم نمی‌کند! شما دیدید در حمله به حرم شاه‌چراغ، دشمن چه می‌کرد با کودک ما، با خانم‌ها؟ با چند تا سخنرانی می‌توانستیم این حس حساسیت به دشمن را در مردم خود زنده کنیم؟

### هوشمندی فاطمه (س) در مقابل کدام دشمن؟

مردم مدینه، از دشمن احساس خطر نمی‌کردند، هوشمندی فاطمه (س) از این جنس بود که دشمنی که نیامده به مرزهای شما حمله کند، این دشمنی که گاهی بین شماست، پنهان است، این دشمن را تشخیص دهی. آثار دشمنی‌ها را در جامعه می‌دید آینده منفعل بودن مقابل دشمن و حساس نبودن نسبت به دشمن را بیان می‌کرد و می‌فرمود:

أَبَشِرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ، وَ هَرَجٍ شَامِلٍ، وَ اسْتِئْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فَيْتَكُمْ زَهِيداً، وَ جَمْعَكُمْ حَصِيداً، فَيَا خُسْرَى لَكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ؟ أَلَنْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ؟!؛ بشارت بادتان به شمشیر بُرنده و به هرج و مرج دائم و فراگیر و به استبداد ستمکاران که ثروت‌هایتان را تهی گرداند و جمعتان را درو کند. حسرت بر آنان که خبرها بر ایشان مخفی ماند! آیا ما [باید] شما را درحالی که بدان اکره دارید، به آن وادار کنیم؟<sup>۲</sup>

۱ کنز العمال: ۳۱۱۷۰.

۲ معانی الأخبار: ص ۳۵۴ ح ۱.



مردم! امروز بیایید علیه دشمن کاری کنیم. فردا دیر است و این دشمن پدر شما را در می آورد و آن وقت کاری از دست شما بر نمی آید.

### تفاوت وضعیت امروز با وضعیت دیروز دشمن

این وضعیت دیروز دشمن ما است؛ اما وضعیت امروز دشمن ما متفاوت است. امروز دشمنان ما و بشریت، به آخر خط رسیده اند. نظریه پردازان آمریکایی و غربی، می گویند: «آمریکا رو به افول و نابودی است.» «یهود معاند! می داند و می بیند که انقلاب اسلامی، یعنی مکتب علی بن ابی طالب (ع) و حضرت زهرا (س)، همان راهی است که به دست این مکتب، آن ها نابود می شوند.

### نقش ایرانی ها در نابودی دشمن

در قرآن کریم خداوند متعال فرمود:

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا؛  
گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می انگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه ها را جستجو می کنند و این وعده ای است قطعی.<sup>۱</sup>

این آیه درباره یهود است؛ اما اینکه این گروه چه کسانی هستند و نابودی یهود کی محقق شده یا می شود، دیدگاه های مختلفی است؛ اما در یک جمع بندی و یک احتمال آیت الله نجم الدین طبری، استاد بزرگ مهدویت می فرماید:

طبق تتبعی طی ۲۵ جلسه به طور استدلالی، مستدل و مستند ثابت کرده ام که قبل از ظهور امام عصر حکومت اسرائیل و حکومت یهود زایل می شود و در دوران ظهور

امام زمان دولتی به نام یهود و اسرائیل نخواهیم داشت.<sup>۱</sup>

ایشان در کتاب «تا ظهور» در اینکه چرا به قم می‌گویند قطعه از بیت المقدس،

می‌فرماید:

ممکن است هر یک از این کلمات خود، اشاره‌ای خاص داشته باشد؛ یعنی سرنوشت بیت المقدس، در قم رقم می‌خورد و آزادسازی آن سرزمین مقدس و هلاکت یهود، به دست قم و اندیشه قم است. گواه ما بر این مطلب - که سرانجام آزادی آن سرزمین پاک به دست مردم این شهر مقدس خواهد بود - این روایت است که فرمود: «رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا. قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا) فَقُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاك مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: ثَلَاثٌ مَرَّاتٍ هُمْ وَاللَّهِ أَهْلٌ قَمٍ؛ يَكِيٌّ مِنْ بَرِّكَانٍ مَا رَوَيْتَ كَرْدَه وَ مِي گويد: حضور امام صادق (ع) نشسته بوديم. امام (ع) اين آيه شريفه را تلاوت فرمود: (و هنگامی که نخستين وعده فرارسد، بندگان سخت‌كوش و نيرومند خود را بر ضد شما برانگيزم. به گونه‌ای که برای دست‌یابی به تبهكاران به جستجوی خانه به خانه پردازند. و اين وعده الهی قطعی است) عرض كرديم: فدایتان گرديم، اين بندگان نيرومند كاروران كيانند؟ سه بار فرمود: به خدا سوگند! آنان اهالی قم هستند.<sup>۲</sup>

بالاخره طبق این روایت و آیه و توضیحات آیه الله نجم الدین طوسی استاد بزرگ مهدویت، طومار اسرائیل به دست عده‌ای از مردم ایران رقم خواهد خورد. بنابراین، این نتیجه قطعی و حتمی دشمن ما است یعنی نابودی؛ اما این نابودی به دست عده‌ای اتفاق می‌افتد که ان شاء الله امیدواریم آن جامعه، ما باشیم. عاقبت و نتیجه

<sup>۱</sup> <http://shabestan.ir/detail/News/۷۹۳۴۶۹>

<sup>۲</sup> <https://www.m-mahdi.com/persian/books-۲۲۰۲>

این مبارزه سه هیچ به نفع ما است. این را باید با صدای بلند بگوییم همان طور که دشمن با تمام وجود این حرف را می‌داند. قبل از آن باید صدای شکستن، تمدن غرب را و عدم موفقیت آن را در مدیریت جهان نشان دهیم.

## الآن جهان حیاط خلوت ماست

الآن جهان حیاط خلوت ما است، الان غرب هیچ حرف تازه‌ای برای بشریت ندارد، هیچ راه تازه‌ای برای حل مسائل جهان ندارد، ما بلد نیستیم این واقعیت را به داخل کشور خودمان منتقل کنیم، غربی‌ها بلد نیستند حتی کشور خودشان را، جامعه خودشان را مدیریت کنند؟ چند نفر از مردم ما این حرف را باور می‌کنند؟

## میزان فقر در اروپا را بررسی کنیم

آن قدر آلاینده‌های غرب‌زدگی در کشور ما سهمگین و سنگین است، اصلاً در مخیله جامعه ما نمی‌آید یک‌بار برود میزان فقر را در اروپا بررسی کنید. آقا! نسبت فقر با اروپا چیست؟ می‌گوید حرفش را زن، بیا برایت نسبت ثروت با اروپا را بگویم در حالی شبکه یورونیوز وابسته به اتحادیه اروپا این آمار را می‌دهد:

بیش از ۱۸ میلیون کودک در اتحادیه اروپا با فقر و محرومیت اجتماعی روبه‌رو هستند. این آمار که مربوط به سال ۲۰۱۹ است، حدود ۲۲ و نیم درصد جمعیت کودکان اروپا را در برمی‌گیرد. انتظار می‌رود این وضعیت با همه‌گیری ویروس کرونا بدتر شده باشد. البته میزان فقر کودکان در کشورهای مختلف اروپا متفاوت است. بیشترین تعداد کودکانی که با فقر روبه‌رو هستند در بلغارستان و رومانی گزارش شده است، دو کشوری که از هر سه کودک یک نفر در فقر زندگی می‌کند. کمترین میزان در اسلوانی، هلند و فنلاند است که از هر ده کودک، یک نفر در فقر زندگی می‌کند. حدود ۶۰ درصد کودکان ساکن رومانی در محرومیت شدید مادی زندگی می‌کنند و ۸۰ درصد آن‌ها در معرض خطر فقر یا محرومیت اجتماعی قرار دارند.

این چه مدیریتی است که تولید فقر می‌کند؟ ناتوان است در حل مشکلات خودش؛ اما چرا صدایش را در تبلیغاتشان در نمی‌آوردند؟ این همه فقیر در اروپا چه می‌کنند؟ با تبلیغات کاری کرده‌اند این آمار و ارقام واقعی، غیر واقعی به نظر می‌رسد.

روزنامه "دی ولت" آلمان، بر اساس ارزیابی انجمن مشترک رفاه در آلمان در سال، ۲۰۲۰، ۱۶/۱ درصد مردم آلمان در زمره افراد فقیر قرار گرفتند که شامل حدود ۱۳ میلیون نفر ورقمی بی سابقه محسوب می‌شود. بر اساس این ارزیابی شکاف‌های رفاهی بین جنوب و بقیه جمهوری فدرال آلمان عمیق‌تر شده است. بر اساس بیانیه این انجمن رفاهی در برلین منتشر شد حدود ۱۶/۱ درصد شهروندان (۴/۱۳ میلیون نفر) را باید در زمره فقرا قرار داد. "اولریش اشنادیر"، مدیرعامل این انجمن این را یک رکورد جدید غم‌انگیز دانست.<sup>۱</sup>

آقا پس غرب هم درگیر فقر هست یا نیست؟ بعضی‌ها تا می‌گویی فقر در اروپا هست، انگاری برق سه فاز بهش وصل کردی. آن‌قدر مرعوب رسانه‌ها هستند، آن‌قدر حقیر تبلیغات هستند که اصلاً نمی‌توانند این حرف را بپذیرند. مؤمن به طاغوت و مدیریت نظام سلطه شده. کافر به طاغوت نیست. انگاری آیه‌الکرسی نخوانده که فرمود: «هرکسی کافر به طاغوت باشد و مؤمن به خدا باشد به ریسمان الهی چنگ زده است»، بیا به شما نشان دهم، آن‌قدر مؤمنین به خدا در کشور ما هستند که کافر به طاغوت نیستند.

پس غرب خودش دچار مشکلات فراوانی است. آنجا دیگر خبری نیست، پس حالا ما نباید حرف‌های خودمان را برای جهان مطرح کنیم؟ آیا انقلاب اسلامی ما برای مردم اروپا حرف دارد؟ آیا انقلاب اسلامی ما برای مردم آمریکا حرف دارد. آیا

این حرف تازه انقلاب اسلامی به گوش جهان رسیده است؟ چقدر رسیده است؟

### کتابی خواندنی از بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی

کتابی است حتماً مطالعه کنید، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، حیف ما اهل مطالعه نیستیم! از این کتاب باید فیلم بسازند، مستند بسازند، کاری کنند تا باورپذیر شود. نمایشگاه بزنیم آثار جهانی انقلاب اسلامی در اروپا و خصوصاً آمریکا واقعاً چیست؟<sup>۱</sup> بچه‌های ما خودباوری به دست بیاورند. آن وقت پرچم افتخار را با دست خود درب منزلشان نصب می‌کنند. می‌بیند پرچم انقلاب اسلامی در جهان بالاست هر چند حقیرهای داخلی چشم دیدن این سرفرازی را ندارند.

### جهاد تبیین یعنی تبیین آثار جهانی انقلاب اسلامی

حضرت آقا فرمودند جهاد تبیین، تبیین آثار جهانی انقلاب اسلامی کار ما است. ما مذهبی‌ها و انقلابی‌ها و مردم انقلابی اولاً باید برای خودمان روشن شود، این آثار جهانی اسلامی بعد برای مردم این مسئله را تبیین و روشن کنیم.

### ظرفیت‌های جهانی دین ما

رفقا ما دین جهانی داریم، ما برای جهان بشریت، حرف برای گفتن داریم، آیا برای جهانی شدن آماده‌ایم؟ دین ما ظرفیت جهانی شدن دارد و ما مسئولیت جهانی داریم. فرمود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup> ما دینی داریم که مسئولیتش جهانی است. آیا ما برای جهانی شدن زنده‌ایم و زندگی می‌کنیم؟

---

۱ بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، بهنام حمزه.

۲ التوبة: ۳۳

## در مدارس ما، جهانی شدن آموزش داده می‌شود؟

چقدر این فکر جهانی‌شدن، در آموزش‌های دینی ما، در مدارس ما وجود دارد؟  
پسرم! دخترم! درس بخوان! برای جهانی‌شدن. این بچه صد برابر بهتر از آن‌وقتی که  
برای خودش می‌خواست درس بخواند، درس می‌خواند. چون هدف بزرگ‌تری را  
برای او نشان دادی، عشق بزرگ‌تری در دل او موج می‌زند.

بسیاری از بدی‌های که در بچه‌های ما دیده می‌شود، به خاطر این است که اصلاً  
تربیتی با مدل جهانی‌شدن و جهانی‌فکر کردن و برای جهان نقشه و طراحی کردن،  
معنا ندارد. این ضعف ما در تربیت دینی است. کجا بچه‌های ما الفبای جهانی  
اندیشیدن و مسئولیت‌پذیری برای آبادی و آزادی جهان را تمرین می‌کنند؟

## توبیخ امام صادق (ع)، صحابی را که به فکر جهانی‌شدن نیست

یکی از اصحاب امام صادق (ع) نزد آن حضرت آمد و از ایشان سؤال کرد:  
«ثواب ما یاران شما بالاتر است یا ثواب یاران آخرین امام؟» حضرت فرمودند:  
«ثواب کارهای شما بالاتر از یاران آخرین امام است.» پرسید: «چرا؟» حضرت  
فرمودند: «همان‌طور که صدقه پنهانی اجرش بیشتر از صدقه آشکار است، عبادت  
غریبانه شما به همراه امام غریبتان و در حال در ترس از دولت باطل، اجرش از  
عبادت در حال ظهور حق به همراه امام ظاهر که دولت حق را تشکیل داده است،  
بیشتر است. ارزش عبادت در حال ترس از دولت باطل با ارزش عبادت در حال  
امنیت در دولت حق یکسان نیست. ارزش یک نماز در حالت نخست، برابر  
بیست و پنج نماز در حالت دوم است.» امام صادق (ع) و یارانش غریب بودند، ولی  
امام زمان (عج) رئیس عالم است، یارانش غربت ندارند. زحمت می‌کشند؛ اما  
غربت ندارند. و معلوم است که عبادت و زحمت توأم با غربت، اجرش بیشتر از  
عبادت و زحمت بی‌غربت است.

آن آقا نتیجه خاصی از کلام حضرت گرفت و سؤال مهم دیگری پرسید: «اگر این گونه است، چرا دعا کنیم که فرج آن حضرت زودتر فرا برسد؟ چرا دعا کنیم که از اصحاب حضرت قائم (عج) در زمان تحقق دولت حق باشیم، در حالی که الآن، که در زمان امامت شما هستیم، ثواب اعمالمان بیشتر است؟»

قبل از اینکه پاسخ امام صادق (ع) را بشنویم، حساسیت این سؤال را برای خودمان روشن تر کنیم تا قدر پاسخ امام را بیشتر بدانیم. طبق فرمایش امام صادق (ع)، شیعیانی که در زمان امام صادق (ع) حضور داشته‌اند، ثواب نمازشان از شیعیانی که در دوران ظهور نماز می‌خوانند، بیشتر است.

حالا یک سؤال ساده می‌پرسیم: «شیعیانی که الآن (یعنی در دوران غیبت) نماز می‌خوانند، ثواب نمازشان بیشتر است یا یاران امام صادق (ع)؟» قطعاً شیعیان دوران غیبت؛ چون شیعیان دوران غیبت، همان امام صادق (ع) را هم ندیده‌اند. بر این اساس، اگر ثواب یاران امام صادق (ع) نسبت به دوران ظهور، یک پله بالاتر بوده، ثواب اعمال ما نسبت به دوران ظهور، دو پله بالاتر است. به عبارت دیگر، اگر حضرت تشریف فرما شوند، ثواب کارهای ما دو پله پایین تر می‌آید. با این تفاسیر، چرا ما باید برای نزدیک شدن ظهور حضرت دعا کنیم؟

الآن به دلیل اینکه ما در شرایط بدی هستیم، علی‌القاعده کارهای خوب ما چند برابر نوشته می‌شود، و برخی گناهان ما هم عذابش کمتر است و هرکسی هم از گناهش توبه کند، گناهش زودتر بخشیده می‌شود؛ اما وقتی حضرت تشریف بیاورند، هم ثواب کارهای خوب ما کمتر می‌شود، هم عذاب گناهان ما بیشتر می‌شود. چرا؟

چون اگر کسی در زمان امام زمان (عج) نماز بخواند یا زکات بدهد، خیلی هنر

نکرده است؛ چراکه در آن زمان حق آشکار شده است. لذا اگر کسی در دوران غیبت شهید شود، قیمتش خیلی بیشتر از این است که در زمان حضرت شهید شود. چون شهید شدن برای امامی که حاضر است، خیلی راحت تر است. از طرف دیگر، اگر کسی گناه کند، عقابش خیلی بیشتر است. چون در آن زمان آگاهی‌ها افزایش پیدا می‌کند و زمینه‌های گناه کمتر می‌شود.

با این اوصاف، چرا باید علاقه داشته باشیم که امام زمان (عج) زودتر تشریف بیاورند؟ و با کدام علاقه برای نزدیک شدن ظهور دعا کنیم؟ اصلاً شاید بد نباشد دعا کنیم که فرج کمی به تأخیر بیفتد تا ما ثواب بیشتری جمع کنیم!

امام صادق (ع) در پاسخ فرمودند:

سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُجِئُونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ حَالَ عَامَةِ النَّاسِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَا يُعْصِيَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَيُقَامَ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ يُرَدَّ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرُهُ حَتَّى لَا يَسْتُخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ كَثِيرٍ مِمَّنْ شَهِدَ بَدْرًا وَ أَحَدًا فَأَبْشِرُوا!<sup>۱</sup>

سبحان الله! آیا دوست نمی‌دارید که خدای تعالی عدل و حق را در بلاد آشکار کند؛ و حال عموم بندگان را نیکو گرداند، وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند، در زمین خدای تعالی معصیت نشود، حدود الهی در میان خلق اقامه گردد، خداوند حق را به اهلش برگرداند، آن‌ها آن را غالب گرداند تا جایی که هیچ حقی از ترس خلقی مخفی نماند؟ ای عمار! به خدا سوگند اگر هر یک از شما بر این حال بمیرد، نزد خدا از شهدای بدر و احد برتر است. پس مژده باد بر شما.



حضرت گلایه دارند که چرا به فکر جهانی شدن نیستید؟ ما به فکر جهان‌گشایی نیستیم؛ اما باید به فکر جهانی شدن که باشیم و نجات جهان از وضع موجود، مسئولیت جهانی ما است.

### چرا در قرآن داستان تمام اقوام مطرح جهان آمده است؟

چرا قرآن داستان حضرت موسی (ع) و قوم بنی‌اسرائیل مفصل می‌آید؟ چرا داستان حضرت عیسی (ع)، مفصل می‌آید؟ چرا در قرآن داستان تمام اقوام مطرح جهان آمده است؟ مگر قرآن کتاب مسلمان‌ها نیست، پس چرا از مسیحیت حرف می‌زند؟ می‌دانی چرا؟ چون قرآن کتاب جهانی است. کتابی است که مخاطبش جهان بشریت است. از مسیحیت تا یهودیت و هر دین و آیینی. جنس آیات قرآن، جنس جهانی است. این‌ها ظرفیت‌های جهانی در دین ما و مسئولیت‌های جهانی است که بر دوش ما گذاشته شده است؛ چرا گاهی اوقات از این مسئولیت بزرگ جهانی‌شانه خالی می‌کنیم؟

انقلاب اسلامی، مسیر جهانی شدن را برای ما و مکتب ما باز کرد؛ چون حقیقت انقلاب اسلامی، چیزی نبود جز اسلام ناب محمدی. اولین اثر جهانی انقلاب اسلامی، ورود در معادله قدرت است. تمام معادلات قدرت را برهم زدیم، نظریات سیاسی را تغییر دادیم، صدایش را در نمی‌آوریم، وگرنه ابرقدرت‌ها ما را خوب وزن کشی می‌کنند و می‌بینند چطور این انقلاب تبدیل به ابرقدرت شده است.

### اعتراف هنری کسینجر به قدرت انقلاب اسلامی

هرچه ضربات شدیدتر، مقاومت این انقلاب بیشتر، اصلاً انگاری انقلاب رویین‌تن شده است، با هیچ قدرتی، نمی‌شود آن را نابود کرد. هنری کسینجر، مشاور رئیس‌جمهوری آمریکا در دهه ۷۰ اعتراف می‌کند:

آیت‌الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد، تصمیمات او آن‌چنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاست‌مداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد، گویی از جای دیگر الهام می‌گرفت، دشمنی آیت‌الله خمینی با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت.<sup>۱</sup>

پروفسور برنارد لوئیس، سرشناس‌ترین یهودی‌تبار آمریکایی، انقلاب اسلامی را مجدد قدرت و عظمت اسلامی می‌داند.<sup>۲</sup> این اثر جهانی یعنی قوی شدن و برهم زدن معادله قدرت، فرصت‌های جهانی را هم برای ما پدید آورده است. فرصت‌های جهانی اقتصادی، فرصت‌های جهانی فرهنگی، فرصت‌های جهانی برای زمینه‌سازی برای ظهور و ما مثل کسی که کوهی از طلا دارد، ولی بلد نیست از این کوه طلا، طلا استخراج کند، نشستیم این فرصت‌های جهانی انقلاب اسلامی را از دست می‌دهیم.

### حل تعارض آثار جهانی انقلاب اسلامی با عدم توان حل مشکلات اقتصادی داخلی

شاید برای برخی این پرسش پیش بیاید که اگر انقلاب اسلامی آثار جهانی دارد و بر جهان و معادله قدرت آن تأثیر گذاشته است پس چرا ما در مشکلات اقتصادی داخلی خودمان مانده‌ایم؟ چرا نمی‌توانیم مشکلات اقتصادی خودمان را حل کنیم؟ آیا راه حلی نداریم؟ آیا توان حل مشکلات اقتصادی خودمان را نداریم؟ تعارض بین آثار جهانی انقلاب اسلامی و عدم توان حل مشکلات اقتصادی داخلی چگونه پدیدار می‌شود؟

۱ همان.

۲ همان.

می‌دهیم؟

## اقتصاد، معادلهٔ چند مجهوله

مسئله اینجا است که مشکلات اقتصادی که در کشور وجود دارد، یک معادلهٔ چند مجهوله است؛ یعنی شما برای حل مسئله اقتصاد، چند تا موضوع را باید حل کنی. یک طرف ماجرا، تغییر قوانین است، کشور ما جزء کشورهایی است که گاهی قوانین اضافی، مانع کسب‌وکار و رونق اقتصادی است. یک طرف ماجرا، قوه قضائیه است، که باید با رانت و این‌طور مسائل مبارزه کند، یک طرف ماجرا عزم جدی دولت مردانی است که باور به اقتصاد مقاومتی داشته باشند. این چند مسئله در کنار هم، یک طرف ماجرا است؛ اما طرف دیگر ماجرا، نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد است. ما راه‌حل داریم برای حل مشکلات اقتصادی، آن راه‌حل اسمش اقتصاد مقاومتی است، یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی، مردمی شدن اقتصاد است.

### جهانی شدن اسلام، آرزوی بزرگ سیاسی حضرت زهرا (س)

این جهانی شدن دین، آرزوی بزرگ حضرت زهرا (س)، بود که برایش جان داد. آرزوی حضرت زهرا (س) این بود که جهان در زیر چتر مدیریت ولایت قرار بگیرد. تو را خدا ببینید جنس آرزوهای حضرت سیاسی است. اصلاً سیاسی‌ترین بانوی جهان اسلام ایشان است. او بود که برای سیاست جهانی اسلام جان داد. گریه‌هایشان سیاسی بود، قبر مخفی‌شان یک حرکت سیاسی بود. خطبه‌هایشان سیاسی بود. روز ظهور، روز ظهور خدمات سیاسی حضرت زهرا (س)، به بشریت است؛ اما قدر آن بانو ناشناخته است. چه کردند مردم که نیمه شب باید غسل داده شود و کفن شود. فقط علی (ع) است که قدر این بانورا می‌داند، کنار قبرش می‌ایستد خطاب به پیامبر عرضه داشت:

قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي؛ اى پیامبر خدا، صبر و بردباری من با از دست دادن فاطمه علیها السلام کم شده، و توان خویشتنداری ندارم.<sup>۱</sup>

فَلَقَدْ اسْتَرْجَعَتِ الْوَدِيعَةَ وَ أُخِذَتِ الرَّهْيْنَةُ أَمَّا حُزْنِي فَسَرَمْتُ وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ؛ امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد، و به صاحبش رسید، از این پس اندوه من جاودانه، و شب‌هایم، شب‌زنده‌داری است، تا آن روز که خدا خانه زندگی تو را برای من برگزیند.<sup>۲</sup>

ماه، رخ از شرم، پشت ابر بُرد	تا علی ماهش به سوی قبر بُرد
خاک هم گویی گریبان چاک کرد	آرزوها را علی در خاک کرد
تن نمانده هیچ از او، جانم بگیر	زد صدا: اى خاک، جانانم بگیر
دستی آمد، همچو دست مصطفی	ناگهان بر یاری دست خدا
احمد از داماد خود، زهرا گرفت	گوهرش را از صدف، دریا گرفت
وی بر تو خُرد، یکسر جزء و کل	گفتش اى تاج سر خیل رُسل
بازگرداندم، امانت را بگیر	از من این آزرده جانت را بگیر
کوئثرت از ساقی کوئثر بگیر	بار دیگر، هدیهٔ داور بگیر
یاس دادی، می دهد نیلوفرت <sup>۳</sup>	می کشد خجالت علی از محضرت

۱ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲.

۲ همان.

۳ آستان وصال، علی انسانی